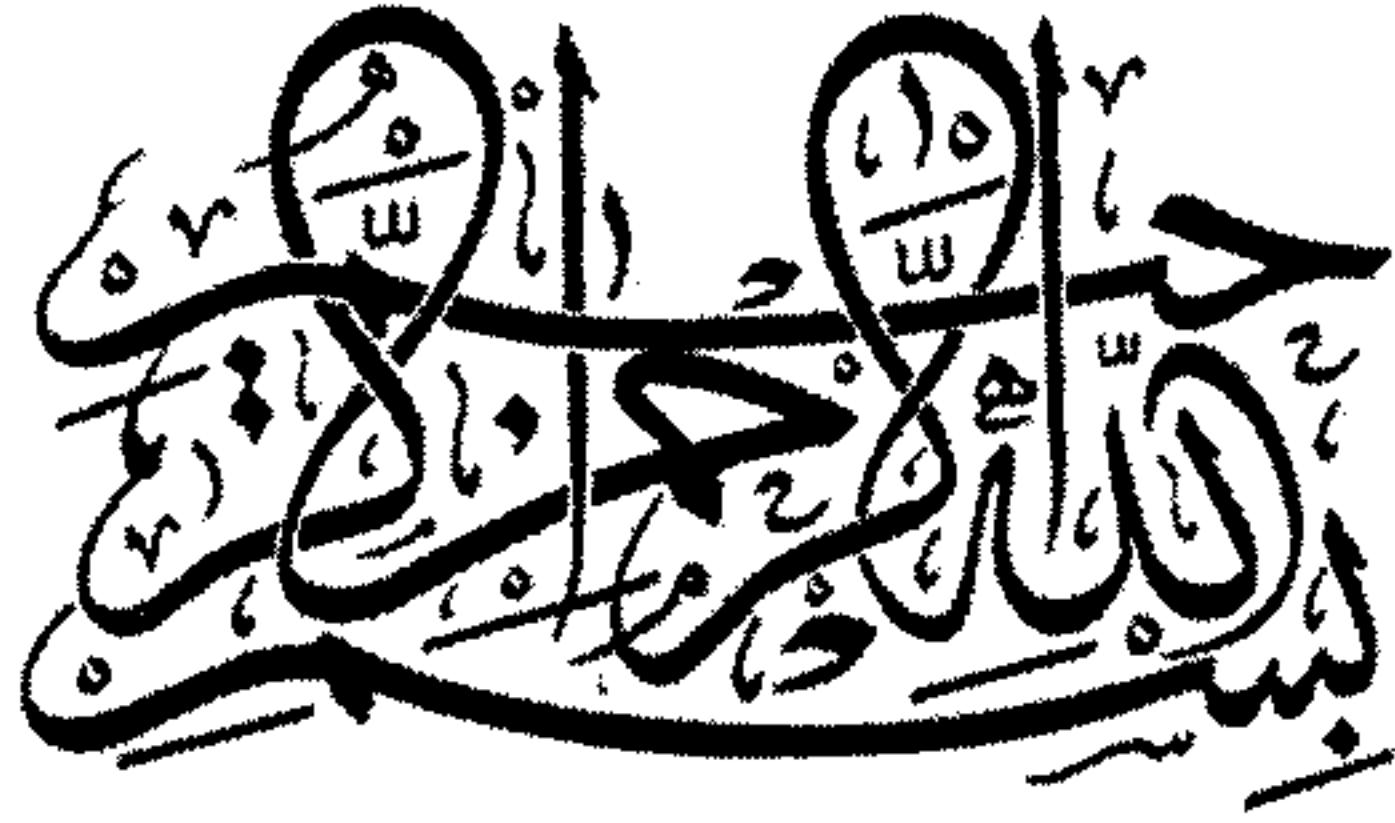


عصر ظہور

جلد ۲



ثریا نقرات



عصر ظہور

دربارہ ظہور امام زمان (عج)

مؤلف: ثریا تقرات

جلد دوم

سرشناسه:	نقرات، ثریا، ۱۳۳۵
عنوان و نام پدیدآورنده:	عصر ظهور: درباره‌ی ظهور امام زمان (عج)، مؤلف ثریا نقرات
مشخصات نشر:	مشهد، سیمرغ خراسان ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری:	۱۶۰ صفحه (تک رنگ)، جلد ۲
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق، ... غیبت
موضوع:	مهدویت
موضوع:	مهدویت ... انتظار
رده‌بندی کنگره:	BP ۲۲۴ / ن ۷۴ گ ۵ ۱۳۸۸
رده‌بندی دیوبی:	۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۱۲۵۴۳۵۵



انتشارات سیمرغ خراسان

نام کتاب: عصر ظهور

مؤلف: ثریا نقرات

ناشر: سیمرغ خراسان

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

قطع: رقعی

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

صفحه‌آرایی: مؤذن (۹۷ ۴۹ ۱۲۴ - ۰۹۱۵)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۴۸۱-۰-۶

قیمت: ۲۸۰۰۰ ریال

مرکز پخش: مشهد، سید رضی ۴۸، پلاک ۴۲۸

۰۹۱۵-۷۰۰ ۱۰۳۰ (۰۵۸۱) ۲۲۳ ۵۰ ۲۸ - (۰۵۱۱) ۶۰۶ ۷۶ ۷۲

کلیه حقوق این اثر، نزد مؤلف محفوظ می‌باشد.

تقدیم به:

یا صاحب الزمان یا ابا صالح

این کتاب را به پیشگاه سرور عالمیان قطب عالم امکان فریادرس
بی‌کسان، تنها امید مظلومان و ستمدیدگان، مفخر شیعیان یگانه دوران
عزیز فاطمه (سلام الله) نور دیده علی، تقدیم به عارفان حقیقی و
آنهایی که از شدت علاقه به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
در جستجوی حضرتش برآمدند و در نهایت موفق شدند به دیدار ایشان
نائل شوند و از این راه ولایت و محبت حقیقی را به ما بیاموزند و تقدیم
به تمامی شهدای اسلام، شهدای کربلا و تمامی شهدای انقلاب اسلامی و
به امید اینکه مورد قبول درگاه مبارک شما قرار گیرد و بیش از پیش
مشمول دعاها و الطاف کریمه‌تان قرار گیرم. انشاء الله

ثریا نقرات - استان خراسان رضوی - قوچان - سال ۱۳۸۸

فهرست

	پیش گفتار	
۶		
۸	فصل ۱	
۹	۱- سرگذشت به دنیا آمدن یک مأمور الهی	
۱۱	۲- درباره معرفی شخصیت والای حضرت خضر (علیه السلام) (رسیدن به نبوت)	
۱۵	۳- کارهای حضرت ولیعصر (علیه السلام) همچون کارهای حضرت خضر (علیه السلام) حکمت الهی است	
۱۶	۴- درباره مظلومیت و غربت حضرت ولیعصر (علیه السلام)	
۱۷	۵- مظلومیت حضرت ولیعصر در قرآن و روایات	
۱۹	۶- حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نظر رسول خدا (ذخیره الله) و (مختاره) و (سخنگوی پروردگار) و (واسطه سخنگوی حق است)	
۱۹	۷- بودن حضرت خضر (علیه السلام) در تمام دوران زندگی اهل بیت پیامبر (صلوات الله)	
۲۳	فصل ۲	
۲۴	۱- چگونه به معرفت و شناخت واقعی حضرت برسیم و مونس و هم‌درد او باشیم.	
۲۹	۲- وسوسه‌های شیطان نسبت به پیروان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)	
۳۲	۳- چگونه با وسوسه‌های شیطان در عصر ظهور مبارزه کنیم و از پیروان واقعی حضرت قرار بگیریم.	
۳۶	۴- جایگاه امام که جاست؟	
۳۶	۵- سفارش امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خواندن زیارت عاشورا و زیارت آل یاسین	
۳۸	۶- حدیث‌های قبل از میلاد و بعد از میلاد حضرت	
۳۹	فصل ۳	
۴۰	۱- حضرت اباصالح (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اسوه عالی عبادت	
۴۰	۲- حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چشم خداست	
۴۲	۳- عقیقه شدن حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) توسط جناب ابراهیم بن ادریس	
۴۳	۴- کربلا در نیمه شعبان یدرک و لا یوصف است	
۴۴	۵- غمگین بودن حضرت ولیعصر در اعیاد	
۴۴	۶- غروب غمبار جمعه‌ها	
۴۶	فصل ۴	
۴۷	۱- علت گندم گونی چهره حضرت ولیعصر (علیه السلام)	

- ۴۸ -۲ نمونه ای از کرامات حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۵۲ -۳ حال و گذشته و آینده آن شمشیر (آسمانی) ذوالفقار
- ۵۴ -۴ حضرت ولیعصر مانند جدش الثقیه می باشد
- ۵۴ -۵ حضرت مهدی (علیه السلام) شهسوار شیرین کار (حماسه ساز) می باشد.
- ۵۵ -۶ برخی از خصوصیات و مزایای حضرت ولیعصر (علیه السلام)

فصل ۵

- ۵۷
- ۵۸ -۱ نیمه شعبان از نظر ائمه اطهار (علیه السلام)
- ۵۹ -۲ نگاه حضرت زینب (سلام الله) به کتاب جفر در شب شهادت پدرش
- ۶۰ -۳ خداوند چهار چیز را در چهار مورد پنهان نموده است
- ۶۰ -۴ نبرد شیطان با حضرت اباصالح (علیه السلام)
- ۶۴ -۵ علت غیب شدن حضرت در سرداب (منزل خود حضرت)
- ۶۹ -۶ غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) سرّی از اسرار الهی است

فصل ۶

- ۷۱
- ۷۲ -۱ مهدی از فرزندان فاطمه (سلام الله) است
- ۷۳ -۲ مهدی منتظر (علیه السلام) در اندیشه اسلامی
- ۷۴ -۳ اعتقاد به حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جهانی است
- ۷۶ -۴ قرآن عهدنامه الهی است
- ۷۸ -۵ دشمنان جاویدان اسلام کدامند؟
- ۸۳ -۶ اصحاب حضرت مهدی (علیه السلام) به تعداد (اصحاب بدر) (اصحاب خاص حضرت)
- ۸۴ -۷ سرود عدالت
- ۸۴ -۸ مدعیان دروغین عصر غیبت حضرت

فصل ۷

- ۸۶
- ۸۷ -۱ پیر نشدن حضرت به خاطر استفاده از طعام بهشتی و از چشمه حیات
- ۸۷ -۲ آمادگی جهانی زمینه ظهور حضرت در تعجیل فرج آقا
- ۸۸ -۳ نقش علمای شیعه و فقه و فقاهاست شیعه در عصر غیبت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۹۰ -۴ وظایف محبان و منتظران حضرت و شناخت قلبی و معنوی به آن حضرت
- ۹۱ -۵ خشونت های غرب مسیحی در عصر حاضر
- ۹۴ -۶ خشونت های یهودیان در عصر حاضر و در زمان ظهور آن حضرت
- ۹۶ -۷ نقش ادیان دیگر در زمینه ظهور حضرت
- ۹۶ -۸ زرتشتیان و اندیشه ی انتظار

۹۹	۹- یهودیان
۹۹	۱۰- مسیحیان
۹۹	۱۱- مسلمانان

فصل ۸

۱۰۱	۱- جهان قبل از ظهور (علائم و نشانه‌های ظهور)
۱۰۲	۲- جهان بعد از ظهور حضرت
۱۰۵	۳- نقش رومیان و اروپائیان در دوران ظهور حضرت
۱۱۱	۴- نقش یهودیان در دوران ظهور حضرت
۱۱۳	۵- نقش اعراب در زمان ظهور
۱۱۵	۶- نقش یمن در دوران ظهور
۱۲۱	۷- نقش عراق در دوران ظهور
۱۲۲	۸- جنگ جهانی در موقع نزدیک ظهور آن حضرت
۱۲۴	۹- ایرانیان و نقش آنان در موقع ظهور آن حضرت

فصل ۹

۱۳۰	۱- جهان، و نهضت عدالت گستر آن حضرت
۱۳۱	۲- حکومت ولیعصر (علیه السلام) بزرگتر از سلطنت حضرت سلیمان (علیه السلام) و ذوالقرنین خواهد بود.
۱۳۳	۳- در موقع حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام)
۱۳۵	۴- رجعت ائمه اطهار با اصحاب خود
۱۳۷	۶- خروج دابه الارض
۱۳۹	۹- برپا شدن قیامت کبری
۱۳۹	۸- سرود هنرمندان قوچانی
۱۴۴	۹- سخنی با مولا
۱۴۷	

الهی

جهان به سر حد گناه، کفر، طغیان، بی‌عدالتی، ظلم و آزار رسیده است و امیدمان فقط به توست. مگر خود نگفته‌ای که ((بقیه الله)) خیر لکم ان کنتم مؤمنین). شاید مومن نباشیم، اما تو خود می‌دانی که انتظار بسی سخت‌تر از مرگ است.

بارالها

تو خود وعده دادی که روزی حق ظهور می‌کند و باطل نابود می‌گردد ... پس چرا از این غیبت چندین و چند ساله پرده بر نمی‌داری تا جهان مملو از عدالت شود و از این بی‌سرو سامانی و آشفتگی به در آید.....

پروردگارا

چشمه‌های انتظار جوشانند و قلب‌ها غرق در تکاپوی وصال یگانه منجی عالم، آسمان و زمین به هم گره خورده‌اند و تمام، هستی زمزمه کنان ذکر فرج را فریاد می‌زنند.

معبودا

بر ما منتی گذار و بر دعای بندگان مضطر خود مهر آمین بزن و سال‌های غیبت را برایمان ببخش و فرجش را نزدیک بفرما....

معبودا

آنچه حکمت و صلاح خود می‌باشد و اگر چنانچه زیاد اصرار نمودم بنده حقیرت می‌باشم، به جلالت سوگند زندگی پُر از گناه هیچ فایده‌ای ندارد، دنیا نیاز به منجی عالم بشریت دارد....

پروردگارا

همانطور که سیدالشهداء، حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) که روز شنبه در گرمای طاقت فرسای صحرای کربلا در روز عاشورا به شهادت رسید، تا اسلام و قرآن زنده بماند و می دانیم که فرزند بزرگوار او حضرت مهدی (عج الله...) نیز انتقام سرور شهیدان را - قیام حضرت ولیعصر (ع) در گرمای بسیار شدید تابستان در روز شنبه دهم محرم است. - از دشمنان خواهد گرفت و جهان را پر از عدل خواهد نمود...

آرزو

و ما آرزو داریم که روزی در گرمای طاقت فرسای تابستان از (مکه) صدای مرد آسمانی، دل کوه را می شکافد، گام هایش استوار. نوای دلنشینش حضرت کلام وحی را به ارمغان آورد و مردم را از ظلمات مطلق جاهلیت، به افق رسای انسانیت دعوت نمود.

آری

دگر بار خواهد آمد، مردی از تبار محمد (صلی الله علیه و آله) که به دیوار کعبه تکیه داده و با نوای دلنشین (انا بقیه الله) مردم را فرا می خوانند و عاشقان کویش، گرداگرد گل نرگس طواف کنان نوید آمدنش را قطرات اشک تبریک می گویند. نسیم روح نوازش طروات اندیشه را همچون غنچه گل در بهار شکوفا می کند او بشر را از کویر تفت دیده درماندگی به چشمه سار زلال و گوارا رهنمون می کند و همت به تشکیل حکومتی می گمارد که در پرتو انوار الهی تمام آرمانهای رفیع انبیاء و پیشوایان الهی را زنده خواهد کرد. (انشاءالله)

پس

باید دست به دعا برداشت و از پروردگار درک لحظه دیدار او را تمنا نمود.

بنابراین

انتظار، یک آمادگی فکری، عاطفی و جسمی است تمام وجود یک فرد منتظر و روش زندگی روزانه او در این مسیر قرار دارد، چنان زندگی می کند که هر زمان انتظارش به سر آمد، آماده ملاقات با موعود باشد، چون از صمیمیت قلب و عمق جان و روانش به این موضوع باور دارد و در تمامی کارهایش خدا و حضرت ولیعصر (ع) را ناظر و حاضر می داند و کمتر مرتکب گناه می شود.

باید نتیجه گرفت

انتظار، یعنی از دوستان و سربازان حضرت مهدی قرار گرفتن.

امید

امید، نگاه ما را به آینده ای روشن و زیبا معطوف می دارد، امید، فاصله زمانی انتظار تا ظهور را برای فرد منتظر کوتاه می سازد و او را نسبت به هم نوعان و جامعه خود مسئولیت پذیر می کند. و شخص را نسبت به ناملازمات زندگی مقاوم و مبارزه جو می کند، تا با مشکلات مبارزه نماید. امید، آدمی را از ((انتظار ذهن گرا)) به انتظار عینیت گرا سوق می دهد و سبب می شود تا فردی که از حال خود غفلت کرده و به آینده خود امیدوار باشد.

غیبت چرا؟

غیبت حضرت ولیعصر (ع) که در جلد قبل نیز توضیح دادم اما به صورت خلاصه، امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: غیبت امری از امور الهی و سرّی از اسرار خداوند و ائمه (علیهم السلام) است.

غیبت، یعنی غربال شدن بندگان خدا، غیبت یعنی آزمایش الهی، که خداوند بندگان خود را امتحان می کند که چقدر در ایمانشان محکم و پایدار خواهد ماند، تا نیکوکاران از بدکاران سلب شوند.

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲

به تمنای تو

ای عزیز فاطمه احیای چشمانت را شب زنده دار
هستم و نگاهت را
به عبادت نشسته‌ام
می‌دانم عروج این دستان پر نیاز کفاف تمنای مرا نمی‌کند
دعایم نیز چنگی به دل نمی‌زند.
سجده پر از غم اندوهم، سر از سجده بر نمی‌دارم، چون نگاهت می‌گویم،
استوار باش، امیدوار باش
سحر طلوعی نور نزدیک است.
دوست دارم بشنوم ز سمت حجاز و مکه، نغمه‌ی دلخوش انا المهدی
فاطمه

در خیابان و کوچه و بازار خلق را بنگرم همه دلشاد
خنده بر لب یکدیگر گویند آمد آقایمان صاحب الزمان
دوست دارم شادی یوسف زهرا
بدون کشیدن خم ابرو را
آری او خواهد آمد

صدای شمس‌سمند سپیده‌می‌آید (اسب سفید حضرت)
یلی که سینه سینه ظلمت دریده می‌آید
گرفته بیرق تابان عشق را بردوش
کسی که دوش به دوش سپیده می‌آید
طلوع بر که خورشید تابناک دل است
ستاره‌ای که از آفاق دیده می‌آید
بهار آمده با کاروان لاله به باغ

عصر ظهور

ز دشت ژاله، گل نو دمیده می آید
به سوی قله بی انتهای بیداری
پرنده ای که به خون پر کشیده می آید
در آن کران که بود به خون عاشقان، جوشان
شهید عشق، سر از تن بریده می آید
به پاسداری آیین آسمانی ما
گزیده ای خدا گزیده می آید

از مجله شماره ۱۴ - نشریه امان

پیش گفتار

«روح انسان با توجه به نوع خلقت آن، که او را نسبت به دیگر موجودات عالم متمایز می‌کند. و به خاطر وابستگی‌اش به عالم ملکوت و معنا، اگر در مسیر حقیقی خود به طور احسن راهنمایی شود، به مقامات و مدارجی خواهد رسید که او را به جزء انبیاء و مقربان در گاه الهی قرار می‌دهد.

منتهی این روح با ورودش به این دنیای خاکی و ظاهراً محبوس شدن در قالب جسم، اگر با حقایق و معارف آشنا نشود، چنان خود را به ورطه سقوط و نابودی می‌کشانند و چنان خود را از اوج عزت و مقامات بالای انسانی به پایین می‌کشانند که گاه به تعبیر قرآن هم ردیف با حیوانات و بلکه پست‌تر از آنها می‌شود.» ولی چون روح تعلق و وابستگی به معدن عزت و عظمت و خوبی‌ها و نیکی‌ها یعنی «ذات اقدس الهی» را دارد، خداوند به خاطر مهربانی‌اش قبل از اینکه این روح وارد دنیا شود، راهنمایی‌اش را که قبلاً آفریده بود و در قالب‌هایی مانند همان قالبی که به انسان هم داده است قرار داده تا انسان را از انحطاط و سقوط نجات دهند و او را با حقایق و معارف که در گنجینه‌اش گنجانده شده است، آشنا کنند. گنجینه‌ای که از قبل با خود به همراه آورده تا در این دنیای مادی و حیل‌گر از ثروت آن استفاده کند و خود را به ساحل الهی برساند.

این گنجینه اهلی همان درس‌ها و معارفی است که روح قبل از این دنیا در عالم ارواح و در کلاس درس خاندان عصمت و طهارت (علیه السلام) یاد گرفته و آنها را تعلیم داده است. درس‌هایی که انسان را به سعادت دنیوی و اخروی نائل می‌گردد.

من از دو روزه عمر آمدم به جان ای مهدی،

چه می‌کنی تو با این عمر جاودان که داری؟

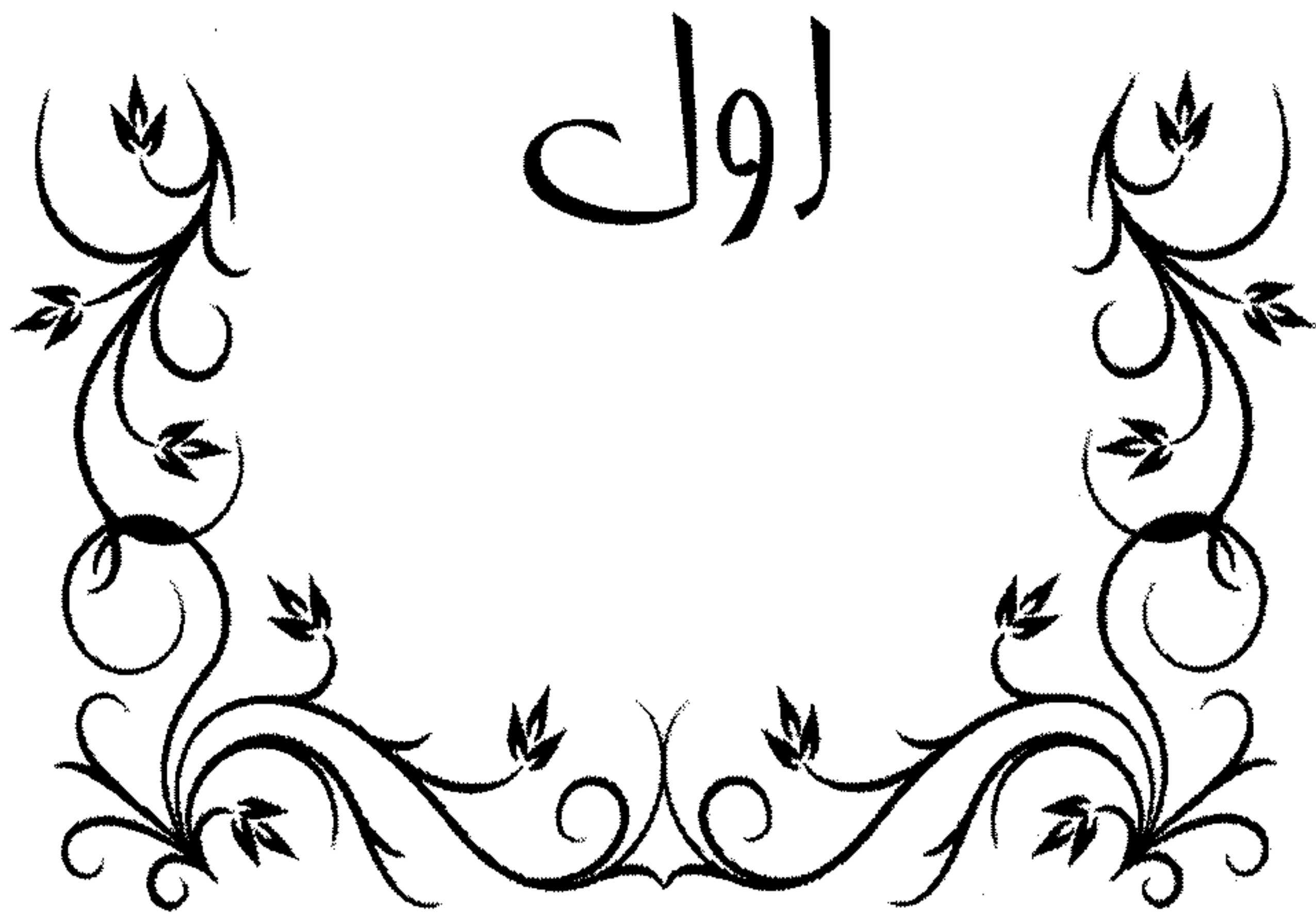
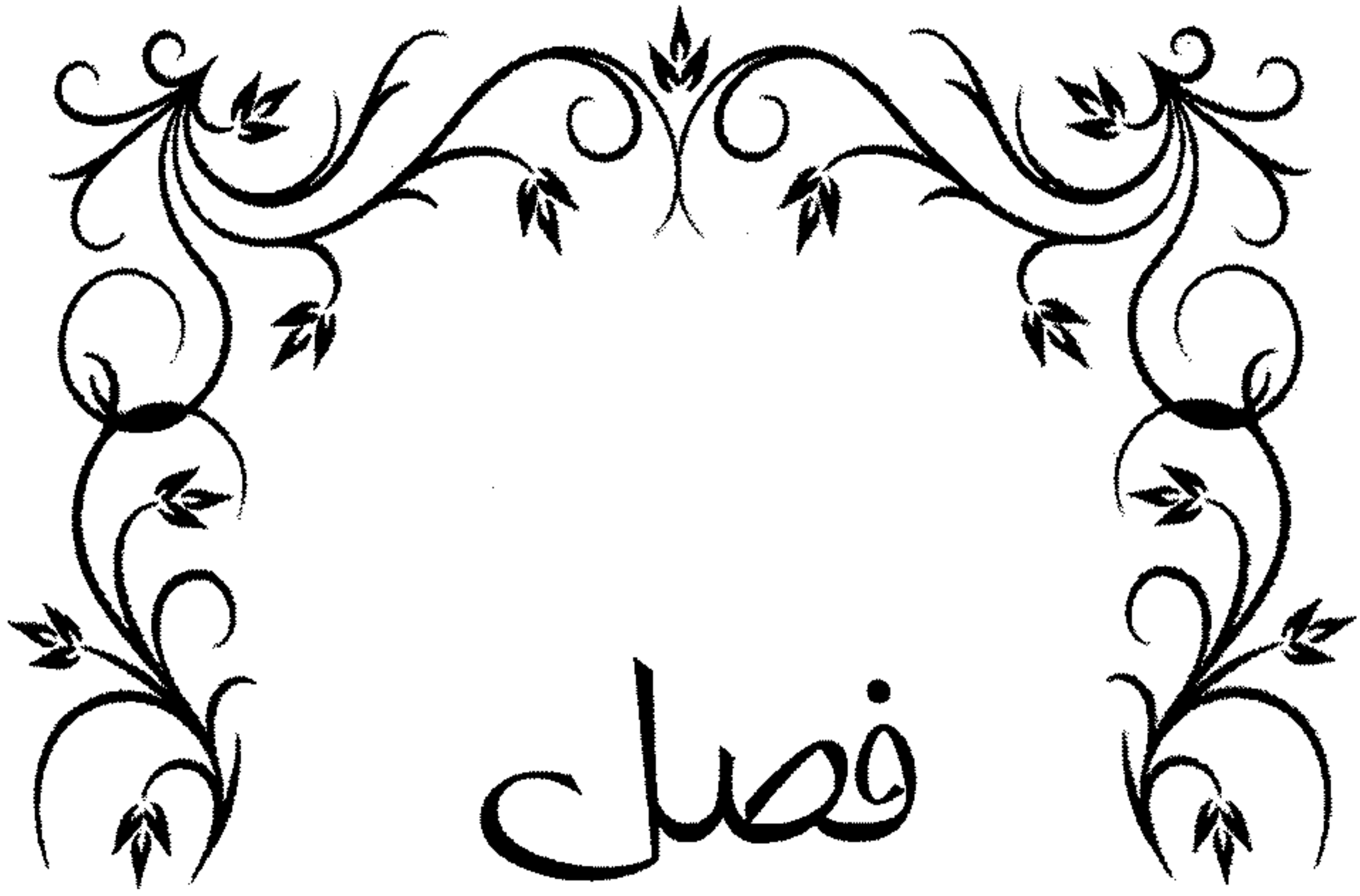
شنا به بحر تفکر نموده فهمیدم،

چگونه کشتی طوفان زده علم را به ساحل خواهی رسانی؟

عصر ظهور

در رکاب شما، حضرت خضر عمری در خدمت است؛
با عمر جاودان خود (تالیا) آنهم در غربت، مظلومیت شماست چه می‌کنی.
مولا؛ تنها امید حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) برای نشر شریعت نبوی،
منتقم خون حسین (علیه السلام)، دادگستر جهان، مصلح کل، موعود کل ملل
حضرت بقیه الله الاعظم حجت بن العسگری (عج الله تعالی فرجه الشریف)
ای همدم باد سحر

در آسمان ما قمر، صد یوسف اندر پشت سر، آینه خیر البشر یعنی امام منتظر،
برکش نقاب از ره بیا، ای غایب از چشمان ما



سرگذشت به دنیا آمدن یک مأمور الهی

تالیا یا حضرت خضر ۳۴۵۸ سال بعد از هبوط حضرت آدم (علیه السلام) ۵۶۰ سال قبل از میلاد مسیح و حدود ۱۱۷۰ سال قبل از بعثت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) در قوم بنی اسرائیل و در اطراف سرزمین های مصر و در خانواده اشرافی سلطنتی به دنیا آمد و از جانب پروردگار برای یک مأموریتی عظیم و سعادت و افتخاری بزرگ برگزیده شد.

نام او تالیا و کنیه اش را ابوالعباس گذاشته و لقبش خضر خواندند او پسر ملکبان بن غابرار فخرترین بن سام بن نوح است.

تالیا تنها فرزند خانواده اش بود و بر خلاف پدرش رویه سلطنت و پادشاهی نداشته، و از دین و آئین قومش که بت پرستی و شرک به خداوند یکتا بود، متنفر و در پی یکتا پرستی و ایمان به خدای واحد بود.^۱

از امام صادق (علیه السلام) منقول است:

« وقتی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به معراج برده شد، در راه بوی خوش مانند بوی مشک به مشامش رسید، از جبرئیل سؤال فرمود که این چه بویی است؟

جبرئیل فرمود: این بو از خانه ای بیرون می آید که عده ای را به خاطر ایمان شان به خدا، در آن خانه عذاب کردند تا هلاک شوند و ادامه داد «خضر یا تالیا» از شاهزادگان بود که به خدا ایمان آورد ملکبان تصمیم گرفتند که برای او همسری انتخاب کنند. تا فرزندی از او باقی بماند. اولین ازدواج او با یک دختر باکره و دومین ازدواجش با زنی بیوه بود اما (تالیا) هر بار از مضاجعت با آنان خودداری کرده و مشغول به عبادت و نماز می شد و در ضمن از آنها می خواست که این راز افشا نشود و چنانچه پادشاه از آنان در این مورد سؤالی می کرد، طوری پاسخ دهند که متوجه مسأله نشود.

از این دو زن، دختر باکره راز را نگه داشت، ولی زن بیوه به تعهد خود عمل

۱- از کتاب مونس تنهایی ص ۱۲ مهدی عابدینی

عصر ظهور

نکرد و به پادشاه گفت: فرزند تو به مانند زنان است. پادشاه از این موضوع ناراحت شد و دستور داد تا «تالیا» را در محلی زندانی کنند، اما روز بعد عواطف پدری، او را بر آن داشت تا فرزندش را آزاد کند، «ملکان» هنگامی که نزد «تالیا» آمد او را در زندان ندید، زیرا خداوند به او قدرت و نیرویی عنایت فرموده بود تا به هر کجا که مایل است سفر کند و به هر شکلی که بخواهد در بیاید و از نظر مردم پنهان شود، بعدها او به سپاه ذوالقرنین پیوسته و از چشمه آب حیات نوشید و تا دمیده شدن نفخه‌ی صور زنده است.^۱

و بعد از پنهان شدن حضرت خضر (علیه السلام)، کوشش پدر و مادرش برای پیدا نمودن آن حضرت ناموفق ماند، تا اینکه دو تاجری که کشتی آنها دچار طوفان شده بود و در حال غرق شدن بودند، از خدا کمک و یاری طلبیدند، حضرت خضر (علیه السلام) به یاری آنها شتافت و یکی از آن تاجرها حضرت را شناخت. حضرت فرمود: به شرطی نجات‌تان می‌دهم که به پدر و مادر و کسی از من چیزی نگوئید و آنها نیز قبول کردند. اما یکی از آنها به عهد خود وفا نکرد و فوراً به پادشاه خبر داد که پسر‌تان را در جزیره‌ای دیده‌ام. پادشاه گفت: برای گفته خود شاهی هم دارید؟ گفت: آری، تاجر دیگری هم همراه من بود. وقتی آن تاجر را نزد پادشاه آوردند. ایشان گفت این مرد دروغ می‌گوید، من اصلاً این مرد را نمی‌شناسم، پادشاه دستور داد فعلاً آن تاجر را زندانی کنند و عده‌ای سوار را همراه تاجر به جزیره فرستادند. اما به خواست خداوند حضرت خضر را ندیدند و بعد از این ماجرا، خداوند عذابی بر آن شهر فرستاد و همه به عذاب خداوند گرفتار شدند، فقط همان دختره باکره و آن تاجری که از جای پنهانی حضرت خضر (علیه السلام) با اطلاع بود و راز را به کسی نگفته بود، در امان ماندند که بعد از عذاب الهی این دو با هم ازدواج می‌کنند، سپس به سرزمین پادشاه دیگری نقل مکان نمودند.

و آن زن باکره به خانه پادشاه آن شهر راه پیدا کرد و به آرایشگری دختران پادشاه مشغول شد، تا آنکه روزی در حین آرایشگری شانه از دستش به زمین افتاد و برای برداشتن آن جمله «لا حول و لا قوه الا بالله» را بر زبان جاری

۱- از کتاب مونس تنهایی ص ۱۳-۱۴ مهدی عابدینی

ساخت.

وقتی که دخترها این جمله را شنیدند، پرسیدند: این چه سخنی بود. زن گفت: به درستی که مرا خدایی است که همه امور را به حول و قوت او انجام می‌گیرد. دختران پرسیدند: آیا تو خدائی به غیر از پدر ما داری؟ زن جواب داد: بله، آن خدای شما و خدای پدر پدرانتان نیز می‌باشد. بنابراین دختران پادشاه، پدر خویش را از ماجرا آگاه کردند، پادشاه زن را طلبید و از او پرسید که: چه کسی با تو در این دین شریک است. زن گفت: همسر و فرزندان من پادشاه ابتدا از آنها خواست تا از اعتقاد خود دست بردارند، اما هنگامی که استقامت آنها را در راه دین مشاهده کرد، دستور داد تا آنها را داخل دیگی پر از آب جوش انداختند و سپس خانه را بر سرشان خراب کردند. در اینجا جبرئیل به پیامبر عرض کرد: این بوی خوش که به مشام می‌رسد، از آن خانه است که اهل توحید الهی را در آنجا هلاک کردند.^۱

درباره معرفی شخصیت والای حضرت خضر (علیه السلام) و رسیدن به نبوت

« بعد از اینکه حضرت خضر (علیه السلام) به نبوت رسید تا مردم را به یگانه پرستی دعوت کند و معجزه حضرت خضر (علیه السلام) این بود که بر روی هر زمین خشک و بی‌علفی که می‌نشست سبز و خرم می‌شد و بر هر چوب خشکی که تکیه می‌داد، سبز می‌شد و برگ بر آن می‌روئید و شکوفه می‌داد، لذا به او لقب خضر دادند و چون بر روی پوستی سفید رنگ می‌ایستاد تا نماز بخواند آن پوست سبز می‌شد. لذا او را به این نام می‌نامیدند و عمر طولانی او به خاطر اینکه حضرت خضر (علیه السلام) از آب حیات نوشیده و عمر جاودان پیدا کرده و تا دمیدن نفخه صور زنده است. و چشمه حیات یا آب زندگانی به فرموده حضرت خضر در جواب به سؤالات مرد یهودی، اولین چشمه‌ای است که روی زمین جوشید.

۱- مونس تنهایی ص ۱۶-۱۷

عصر ظهور

و ذوالقرنین؛ بنده شایسته‌ی خدا بود که وقتی از ملک رقائیل پرسید عبادت اهل آسمان و اهل زمین چگونه است، جواب در مقایسه نیست، اهل آسمان جای قدمی نیست، مگر آنکه بر روی آن ملکی هست که «برای عبادت پروردگار یا ایستاده است و هرگز نمی‌نشیند و یا در حال رکوع است. ذوالقرنین با شنیدن این جمله‌ها بسیار گریه کرد و گفت: ای رقائیل، می‌خواهم که در دنیا آنقدر زنده بمانم که عبادت پروردگار خود را بی‌نهایت برسانم و حق اطاعت خداوند را آن چنان که سزاوار است بجا آورم، رقائیل گفت: ای ذوالقرنین، خدا را در زمین چشمه‌ای هست که به آن عین الحیوه می‌گویند؛ که هر کس از آن چشمه بخورد نمیرد تا صدای صور را بشنود، یا اینکه که خودش از خداوند طلب مرگ کند. ذوالقرنین گفت: آیا می‌دانی آن چشمه کجاست؟ رقائیل گفت نمی‌دانم ولی در آسمان‌ها شنیده‌ام که خداوند در زمین یک قسمت تاریک و ظلمانی دارد که هیچ‌انس و جنی در آن قدم نگذاشته، آنگاه به آسمان رفت. پس ذوالقرنین تمام نویسندگان و علمای زمین را خواست و از آنها پرسید آیا شما در کتاب‌های خداوند خوانده‌اید و آنچه از خبرهای پیامبران به شما رسیده، که چشمه‌ای را که خداوند در زمین قرار داده که نامش چشمه‌ی حیات باشد؟ همه گفتند نه! ولی یکی از علما که نامش فتحیز بود گفت: من وصیت حضرت آدم را خوانده‌ام و در آن یافته‌ام که خداوند تاریکی‌ای را خلق کرده و در آن تاریکی چشمه جاودانگی را قرار داده است. پس ذوالقرنین گفت راست می‌گویی و سپس فقها و نویسندگان و اشراف و پادشاهان را جمع کرد و به طرف مطلع خورشید به راه افتاد. دوازده سال راه یافتند تا اینکه به طرف تاریکی رسیدند، آن تاریکی مثل تاریکی معمولی نبود بلکه یک چیزی شبیه دود بود و یا مانند هوایی که در آن جریان بود.

ذوالقرنین علما و لشکرش را جمع کرد و گفت: من می‌خواهم این تاریکی را بپیمایم. علما گفتند: ای پادشاه، یک چیز را طلب و قصد کرده‌ای که هیچ کس قبل از تو، نه از انبیاء مرسلین و نه از پادشاهان قصه آن را نکرده و به دنبال آن نرفته‌اند. ما اگر یقین داشتیم در این راه که می‌روی بدون رنج موفق

عصر ظهور

به خواسته‌ات می‌شوی. این راه بسیار خطرناک و نابودی حاکمیت و انقراض سلطنت باشد و در نتیجه فساد در زمین حاصل می‌شود.

ذوالقرنین گفت: چاره‌ای نیست من باید وارد این تاریکی شوم آنگاه علما به سجده افتادند و گفتند: خدایا ما مخالفت خودمان را با خواست ذوالقرنین اظهار می‌کنیم. سپس ذوالقرنین در طلب آن چشمه به همراه لشکرش روانه شدند تا به جایی رسیدند که ۳۶۰ چشمه آب در آنجا بود او ۳۶۰ نفر از اصحابش را طلبید که خضر نیز در میان آنها بود و به هر یک از ایشان یک شور ماهی داد و گفت: هر کدام‌تان ماهی خود را در تاریکی از این چشمه‌ها بشوید و برای من بیاورید و در چشمه نفر دیگری نشوید. سپس اصحاب متفرق شدند و هر یک ماهی خود را در چشمه‌ای از آن چشمه‌ها شستند. حضرت خضر (علیه السلام) نیز به یکی از آن چشمه‌ها رسید، تا ماهی خود را در آب فرو برد، ماهی زنده شد و از دست خضر رها گشته و در میان آب حرکت کرد. خضر برای گرفتن ماهی لباس‌های خود را در آورده، خود را در آب انداخت و برای یافتن آن مکرر خود را به داخل آب فرود برد و از آن آب نوشید ولی ماهی را پیدا نکرد و از آب بیرون آمد و به طرف ذوالقرنین برگشت. وقتی او ماهیها را شمرد یک ماهی کم بود. آنها متوجه شدند که ماهی حضرت خضر (علیه السلام) نیست. آنها حضرت خضر را طلبیدند ایشان حقیقت ماجرا را گفت. ذوالقرنین پرسید آیا از آب نوشیدی؟ گفت آری، ذوالقرنین متوجه شد که این همان چشمه حیات است ولی هرچه جستجو کرد آن چشمه را نیافت. از این جریان فوق این طور استفاده می‌شود که حضرت خضر (علیه السلام) هم نمی‌دانسته که این همان چشمه آب حیات است و ناخودآگاه خود را در میان آن انداخته است و در برخی موارد گفته شده وقتی جریان ماهی را دید و به موضوع پی برد و خود را به داخل آب انداخت»^۱

«خدای متعال در قرآن در سوره ملک آیه ۳۰ می‌فرماید: قُلْ اَرَايْتُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَاءُكُمْ غَوْزًا فَمَنْ يَاتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ.

«ای پیامبر بگو به دیده تأمل بنگرید اگر آب، مایه حیات و زندگانی شما،

۱- مونس تنهایی، مهدی عابدینی ص ۱۹-۲۰-۲۱-۲۲ - در تفاسیر روایی ماء معین به وجود مقدس امام

عصر ظهور

صبحگاهی همه آن را به زمین فرو رود جزء (خدا) کیست که باز آب گوارا برای شما پدید آورد.» امام صادق (علیه السلام) در تأویل این آیه می‌فرمایند: اگر امامتان غایب شود، کیست امام ظاهری که برایتان آورد خبرهای آسمان و زمین را و حلال و حرام خدا را برایتان بیان کند.^۱

«از چشمه‌ی حیات که خداوند در قرآن فرموده نتیجه می‌گیریم از وجود چهارده معصوم پیرو امام هر زمانی به ماء معین یعنی (چشمه حیات)، (آب حیات) روحی و معنوی تعبیر شده است که حضرت خضر (علیه السلام) در دنیا آب حیات مادی پیدا نمود و عمرشان جاودان و طولانی شد و انسان هم می‌تواند همچون ذوالقرنین، در طلب آب حیات معنوی یا همان ماء مُعین که وجود مقدس امام زمان (علیه السلام) است از جای برخیزد لشکر عزم و اراده خود را تجهیز نماید و خود را به آن سرچشمه زلال حکمت برساند و عاجزانه بخواهد که و أَسْقِنَا مَنْ حَوْضِ جَدِّهِ (صلی الله علیه و آله) و بِكَاسِهِ وَ بَيِّدَهُ رِيًّا رَوِيَا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَلْمًا بَعْدَهُ

بنابراین آب حیات مادی، با آب حیات معنوی تفاوتی دارد و آن اینکه مصلحت الهی بر این نبوده که هر کس خود را به آب حیات مادی برساند و عمر جاودانه پیدا کند. ولی در مورد رسیدن به ماء معین و آب حیات روحی و معنوی، هر کس، حتی خبیث‌ترین افراد هم این شایستگی را دارند که با بیداری و سعی و تلاش خود، روحشان را به این دریای معرفت برسانند و از آن بنوشند و به گفته قرآن.

«وَأَنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۲

«خدایا ما را از حوض جدش به دست امام زمان (علیه السلام) و بوسیله کاسه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، از حکمت‌هایی که درباره وجود پیامبر اکرم (ص) است و بوسیله امام زمانی شدن می‌توان به آن رسید، به نحوی کامل و گوارا سیراب بفرما به گونه ای که بعد از آن هرگز تشنه نشویم.»^۳

۱- اثبات الهدی ج ۷ ص ۱۳۶

۲- سوره النجم آیه ۴۰

۳- مفاتیح الجنان؛ فرازی از دعای ندبه

کارهای حضرت ولیعصر (علیه السلام) همچون کارهای حضرت خضر (علیه السلام) حکمت الهی است

« خداوند این قدرت را به حضرت خضر (علیه السلام) داده است تا به هر شکلی که بخواهد در آید (جوان، پیر...)»^۱

امام صادق (علیه السلام) مأموریت حضرت خضر (علیه السلام) را این گونه بیان می فرمایند: حضرت خضر را خداوند عمر طولانی عنایت فرمود نه به خاطر نبوتی که برایش تقدیر کرده است، یا کتابی بر او نازل فرماید و نه آئینی که شرایع دیگر را نسخ نماید نه برای امتی که بندگان خود را به اقتدای او ملزم سازد و نه اطاعتی که بر او فرض فرماید، بلکه چون در علم خداوند تبارک و تعالی گذشته بود که عمر قائم (علیه السلام) در دوران غیبت طولانی خواهد شد تا آنجا که بندگان او باور نکنند و آن عمر طولانی را انکار نمایند، خداوند عمر بنده صالح (خضر (علیه السلام)) را بدون سبب طولانی ساخت به خاطر استدلال بوسیله آن بر عمر قائم (علیه السلام) و تا اینکه دلیل و برهان معاندین را قطع نماید که می گویند مردم را از سوی خداوند حجّتی نباشد. در واقع حضرت خضر دلیل برای توجه پیدا کردن به وجود مقدّسی امام زمان (علیه السلام) معرفی می شود.»^۲

« حضرت امام رضا (علیه السلام) می فرماید: خداوند حضرت خضر (ع) را تنها مونس و همدردی حضرت ولیعصر (علیه السلام) و خدمتگزار آن حضرت می داند. وحشت قائم ما را در هنگام غیبتش به وسیله او به انس مبدل می سازد و تنهایی اش را به وسیله او برطرف می سازد.»^۳

«حضرت اباعبدالله (علیه السلام) و حضرت امام صادق (علیه السلام) در آرزوی داشتن خدمت به ولیعصر (علیه السلام) را داشتند و فرمودند لَوْ ادرکنهُ لخدمته ایام حیاتی اگر من زمان فرزندم مهدی (علیه السلام) را درک می کردم تمام عمر خدمتگزار او می شدم. یعنی در زمانی که هم اکنون هستیم. همانند حضرت خضر (علیه السلام) که استاد حضرت موسی (علیه السلام) بودند و او را در اسرار علوم الهی و حقایق پروردگار راهنمایی نمودند، مونس تنهایی

۱- بحار الانوار، ص ۳۸-۴۶

۲- کمال الدین ج ۲ ص ۲۶ از قول پیامبر - مکیال المکارم ج ۱ ص ۲۱۶ - مونس تنهایی ص ۱۱۳

۳- کمال الدین ج ۲ ص ۳۹۰

خدمتگزار امام زمان ماست.»^۱

و در کنار آقا قرن‌ها عمر خود را سپری نموده و در غربت و مظلومیت حضرت بقیه‌الله شریک بوده، اما هیچ با خود فکر کرده‌ایم که چرا خداوند، شخصیتی از امت‌های گذشته را انتخاب و مونس تنهایی امام زمان (علیه السلام) ما قرار داده است؟ آیا حجت خدا باید در غربت و تنهایی تنها باشد، بخدا قسم بندگان خداست که از حضرت فاصله گرفته‌اند و به او توجهی نمی‌کنند و حضرت را در غربت و تنهایی قرار داده‌اند. آیا تا به حال از خود سؤال کرده‌ایم، که چرا آقامون در غربت و مظلومیت بسر برد، مگر خدا امام زمان با ما چه کرده؟ مگر خداوند به وسیله این بزرگوار به ما روزی نمی‌دهد. مگر خداوند به خاطر وجود ایشان آسمان و زمین را حفظ و ثابت نگه نداشته است؟ پس چرا اینقدر بی‌توجهی به مقام و جایگاهش؟ چرا اینقدر «با گناه و معصیت» توهین و بی‌احترامی به ساحت مقدّسش؟ و چرا اینقدر غفلت نسبت به آن معدن رحمت پروردگار؟ تا به کی باید بار گناهان و اشتباهات خود را متوجه دیگران و دیگر چیزها بکنیم؟ تا کی بایستی این همه مصیبت را به خاطر بی‌توجهی و فراموش کردن امام زمان مان تحمل کنیم؟ تا کی می‌خواهیم خود را گول بزنیم و بیدار نشویم و مورد وسوسه‌های شیطانی قرار بگیریم و از لباس تقوا سلب باشیم و لباس شیطان را استفاده نمائیم.»^۲

درباره مظلومیت و غربت حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

«معبودا! تا به کی در وادی هجران، حیران و جرعه‌نوش از کوزه زهر فراق با دستی لرزان و چشمی گریان و دلی سرشار از غم و اندوه و با چشمان منتظرمان به سوی آسمان دوخته تا مهدی فاطمه از وادی غربت و مظلومیت و دیار عزلت رهایی یابد، خدایش حکم فرجش را امضاء نماید و فرمان ظهور موفور را سرورش صادر نماید و طومار غیث را در هم نورد که آخر قلم می‌بیند که از نوک قلم ها چه زهرهایی می‌ریزد و از نیش...چه نیش ها زده می‌شود و

۱- غیبت نعمانی ص ۳۴۰

۲- مفاتیح الجنان، دعای عدیله

چگونه به ساحت مقدس آن ناز پرورده خطیره القدس کبریا و ناظر شجره طوبا و سدره المنتهی جسارت و اهانت می شود. دوستان نادان از یک سو و به گونه ای، دشمنان مغرض هم از یک جهت و به نحوی^۱

«معبودا چگونه مظلومیت حضرت ولیعصر (علیه السلام) را به قلم در بیاورم نمی دانم سید الشهداء (علیه السلام) در میدان نبرد بیشتر مظلوم واقع شدند. یا حضرت بقیه الله، با این همه توهین که به حضرت شده و می شود در این عصر مادی و اصلاً توجهی به حضرت ندارند و تا می توانند مرتکب گناه می شوند، پس (جاء الحق و زهق الباطل) چه می شود که در موقع به دنیا آمدن حضرت به سجده افتاد و بر بازوی راستش به نور این آیه شریفه نوشته شده و حضرت ولیعصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) شروع به خواندن آیه ۵ و ۶ سوره قصص نمود و بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امیر المؤمنان (علیه السلام) و حضرات معصومین (علیه السلام) یکایک درود فرستاد تا به پدر بزرگوارش^۲ که اشعار مرحوم شمس اصطهباناتی در این زمینه.

به تاجش شهنشاه دوران نوشته به سر پنجه اش عدل و احسان نوشته
به کنج لبش آب حیوان نوشته به خال سیاهش دل و جان نوشته
به فرقش رموزی ز فرقان نوشته به پیشانیش نام یزدان نوشته
به بازویش آیات قرآن نوشته

به فرق ثنایش ثناخوان نوشته به زلف پریشش پریشان نوشته
به لعل لبانش بدخشان نوشته

قیامت به پا می شود از قیامش پسندیده اسمش ستوده است نامش
که در طول ایام یابنده تو نویسم به مدحت کتابی مطول^۳

مظلومیت حضرت ولیعصر در قرآن و روایات

در سوره حج آیه ۳۹ فرماید:

(أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَانِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ)

«یعنی به کسانی که مورد ظلم قرار گرفته اند و با آنان دشمنی و جنگ شده،

۱- حدیث قبل از میلاد، مجتبی بحرینی ص ۶۵ و ۶۶

۲- غیبت شیخ طوسی ص ۱۴۴ - بحار الانوار ج ۱-۵ ص ۱۹ - مشارق انوار التهمتن ص ۱۰۱

۳- دیوان شمس - ص ۳۴۰ و ۳۴۲

عصر ظهور

اجازه قیام داده می‌شود و خداوند همانا بر یاری آنان تواناست.^۱
از حضرت باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که
این آیه درباره‌ی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اصحاب
آن بزرگوار می‌باشند که مورد ظلم قرار گرفته‌اند.^۲
خداوند درباره‌ی مظلومیت حضرت ولی عصر در قرآن در سوره‌ی شورا
آیه‌ی ۴۱ می‌فرماید:

(و لمن انتصر بعد ظلمه فاؤلثک ما علیهم من سیل)

همانا کسی که بعد از مظلوم واقع شدن قیام کند و حق خود را بگیرد. انتقامی
متوجه او نیست.^۳

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: روایت شده است، حضرت قائم است که
وقتی قیام نماید. از دشمنان خاندان عصمت (بنی امیه و کذابین و ناصیها) انتقام
خواهد گرفت.^۴

در سوره قصص آیه ۵ می‌فرماید.

ما اراده کرده‌ایم به کسانی که ضعیف و مظلوم شمرده‌اند منت گذارده و
آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. این آیه در باره اهل بیت نازل شده
است که خدای تعالی به رسول اکرم (صلی الله علیه واله) خبر داد که به فرزندان
توجه کنند و سپس مردی از اهل بیت تو قیام می‌نماید و داستان او همچون
داستان حضرت موسی (علیه السلام) است که در بین مردم زندگی می‌کند ولی
شناخته نمی‌شود تا خدای تعالی به او اجازه ظهور دهد.^۵

و اما خود ولی عصر (علیه السلام) درباره مظلومیت خویش می‌فرماید جدم
امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند حضرت ولی عصر هنگام ظهورش بین
رکن و مقام حضرت ابراهیم می‌ایستند و نماز می‌خوانند و به همراه وزیر خود
رو به مردم نموده‌اند و می‌فرماید ای مردم ما از خداوند علیه کسانی که به ما
ظلم کرده‌اند یاری می‌خواهیم، آنان که حق ما را طرد نموده و بر ما ستم شده،
ما امروز از خدای تعالی و از هر مسلمانی کمک و یاری می‌خواهیم.^۶

۱- الحججه ص ۱۴۲ ۲- تاویل الایات جلد ۲ ص ۵۴۹ حدیث ۱۸ و بحار الانوار جلد ۲۴ ص ۲۲۹ باب
انهم المظلومون ۳- المحججه ص ۱۶۴-۱۳۴ ۴- تاویل الایات جلد ۲ ص ۵۴۹ حدیث ۱۸ و
بحار النوار جلد ۲۴ ص ۲۲۹ ۵- تاویل آیات الظاهره جلد ۱ ص ۴۱۵ / عن تفسیر القمی ص ۴۸۳ - عنه
البحار جلد ۲۴ ص ۱۶۸ ۶- مکیال و مکارم جلد ۱ ص ۲۷۸. بحار النوار جلد ۵۲ ص ۲۲۳

و اما هدف پروردگار از مظلومیت حضرت و خلقت این کره خاکی پرورش انسان و رساندن او به مقام جانشینی خود بوده است که این کار تنها با استقرار آن حکومت عدل در تمامی نقاط زمین تحقق می یابد.^۱

حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشرف) از نظر رسول الله (صلوات الله) (ذخیره الله و مختاره) و (سخنگوی پروردگار) و (واسطه سخنگوی حق است)

حضرت رسول (صلوات الله) می فرماید:
(الا انه خیره الله و مختاره) بدانید او برگزیده پروردگار و انتخاب شده او از تمام خلقت است.

و همچنین می فرماید: الا انه المخبر عن ربه عزوجل و المنه بامر بدانید او واسطه انتقال سخنان پروردگار و سخنگوی اوست.
الا انه الرشید الشدید

او رشید (نمونه کامل درستی و حق) و پایدار در همه امور است.
الا انْهالْفَوْضُ اليه - او امور خلق را در دست دارد و فرمانده کل در عالم است

الا انه قد بشر به مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ. او بقدری عظمت دارد که همه انبیا و جانشینان آنها بشارت تشریف فرمائی او را داده اند.

بودن حضرت خضر (ع) در تمام دوران زندگی اهل بیت پیامبر (صلوات الله)

«یکی از افتخارات بزرگ حضرت خضر (ع) این است که این سعادت را داشته تا در زمان حیات خاندان عصمت و طهارت (ع) به خدمت آن بزرگواران رسیده و از محضر آن عزیزان که خزان علم و معدن رحمت پروردگار هستند، استفاده های فراوانی ببرد و بر علم ناچیز در مقابل آن دریای عظیم علوم الهی اضافه نماید.»^۲

۱- مکیال مکارم جلد ۱ ص ۲۸۸

۲- کافی ج ۱ ص ۳۶۰ حدیث اباب ان الائمة (ع) بعلمون علم ما کان و مایکون

« که امام صادق (علیه السلام) به بعضی از اصحاب خود در حج فرموده‌اند، که اسرای بین اهل بیت (ع) و حضرت خضر (علیه السلام) خصوصاً در رابطه با آن مأموریتی که بر عهده حضرت (علیه السلام) قرار داده شده، مبادله گشته است.»^۱

در این قسمت تعدادی از جریانات و برخوردهای حضرت خضر (علیه السلام) با اهل بیت (علیه السلام) را که در روایات به آن اشاره شده است، نقل می‌کنیم.

حکایت اول. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: یک روز در حالی که

من با پیامبر در بعضی از کوچه‌های مدینه راه می‌رفتیم. پیرمردی را دیدم قد بلند، چهار شانه و فراخ سینه، پس سلام کرد بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و به ایشان مرحبا گفت سپس متوجه من شد و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَابِعَ الْخُلَفَاءِ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

(سلام بر تو ای چهارمین خلیفه و رحمت و برکات خدا بر تو باد) آیا اینطور نیست یا (رسول الله) (صلی الله علیه و آله) پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمودند: بله!

سپس آن شخص گذشت. من عرض کردم: یا رسول الله چه چیزی این شیخ در مورد من گفت و شما او را تصدیق فرمودید.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: تو اینطور هستی الحمد لله (یعنی چهارمین خلیفه‌ای) به درستی که خدای عزوجل در کتابش (قرآن) فرمود: من قرار دادم در زمین خلیفه (برای خودم) و خلیفه قرار داده شده در آن آدم (صلی الله علیه و آله) است. (منظور این آیه حضرت آدم) و باز خداوند فرمود: یا داوود ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم تا میان خلق خدا به حق حکم کنی (خلیفه دوم) و خلیفه سوم را حضرت موسی برادر خود هارون را گفت: «تو در میان مردم» جانشین من باش و راه اصلاح پیش گیر: (با اجازه خداوند) که در قرآن آمده (و قال موسی لآخیه هارون الخلفنی فی قومی و أصلح)^۲

۱- مؤنس تنهایی، مهدی عابدینی ص ۸۰

۲- یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق، سره ص آیه ۲۶

۳- سوره اعراف آیه ۱۴۲

و اما «چهارمین خلیفه» و خدای عز و جل فرمود به رسولش که در روز حج اکبر به مردم اعلام کنم که تو علی معرفی شدی از طرف خدا و رسولش و وصی من می باشی و تو نسبت به من به منزله‌ی هارون هستی نسبت به موسی و تو چهارمین خلیفه‌ای همان طور که آن پیرمرد (حضرت خضر) فرمودند، بعد از من نبی وجود ندارد و وصی ام حضرت علی (علیه السلام) می باشد.^۱

از این حکایتها متوجه می شویم که حضرت خضر (علیه السلام) در زمان تمامی ائمه اطهار (علیه السلام) و زمان خود پیامبر و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به یاد اهل بیت (علیه السلام) می آورد، زیرا تنها با ظهور ایشان دنیا پر از عدل و داد می شود.

«حضرت علی می فرمایند: انسانها سه گروهند،

زاهد،

راغب،

صابر،

و اما زاهد؛ به چیزی از دنیا که به او داده می شود شاد نمی گردد و از چیزی که از دست می دهد ناراحت نمی شود که خداوند در قرآن سوره حدید آیه ۲۳ می فرماید:

«و اما صابر؛ دنیا را قلبا آرزومند است، پس اگر چیزی از آن به دست آورد، زمانی که به بدعاقبتی آن آگاه شود خودش را از آن نگه می دارد.»

و اما راغب؛ به دنیا بیم ندارد که حلال به او برسد یا حرام.»

منظور حضرت خضر (علیه السلام) در این کتاب بهانه‌ای بود برای رسیدن به این هدف که حضرت خضر (علیه السلام) دارای یه جایگاه با عظمتی و صاحب چه کمالات بالایی هستند که ایشان را خداوند برای مأموریتی ویژه خلق نموده است؛ مأموریتی که یک لحظه آن را هر کدام از انبیاء و اولیاء گرامی داشتند، باعث افتخار و مباهات آنان در عالم خلقت می شد و این مأموریت بزرگ که خداوند عمر طولانی به حضرت خضر (علیه السلام) عنایت فرمود نه بخاطر نبوتی که برایش تقدیر کرده باشد یا کتابی براو نازل فرماید و نه آئینی که

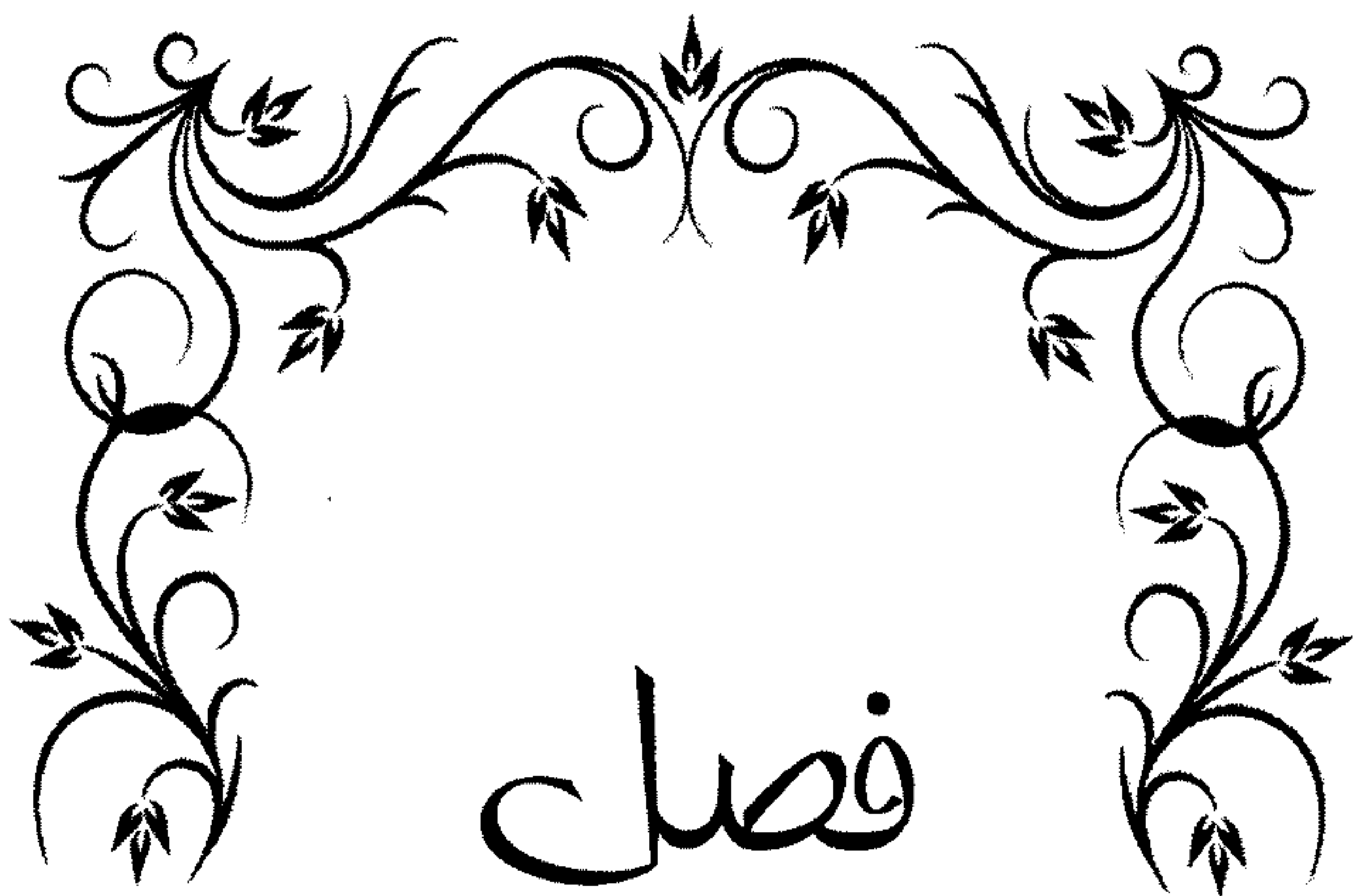
۱- سوره مائده آیه ۶۷ / عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ج ۲، ص ۹

عصر ظهور

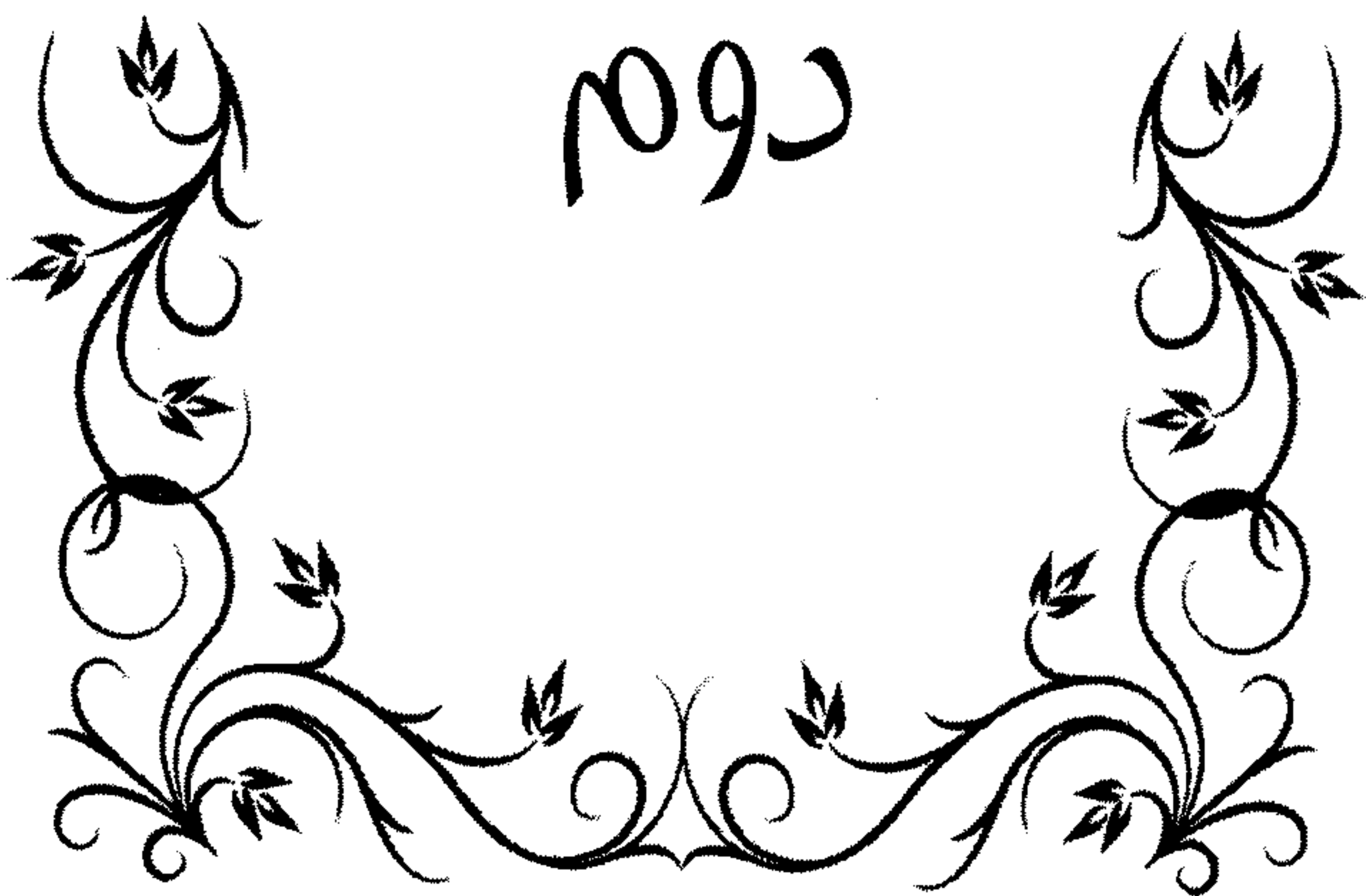
شرایع دیگر را نسخ نماید و نه برای امامتی که بندگان خود را اقتدای به او ملزم سازد و نه اطاعتی که بر او فرض فرماید. بلکه چون در علم خداوند تبارک و تعالی گذشته بود. که عمر قائم (علیه السلام) در دوران غیبت، طولانی خواهد شد تا آنجا که بندگان او باور نکنند و آن عمر طولانی را انکار نمایند. خداوند عمر حضرت خضر را بودن سبب طولانی ساخت بخاطر استدلال به وسیله آن بر عمر قائم (علیه السلام) و تا اینکه دلیل و برهان معاندین را قطع نماید که می گویند مردم را از سوی خداوند حجتی نباشد. در واقع حضرت (علیه السلام) دلیلی برای توجه پیدا کردند به وجود مقدس امام زمان معرفی می شود و تنها یار و مونس حضرت بقیه الله می باشد.

که حضرت امام رضا می فرمایند، حضرت خضر از آب حیات آشامیدند، پس او زنده است و نمی میرد تا در صور دمیده شود. و البته او نزد ما می آید و بر ما سلام می کند. صدایش شنیده می شود ولی خودش دیده نمی شود و او را هر جا که نامش به میان آید حاضر می شود و هر سال در مراسم حج حاضر می شود و خداوند وحشت قائم ما را در هنگام غیبتش به وسیله او به انس مبدل می سازد و تنهائیش را به وسیله او برطرف می سازد. و خدمتگزار و مونس تنهایی امام زمان ماست.^۱

۱- مونس تنهایی، مهدی عابدینی ص ۹۵-۱۱۳ / مکیال المکارم ج ۱ ص ۲۱۶ / کمال الدین ج ۲ ص ۲۶



فصل



١٥٩٠

« چگونه به معرفت و شناخت واقعی حضرت برسیم و مونس و همدرد او باشیم »

از آغاز عالم تا پایان آن نویدهای فراوان و بشارت‌هایی برای انبیاء و اولیاء بوده است، به خصوص نسبت به اجداد طاهرین و آباء گرامی حضرتش؛ از جمله در طول تاریخ هر پیامبری مبشر رسول بعد از خود بوده است، حضرت آدم بشارت شیث نجی الله می‌دهد، شیث از ادریس سخن به میان می‌آورد حضرت ادریس به حضرت نوح رهنمون می‌شود و نجی الله بشارت ابراهیم می‌دهد. خلیل خدا از پیامبران بعد و همه آنها نوید نقطه رسالت را می‌دهند در قرآن شریف صریحاً نوید حضرت عیسی بن مریم نسبت به پیامبر خاتم آمده است:

« و مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ »^۱

من عیسی بشارت دهنده هستم به رسولی که بعد از من خواهد آمد و نامش احمد است.

و همچنین نسبت به اوصیاء رسول اکرم (صلوات الله) بشارت و نویدهای بسیار رسیده است همه این‌ها درست و جای هیچ تردیدی در آنها نیست. در عالم خلقت فقط یک وجود مقدس است.

در بوستان آفرینش فقط یک سروناز است، یکی درخت گل اندر فضای خلوت ما است که سروهای چمن پیش قامتش پستند^۲

در گلستان هستی فقط یک گل است در آسمان وجود فقط یک ستاره است که در قرآن بنام النجم الثاقب لقب حضرت مهدی است.

«در اول سوره «طارق» و در جمع همه عناصر فقط یک عنصر است که از حق متعال جل و جلاله تا حضرت عسگری (علیه السلام) و از آنها «عالم تا نزدیک طلوع فجر نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری پیوسته بشارت ولایت و نوید آمدن او

۱- سوره صف آیه ۶

۲- کلیات سعدی ص ۵۹۲

داده شده است زیرا آن وجود مقدس و آن فیض اقدس، مقام خاتمیت دارد خاتم الائمه است. خاتم الاوصیاء است. «خداوند متعال نوید می دهد در شب معراج حضرت ختمی مرتبت (صلوات الله) را سیر داده و سفر بردند و او را از سدرالمنتهی گذارنده و به حجب نوری رساندند «در ليله - الاسراء و شب اسرار»^۱

شب آن معراجی عرش آشیانه به سبحان اندی امیری ترانه
فراز بارگاه عرش بینشت زجام لی مع الله گشت سر
مست^۲

«آری در آن محفل خلوت عرش، خدای واحد و احد، با حبیبش محمد احمدی فرمود و بالقائم منکم اعمرا رضی بَشَبَّیحی و تقدیسی و تهلیلی و تکبیری و تمجیدی به وسیله قائم شما زمینیم را به تشبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و تمجدیم آباد کنم و به وسیله او زمین را از دشمنانم پاک می سازم و در اختیار اولیائم قرار می دهم و به وسیله او کلمه کافران و سخن ملحدان را پست نموده و گفته خودم را برتری بخشم به وسیله قائم شهرها و بندگانم را به علمم حیات بخشیده و گنجینه ها و ذخائر را برای او ظاهر ساخته و به اراده ام او را به اسرار ضمائر مطلع سازم و برای اعلان دین و تحقق فرمانم او را به فرشتگانم کمک دهم، این است ولی من به حق، و مهدی بندگانم به صدق و راستی»^۳

«و در همان شب است که این مولود موعود این کلمه معبود را از در هاله ای از نور همراه با حبور و سرور، به جدّ امجدش پیامبرخاتم (صلوات الله) را نشان دادند. در حالی که در وسط انوار خاندان رسالت همانند کوكب دُری و ستاره ی روشنی درخشش داشته و پاخاسته. چون رسول خدا جویا می شود؛ من هولاء؟ اینان کیستند؟ جواب می آید. هولاء الائمه و هذا القائم محلل حلالی و محرّم حرامی و یَنْتَقِمُ من اعدائی یا محمد احبیه و فانی احبه و احب من یحبه» اینان ائمه و پیشوایان هستند و این قائم، به پا خواسته «در جمع آنان» کسی است که حلال مرا حلال بدارد و حرام مرا حرام گرداند «ضامن اجرای احکام و قوانین من باشد» و

۱- حدیث قبل از میلاد، سید مجتبی بحرینی ص ۲۳ و ۲۴

۲- دیوان الهی قمشاه ص ۳۱

۳- امالی صدوق مجلسی ۹۲-ج ۴ ص ۴-۵

عصر ظهور

انتقام از دشمنانم را بگیرد. ای محمد او را دوست بدار که من او را دوست دارم و دوست می‌دارم هر که او را دوست بدارد.»^۱

«و وقتی که حضرت رسول در آستانه رحلت قرار می‌گیرد و دخترش فاطمه (س) در کنار بسترش می‌نشیند با صدای گریه بلند به حضرت زهرا (سلام الهه) «نوید می‌دهد. «و منی مهدی هذه الامه» دخترم فاطمه مهدی این است از خاندان ماست آنگاه که دنیا را هرج و مرج فرا بگیرد، آشوب و فتنه‌ها پدید آید، امنیت از راه‌ها برخیزد، خدا عزوجل مهدی خاندان ما را ظاهر سازد و قیام به دین نماید، در آخرالزمان؛ آنگونه که از جور و ستم مملو شده است.»^۲

و در سوره تکویر آیه ۱۵-۱۶ می‌فرمایند:

«فَلَا أَقْسَمُ بِالْخَنَسِ الْجَوَارِ الْكُنَسِ. در این آیه سوگند یاد می‌کند مولودی است بر آخرالزمان که مهدی این خاندان است و برای او خیرتی است و غیبتی «جمعی در امر او دچار تحیر می‌شوند» و خوش بر احوال آنان که او را درک نمایند.»^۳

«روایت شده امام صادق (علیه السلام) بر سدید فرمود وای بر شما. صبح امروز که در کتاب جعفر نگاه می‌کردم و آن کتابی است که مُشتمل است. بر مرگ‌ها و بلاها و مصائب و آنچه شده و خواهد شد تا قیامت که خدا آن کتاب را بر حضرت ختمی مرتب و ائمه بعد از او اختصاص داده است. در آن کتاب تأمل می‌کردم در ولادت و غیبت و در طول عمر قائم ما خاندان و بلاها هر سختی‌هایی که بر اهل ایمان در روزگار غیبت آن حضرت می‌نشیند و ارتداد و بازگشت از دین که به سراغ اکثر مردم می‌آید، [با تأمل در این امور] رقت مرا گرفت و بسیار اندوهگین شدم.»^۴

و اما ما اکنون در عصری زندگی می‌کنیم که متعلق به ولیعصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد؛ غیبت و کوران بلایای روزگار اختفاء حضرتش این چنین بی‌خیال و آسوده‌بال و در فکر مال و منال و شهرت و مقامی که حتی از نام و یاد او هم می‌خواهیم در مسیر منافع و مقاصد خودمان استفاده کنیم.

گویا آن قائم منتظر و حجت موعودی که تمامی ائمه (علیه السلام) و یا سایر

۱- غیبت نعمانی باب ۴ ج ۲۴ ص ۹۴ و ص ۲۵ / حدیث قبل از میلاد، مجتبی بحرینی ص ۲۴ و ۲۵

۲- کفایه الاثر ص ۶۳ و ۶۴ / حدیث قبل از میلاد ص ۳۰

۳- بحار انوار ص ۵۱ / کمال الدین باب ۳۳ جزء ۵۰ ص ۲۱۹-۳۵۱-۳۵۴ / غیبت طوس ص ۱۰۵ و ۱۰۶

عصر ظهور

اولیاء این چنین به یادش فغان داشته و بی تاب بودند. غیر از آن امام زمانی است که ما می‌گوییم و از او یاد می‌کنیم! بگذریم.

«آیا وظیفه تک تک افراد جامعه اسلامی نیست دست به سوی آسمان برداشته و برای غربت و مظلومیت، غیبت حضرت دعا نمایند، و در مقام توصیف و معرفی او برآیند جانهای عالم به قربان او باد، که وسعت و گشایش در ناحیه سینه و شکم دارد. همانی که ابروی پیوسته و ساق‌هایی باریک دارد. فاصله میان دو شانهاش بسیار و رنگش گندم‌گون است که زردی شب زنده‌داری بر چهره‌اش با گندم‌گونی آمیخته است، جان‌های عالم به قربانت که شب‌ها در مقام رعایت و دیدار ستارگان بر می‌آید و پیوسته همچون فرشتگان در گاه مقرب الهی در رکوع و سجود است، که در راه خدا به سرزنش کنندگان توجهی ندارد، همان که چراغ شب‌های تار است.»^۱

«حضرت جواد (علیه السلام) می‌فرمایند: أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتُنَا اِنْتِظَارَ الْفَرَجِ.

برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.»^۲

تاکی به تمنای وصال تو یگانه اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه خواهد به سرآمد شب هجران تو یانه ای تیر غمت را دل عشاق نشانه جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه^۳

آری، یوسف زهرا، مهدی مولا؛ هر کسی به زبانی صفت حمد تو را می‌گوید و ثنای شما را می‌آورد و نوید آمدنت می‌دهد و به یادت آه می‌کشد. و می‌گیرد و سراغ شما را می‌گیرد و فرج شما را از خدا می‌طلبد و همیشه به دنبال گمشده‌اش می‌گردد.

ای باد صبا یک دم بگذر ز سرکوش
وانگه به وزیدن آی بر سنبل گیسویش
یک رشته به دست آور از سلسله مویش
یا آنکه به ما آور یک نکته‌ای از بویش
تا ناز کنی زین پس بر نافه تا تاری
آمد پسری آن کو، در دیده به راهش بود

۱- فلاح المسائل ص ۱۹۹ و ۲۰۰ / حدیث قبل از میلاد ص ۲۵

۲- کمال الدین باب ۳۶ ج ۱ ص ۳۷۷

۳- مرحوم شیخ بهایی

عصر ظهور

آن کو همه آفاق مشتاق نگاهش بود
آمد که کند دین را با قدرت حق یاری
هم پادشه گیتی هم منتخب دوران
هم نسل رسول الله هم نجل شه مردان
هم خیل رسل را ماه هم جان دهم او را جانان
هم فاصله را چون خشم هم نرجس را چون جان
از روز ازل عالم خود منتظرش باشد
چشم و دل عشاقش دائم به رهش باشد
این بعثت و این نهضت حق در نظرش باشد
تا بعد هزاران قرن طرح گه گرش باشد
یعنی که نظام کل سازد به کفش جاری
امروزه در این غوغا مولای خلائق اوست
حلال مشاکل اوست کشف حقایق اوست
بر نیروی هر ملت هم غایب و فائق اوست
بینای مصالح اوست دانای دقائق اوست
بر دولت او ختم است آئین جهان داری
او بر حق و هر دعوی با حضرت او هیچ است
هر قدرت و هر نیرو در قدرت او هیچ است
ادریس هوا خواهش عیسی است عنان دارش
الطاف خداوندی شد لشکر و سالارش
او حامی ما مخلوق خالق همه جا یارش
نظم همه موجودات امروز بود کارش
هم آدم و هم خاتم هم احمد و هم محمود
هم دولت او جاوید هم طالع او مسعود
هم چاکر او محبوب هم دشمن او مردود
روزی که عیان گردد بر مردم خواب آلود

یکباره جمال حق بینند به بیداری^۱

و به گفته قرآن که می فرمایند:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ ذِكْرِ إِنْ الْأَرْضِ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.^۲
 « سوگند که هر آینه پس از نوشتن در ذکر، در زبور نگارشتیم که البته
 بندگان شایسته من زمین را به ارث خواهند برد. این آیه شریفه از آغاز عالم نوید
 می دهد و بشارت قیام و ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) را نوید می دهد که
 در کتاب زبور حضرت داوود (علیه السلام) و بعد در کتاب تورات حضرت
 موسی و بعد در قرآن نوشتیم که بندگان صالح زمین را به ارث می برند. آنان
 آل محمد رسالت (علیه السلام) هستند»^۳

ای سَبَبِ خَلْقَتِ كُونِ وَ مَكَانِ
 كَفَرِ گَرَفْتِه هَمِه رَوِي زَمِينِ
 آينه دهر مَكْدَرِ شده
 دين ز كَفِ بنده و آزاد رفت
 گبر و مسلمان همه يكسان بين
 بلکه امید همه افلاکیان
 جن و ملك بنده دربان توست
 ای شه خوبان تو به فریاد رس
 روی زمین پاک ز خاشاک کن^۴

ای ولی عصر امام زمان
 خیز بین ای شه دنیا و دین
 عالم ما عالم دیگر شده
 شرع غربی یکسره بر باد رفت
 خانه ایمان همه ویران بین
 ای به تو امید همه خاکیان
 شمسی و فلک شمسه ایوان توست
 ما که نداریم به غیر از تو کسی
 خیز و جهان پاک و زنا پاک کن

وسوسه های شیطان نسبت به پیروان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

انما النجوى من الشيطان. «نجوا از شیطان است»
 زیرا این کار غالباً برای اعمال نادرست صورت می گیرد، چون انجام کار خیر
 و مفید و مثبت معمولاً بطور محرمانه و مخفیانه صورت می گیرد.
 که در قرآن آمده، ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که نجوا می کنید
 برای گناه و ستم و نافرمانی پیامبر خدا نجوا نکنید و تنها برای کار نیک و

۱- دیوان شمس، منظومه شمسی ص ۳۷۵ تا ۳۸۰ / مسقط شیوای شمس اصطباتانی
 ۲- سوره انبیاء - آیه ۱۰۵
 ۳- تفسیر التیان ج ۷ ص ۲۸۳ / روح الجنان / تفسیر ابوالفتوح رازی
 ج ۸ ص ۶۴ و ۶۵ / تفسیر قمی ج ۲ ص ۷۷ / مجمع البیان ج ۷ ص ۶۷
 ۴- ایانی از مرحوم جوهری بسنده

عصر ظهور

پرهیزگاری نجوا داشته باشید. نجوا، در گوش صحبت کردن می باشد.^۱
«از این آیه شریفه نتیجه می گیریم که نباید در گوش صحبت کرد، فقط باید در جلسات سرّی که بطور محرمانه می باشد نجوا کرد، آن هم برای کارهای خیر و نیکو مغرور بودن شیطان و بخاطر تکبر داشتن و خود را برتر از دیگران شمردن باعث نافرمانی از دستورات خدا نموده. تا می تواند پیروان اسلام و قرآن را وسوسه می کند، آنان را از راه مستقیم منحرف نموده و به گمراهی و جهالت می کشاند. در نتیجه انسان ها مرتکب به هر گناهی می شوند. و به غیر خدا روی می آورند و حقیقت را درک نمی کنند. همانطور که خداوند در قرآن در سوره بقره می فرماید، ما بر دل های آنان قفل می زنیم تا حقایق را درک نکنند و گوش ها و چشم های آنان را بسته تا حقایق را نشنوند و به جهالت و نادانی خود ادامه دهند. و حقایق را درک نمی کنند (شرک) که مرکز حساس روح آدمی را از کار می اندازد و تاریکی و ظلمت در جان او می پاشد و با وجود آن هیچ گونه امید نجات نیست، اما اگر حقیقت توحید و یکتاپرستی که سرچشمه هر گونه فضیلت و جنبش و حرکت است زنده باشد که امید بخشش در مورد بقیه گناهان وجود دارد.^۲»

«اکنون جامعه اسلامی با فساد بسیار بیشتری گرفتار شده اند، و در زندگی مادی دنیوی وسوسه های شیطانی قرن و زرق و برق های دنیوی انسان های این قرن را از معرفت و اعتقادات قلبی سلب ساخته و فاصله ای عمیقی از امام زمان مان گرفته اند. گویا فراموش نموده اند، که امام عصر شان در غیبت می باشد و به خاطر وجود ایشان کمتر گناه و معصیت نمایند و آماده ظهور گردند و با این فرمایش امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو سال بعد از نامه اول به شیخ مفید می نویسد اگر چنانچه شیعیان ما را که خداوند ایشان را در انجام طاعات خود موفق فرماید. در راه انجام و ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدل و پایدار می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما با شناخت و معرفت، کامل و صحیح به آنان زودتر دست می داد، پس ما را از انسان دور نمی کند مگر آن کارها و اعمال آنها که برای ما ناپسند و ناخوشایند

۱- سوره مجادله آیه ۱ تا ۹

۲- تفسیر نمونه ج ۴ ص ۱۳۳

است»^۱

«از نامه دوم حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متوجه می شویم چرا باید اعمالی داشته باشیم که باعث رنجش آقا امام زمان مان شویم چرا شادی خود را با مجلس های ناپسند، پروردگاران را از خود ناراضی نگه داریم؛ و با لباس های بی تقوا (شیطانی) در خیابانها باعث رنجش و ناراحتی حضرت ولیعصرمان شویم؟ چرا به خاطر اینکه لحظاتی را ظاهراً خوشحال باشیم قلب مهربان امام زمانمان را می رنجانیم؟ به عنوان مثال. مگر با گوش دادن به موسیقی، می توان ناراحتی و گرفتاریهای خودمان را که ریشه در غفلت از امام زمان دارد برطرف کرد آخر چرا به دنبال معالجه واقعی آن نیستیم؛ چرا با درونی و و با منفی هایمان و حفظ ریسمان ستمان پیرو شیطان شویم.. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ناراحت کنیم برکت و روزی را از زندگیمان سلب سازیم، و به دنبال لقمه حرام باشیم و با گرفتن رشوه، و بخاطر روابط و ضوابط اداری حق مظلومی را بی رحمانه پایمال نمائیم و طرفدار ناحق شویم، و به دروغ شهادت دهیم که این چنین بوده. و به گفته قرآن که در سوره بقره آیه ۱۸۵ می فرمایند: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ.»

یعنی خداوند برای شما آسانی و راحتی می خواهد و برای شما سختی نمی خواهد. چرا ما خودمان را اصلاح نکنیم، تا در جامعه معصیت و گناه داشته باشیم، چرا خداوند را در موقع انجام کارهایمان ناظر و حاضر قرار ندهیم؛ که مرتکب گناه نشویم، و خود را مهیای ظهور آقامون امام زمان باشیم. بخدا اگر فکر کنیم در عصری زندگی می کنیم، که متعلق به حضرت ولیعصر می باشد، که هر لحظه امکان دارد، فرج آقا صورت گیرد. از صمیم قلب مرتکب گناه نمی شویم، و سعی می کنیم طوری زندگی کنیم که تمام لحظات عمرمان حضرت از ما راضی و خشنود باشد و ارتباط قلبی با ما برقرار نماید»^۲

«حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مناجاتی به خداوند عرض می کنند: «خدایا! شیعیان ما از ما هستند، از زیادی گل ما خلق شده اند و به آب ولایت ما عجین گردیده اند.»^۳

۱- الانتجاج ج ۲ ص ۳۲۵

۲- مونس تنهایی ص ۱۲۳ و ۱۲۴

۳- امام زمان و سید بن طاوس، حجه اسلام سید جعفر رفیعی ص ۱۷۸

یعنی حیات روح و حقیقت زندگی مان، بستگی به معارف و حقایق اهل بیت (ع) دارد.

چگونه با وسوسه‌های شیطان در عصر ظهور مبارزه کنیم و پیروان واقعی حضرت قرار گیریم

«بنابراین اگر خودمان و روح مان را از دریای رحمت الهی یعنی (امام عجل الله تعالی فرج الشریف) جدا کنیم و اعمالی که مورد رضایت ایشان نباشد انجام دهیم. کم کم روحمان بر اثر غفلت حقایق و معارف و فاصله گرفتن از (امام) خشک می‌شود و می‌گندد. لذا گرفتار ناراحتی‌ها و غم و اندوه می‌شویم، اما اگر به وسیله اعمال شایسته و پسندیده و عدم غفلت و کوتاهی نسبت به آن امام عزیز و مهربان و مخزن رحمت پروردگار، خودمان را متصل به آن معدن آرامش و آسایش کنیم، غم و اندوهی به ما وارد نمی‌شود که بخواهیم به چیزهای کذابی پناه ببریم، مانند ماهواره‌ها و نوار سی دی‌های غربی و گمراه‌کننده که همواره برای منحرف ساختن ذهن جوانان و به انحراف کشیدن جامعه‌های اسلامی به کار می‌رود. همانطور که در دعای ندبه می‌خوانیم. «خدایا! تو امام را مامن و وسیله آرامش و پناهگاه ما خلق فرموده‌ای»^۱

«ثانیاً اگر بر اثر غفلت و اشتباهات خودمان، غم و اندوه و فشار سختی بر زندگی مان وارد می‌شود، چرا به جای ناامن و خطرناکی که اصلاً مورد رضایت خداوند و امام زمان (علیه السلام) نیست پناه ببریم در صورتی که وجود مقدس امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می‌فرماید: «امام پناهگاه خدا» برای مردم» در گرفتاریهای سخت زندگی است.»

درست است که امام مهربان است و در رأفت امام (علیه السلام) هیچ شرک و شبهه‌ای وجود ندارد، اما این دلیل نمی‌شود که فقط در گرفتاری‌ها و مشکلات به یاد امام بیفتیم و نذر و نیاز کنیم، این حالت با توجه به جایگاه و مقام امام (علیه السلام) توهین بزرگی است.^۲

«یک عاشق امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌گفت» وارد مسجد

۱- امام زمان و سید بن طاووس، حجة الاسلام سید جعفر رفیعی ص ۱۷۸ / مونس تنهایی ص ۱۲۳ و ۱۲۴

۲- «الامام مفرغ العباد فی الدامیه الناد» اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۶

عصر ظهور

جمکران شدم دیدم جمعیت زیادی داخل مسجد هستند، خطاب به امام عصر (علیه السلام) عرض کردم آقا جان شما که این همه عاشق و یار دارید، چرا ظهور نمی فرمائید آنگاه در گوشه‌ای از مسجد که در حالت خواب یا مکاشفه آن حضرت را زیارت کردم ایشان به من فرمودند: «اینها برای من نیامده اند.» آنگاه امام (علیه السلام) دست مرا گرفتند و با خود بردند و بعد تک تک افراد داخل مسجد جمکران را به من نشان دادند و فرمودند: این برای قرض خود آمده، این یکی خانه می خواهد و... فقط این یک نفر به خاطر من آمده است. پس بیایم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به خاطر اینکه امام و حجت خدا بر ما هستند دوست داشته باشیم نه به خاطر خواسته‌های خودمان. بخدا آقامون را از غربت و مظلومیت بدر کنیم زیرا اگر همه مسلمانان جهان با گریه و زاری به سجود افتند و فرج آقا را از ته دل از خدا بخواهند ظهورش نزدیکتر می شود و جهان سریع تر در آرامش و امنیت و عدالت اجتماعی قرار می گیرد قسم به خدا اگر همه، امام زمان خودشان را درک کنند و بدانند که چقدر حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در غربت قرار گرفته و چقدر تنهای تنهاست تمام فکر و اندیشه‌شان و کارهای خود را اختصاص به حضرت بقیه الله قرار دهند و برای ظهورش تلاش نمایند ولی متأسفانه اندیشه‌های مادی و تجملات زندگی، ثروت شده برای آنها خدایشان، بجای اینکه خدای واقعی را پرستند، پول را می پرستند و در نتیجه از حقایق واقعیت‌ها سلب می شوند و شیطان در دل آنها خانه می کند و به طرف خود می کشاند و این دسته از انسان‌ها پیروان شیطان می شوند و از دستورات شیطان پیروی می کنند.^۱

برای پیروان شیطان مهم نیست که روزی در محضر خدا حاضر می شوند و باید جواب دهند. و تا می توانند مرتکب گناه و باعث رنجش قلب نازنین حضرت «بقیه الله اعظم» اروحنا فدا می گردد و با بدحجابی خود و با ناهنجارترین وضع و رفتار، و برخورد با نامحرمان در محیط کار اداری و مجالس‌ها و در خیابان‌ها، در خدمت شیطان قرار گرفته و به وسوسه‌های شیطانی عمل نموده‌اند.

۱- مونس تنهایی، مهدی عابدینی ص ۱۲۳ تا ۱۲۵، درباره مقام، منزلت و جایگاه خاص امام (ع)

عصر ظهور

هشدار؛ ما معتقدیم (و به راحتی قابل اثبات است) که ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فدا) از امور حتمیه پروردگار است تا ایشان قیام نفرمایند و حکومت عدل الهی برقرار نشود، هرگز قیامت برپا نخواهد شد.

«همانطور که در روایتی حضرت رسول (صلوات الله) می فرمایند: «اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد، آن روز را خداوند آنقدر طولانی می فرماید تا مردی از فرزندانم برانگیخته شود که همنام من است.»^۱

«بنابراین حضرت ظهور خواهد کرد برخلاف کوردلان و عده‌ای نادان و غافل از امام زمان (علیه السلام) که می گویند: هنوز خیلی مانده تا امام زمان ظهور کند. شما به حرف اهل بیت (علیه السلام) توجه داشته باشید و به علائم‌های قبل از ظهور حضرت دقت داشته باشید که در دنیا هرروز با حوادثی روبه رو می شویم که به گفته تمامی ائمه (علیه السلام) فرموده‌اند هر لحظه امکان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) وجود دارد، «سید الشهداء در این مورد می فرمایند: «خداوند بزرگ در یک شب امر ظهور (امام زمان علیه السلام) را اصلاح می کند.»^۲

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: هر صبح و شام منتظر فرج «امام زمان (علیه السلام) باشید که خدا در یک لحظه اصلاح می کند.»^۳

«حضرت امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: مثل ظهور او همانند ظهور قیامت است که هیچ کس جزء خداوند خبر ندارد، امر بسیار عظیمی در آسمانها و زمین قرار است انجام گیرد، او ظاهر نمی شود مگر به طور ناگهانی.»^۴

هشدار

این است که هیچ فکر کرده‌ایم اگر انشاءالله آن حضرت در این زمان ظهور بفرمایند، زیرا عصرم تعلق به آفاست. با این روش زندگی و این همه غفلت‌هایی که ما داریم و با این همه معاصی و اشتباهات و رذائل اخلاقی خود را گرفتار کرده‌ایم، چگونه در پیشگاهش حاضر شویم؟ چگونه در چشمان آن امام مهربان بیندازیم؟ و اصلاً چه جواب و توجیهی می توانیم برای آن حضرت داشته باشیم؟ و چگونه می توانیم پاسخگوی این همه لطف و محبت آن امام عزیز باشیم مخصوصاً

۲- کشف الغمه ج ۲ ص ۵۲۲

۴- کمال الدین ج ۲ ص ۷۳

۱- ذخائر العقبی ص ۱۳۶ و ۱۳۷

۳- مکیال المکارم ج ۲ ص ۱۴۳

عصر ظهور

ما در کشوری زندگی می کنیم که به گفته امام خمینی (ارواحنا فدای) متعلق به امام زمان است. کشوری که مدرسه آقااست و مدیریت این کشور به دست حضرت ولیعصر می باشد، و از تمامی لحظات زندگی ما با خبر می باشد. پس سعی کنیم قبل از ظهورش توجه داشته باشیم و خود را برای ظهورش مهیا سازیم و از دوستان و محبان واقعی حضرت باشیم و برای مظلومیت و تنهایی او بکوشیم و فرج آقا را هر لحظه از خداوند بخواهیم تا خداوند نامه فرجش را به دست مبارک خود امضاء نمایند و جهان در صلح و امنیت و آسایش قرار گیرد. انشالله

«مرحوم آیت الله میزا محمدباقر اصفهانی «رحمه الله» می فرماید: شبی در عالم خواب یا بین خواب و بیداری امام مجتبی (علیه السلام) را دیدم به من فرمود: بالای منبرها به مردم بگوئید که توبه کنند و برای فرج حضرت حجت (علیه السلام) دعا نمایند و این دعا مانند نماز حضرت میت نیست که از واجبات کفائی باشد و با دعا کردن عده ای از مردم، از بقیه ساقط شود بلکه مانند نمازهای یومیه بر هر فردی که به سن تکلیف رسیده واجب می شود.»^۱

« و از خداوند متعال خواستاریم همانطور که کارهای تمامی انبیاء را قبل از ظهورشان اصلاح نموده کارهای ولیعصر را هم اصلاح نمایند و ظهورش را آسان نماید و حضرت را از اضطراب و نگرانی بیرون آورد.» انشالله

« در روایات متعدد هم آمده، اگر ما مردم می دانستیم در دوران ظهور امام زمان (علیه السلام) و دولت کریمه که آن حضرت، خداوند چه الطاف و برکاتی به بشریت عنایت فرماید و انسان ها به چه رشد معنوی، فکری، علمی و حتی مادی می رسند، همه کارهای مان را رها می کردیم و مانند قوم بنی اسرائیل که سر به بیابان گذاشته و برای نجات خود فرج حضرت موسی (علیه السلام) را از خداوند خواستند ما هم این کار را می کردیم.»^۲

به قول معروف، صدبار بدی کردی و دیدی ثمرش را، خوبی چه بدی داشت که یک بار نکردی، باز هم این اوصاف بسیار اندکی از غربت و تنهایی امام زمان (علیه السلام) و از غفلت و بی توجهی ما مردم نسبت به ایشان بیان گردید و از طرفی گفته شد که حضرت خضر (علیه السلام) مونس تنهایی امام عزیزمان

۱- مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی ج ۱ ص ۵۱۱

۲- صحیفه نور ج ۱ ص ۶۱

عصر ظهور

است رأفت و مهربانی فوق العاده آن یگانه عالم هستی بخش جانها را در یک روایت دقت بفرمائید.

امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: مونس و همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر برابر و مانند مادر دلسوز به کودک است.^۱

جایگاه امام کجاست

«جایگاه و مقام امام ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و کسب معرفت ایشان چیزی نیست که بتوان در چند سطر یا چند صفحه و یا حتی چند کتاب پیرامون آن نوشت و دیگر اینکه در توان ظرفیت ما و این کتاب نیست. با توجه به آیه قرآن در سوره ی لقمان، آیه ی ۲۷ خداوند می فرماید: اگر آنچه در زمین درخت هست، اینها تبدیل به قلم شوند و آب های دریا هم هفت برابر شوند به عنوان «مرکب» و همه آنها بخواهند کلمات الهی را بنویسند، این کلمات تمام نمی شود، به درستی که خدا با عزت و حکیم است»

«زیرا حضرت اباصالح (سلام الله) «ذخیره الله و مختار» و «سخنگوی پروردگار» و «واسطه سخنگوی حق است».

جایگاه حضرت مهدی (علیه السلام) در قرآن در سوره طارق اول سوره بنام «النجم الثاقب» لقب داده شده، بنابراین حضرت ولیعصر (علیه السلام) در گلستان هستی فقط یک گل است در آسمان وجود فقط یک ستاره است. «جایگاه حضرت (علیه السلام) خاتم الائمه است. خاتم الاوصیاء می باشد. که خداوند در شب معراج حضرت ختمی مرتبت (صلوات الله) را بشارت و نوید به «قائم آل محمد صلوات الله» می دهد.^۲

سفارش امام زمان (علیه السلام) به خواندن زیارت عاشورا و زیارت آل یاسین

«کسانی که در حج ملاقاتی با حضرت ولیعصر داشته اند، از جمله حاج سید احمد رشتی و... گفته اند، حضرت فرموده اند چرا زیارت عاشورا

۱- کافی ج ۱ ص ۱۹۸

۲- حدیث قبل از میلاد سید مجتبی بحرینی ص ۲۳-۲۴ / مکیال المکارم جلد ۱ ص ۲۸۷ / بحار الانوار ج ۵۲

نمی خوانید؟^۱

« تعدادی از علمای اسلامی و مراجع دینی ما که سعی و اهتمام در خواندن زیارت عاشورا را داشته‌اند و از فیض و برکت عاشورا بی بهره نبوده‌اند، و با خواندن زیارت بسیاری از مشکلات دنیوی و اخروی و رفع انواع بیماری انسان‌های مختلف گردیده از جمله سید حسین خوانساری که هرگز زیارت عاشورا و نماز شب را ترک نکرد.»

مرحوم آیت الله نجفی قوچانی عالم آگاه و متقی که از شاگردان میرزا آخوند خراسانی بود، ضمن خاطرات دوران طلبگی خود در اصفهان که چهار سال طول کشید (۱۳۱۴-۱۳۱۸) چنین می‌نویسد. «بعد از آمدن به شهر، شبی در خواب دیدم صورت مرگ را به شکل حیوانی، به بزرگی گوساله یکساله و سه چهار بیچه او نیز عقب او که در هوا سیر می‌کنند و از خودش کوچکتر بودند و در بین مسیرشان از روی منزل ما که در قوچان بود گذشتند. فقط یکی از بیچه‌های او روی دیوار منزل ما نشست. من به پدرم نوشتم که حال خود را برای من بنویسید که حواسم از طرف شما آسوده نیست. او در جواب نامه نوشته بود که قرض ۱۲ تومان که ده سال قبل از این جهت سفر عتبات قرض نموده بودم به واسطه نزول رسیده به هشتاد تومان و تمام دارایی پدرم هشتاد تومان نمی‌شد.

من بنا گذاشتم که چهل روز زیارت عاشورا بخوانم و سه حاجت در نظر داشتم. یکی قرض پدر ادا شود و یکی مغفرت و دیگری علمم زیاد و درجه اجتهاد. هنوز چهل روز نگذاشته بود از خواندن زیارت عاشورا که پدرم نوشت که قرض مرا موسی بن جعفر (علیه السلام) ادا کرده من به او نوشتم لطف سید الشهداء (علیه السلام) و حضرت ولیعصر (علیه السلام) بوده است.»^۲

و از کتاب فضائل امام حسین عباس نصرالله زاده زواری (صفحات ۱۰۵ و ۱۰۶):

برخیز که نور ازلی می‌آید بر عالم ایجاد ولی می‌آید
مجموعه حسین و عشق و ایثار و کرم یعنی که حسین بن علی می‌آید

۱- مفاتیح الجنان ص ۸۲۹ / داستان بعد از زیارت جامعه ص ۹۴۴ تا ۹۴۶

۲- احلی من العلل ص ۹۲۷ / سیمای فرزندگان ص ۱۸۸ و همان کتاب ج ۳ ص ۱۸۹

حدیث‌های قبل از میلاد و بعد از میلاد حضرت

طفل سه روزه با میهمان‌ها ساز سفر کرد در آسمان‌ها
«همانطور که حضرت اباعبدالله (علیه السلام) را در ماه شعبان که فرشته او بنام
«فطرس» که نگهبان گهواره حضرت بود. وقتی که حضرت زهرا (سلام الله) آمد
دید امام حسین (علیه السلام) نیست، فوراً با چشم گریان بسوی پدر بزرگوارش
حضرت رسول (صلی الله و آله) رفت و جریان را گفت. پیامبر گرامی فرمودند؛
فاطمه حسینم را به عرش برده‌اند، حضرت مهدی (علیه السلام) در روز سوم
تولدش در ماه شعبان که از حضرت العسکری (علیه السلام) روایت شده که
حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) به دنیا آمد. خدا عزوجل دو فرشته فرستاد،
که او را حمل نمودند و به سرادق عرش بردند تا در برابر حق تعالی قرار گرفت
خدایش به او فرمود: مَرَحَبًا بِكَ، در وسعت و آسایش باش، فقط به واسطه
تو عطا می‌کنم و می‌بخشم و فقط به وسیله تو عفو نموده و می‌گذرم و فقط به
جهت تو عذاب می‌نمایم»^۱

«حضرت عسگری فرشتگان در گاه مقرب را به صورت پرنده گان و یک پرنده
سبز دیدند که از آسمان فرود آمدند و خود را بر سر و صورت و پیکر نوزاد
حضرت قائم (علیه السلام) مالیدند و بدن شریفش را مسح نموده پرواز کرده
و به آسمان می‌رفتند. حضرت فرمود آن پرنده سبز کیست؟ فرمود جبرئیل آن
پرنده سفید فرشتگانی هستند که برای تبرک جویی از حضرت مهدی فرود
آمده و همینان انصار و یاران او در هنگام ظهور و زمان خروجش می‌باشند»^۲

هر آنچه می‌زنم از دفتر وجود ورق

نوشته است به خط جلی که جاء الحق

نخست جلوه خالق امام آخر خلق

یقین فراخته از غیب در عیان بیرق

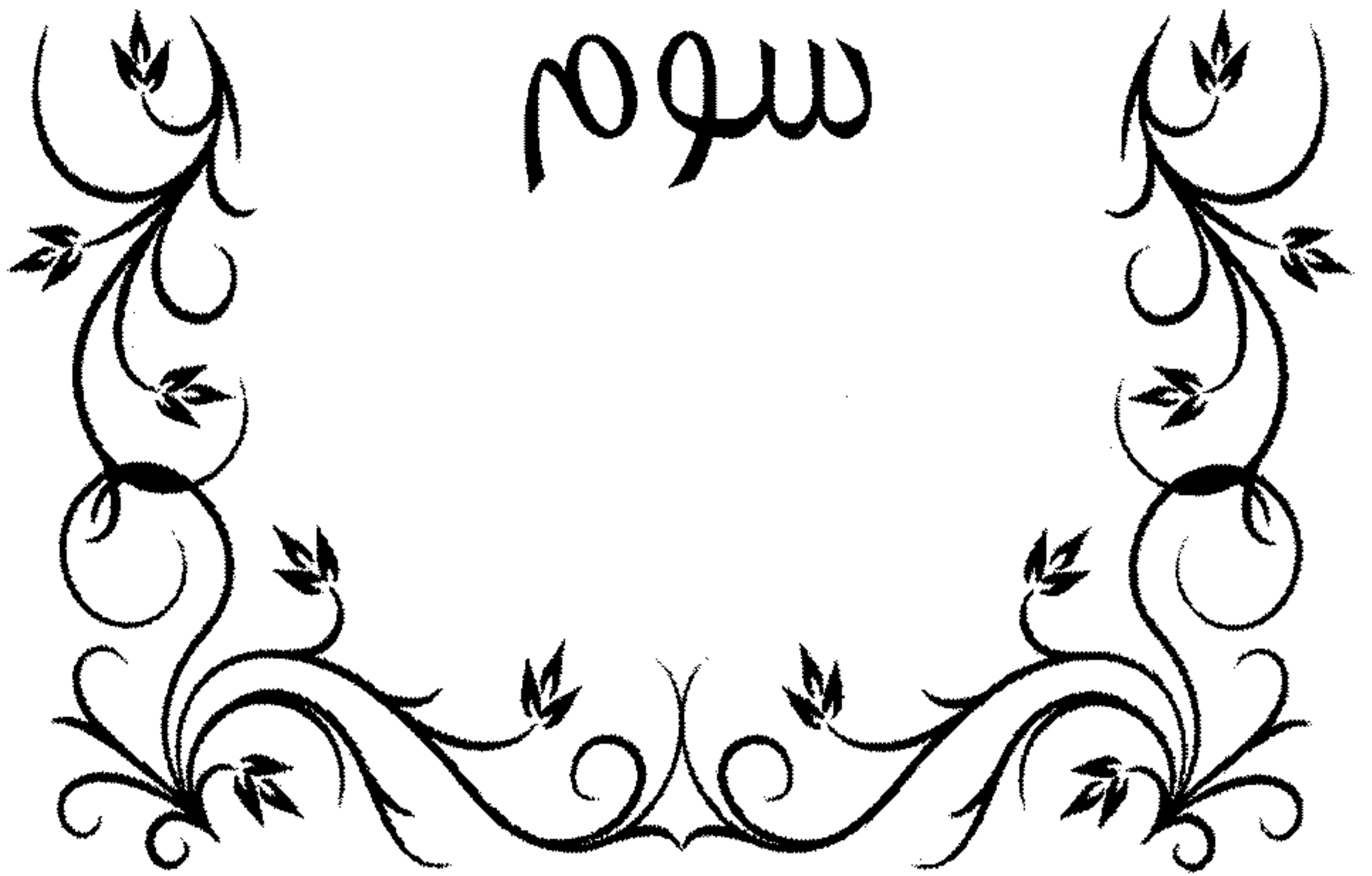
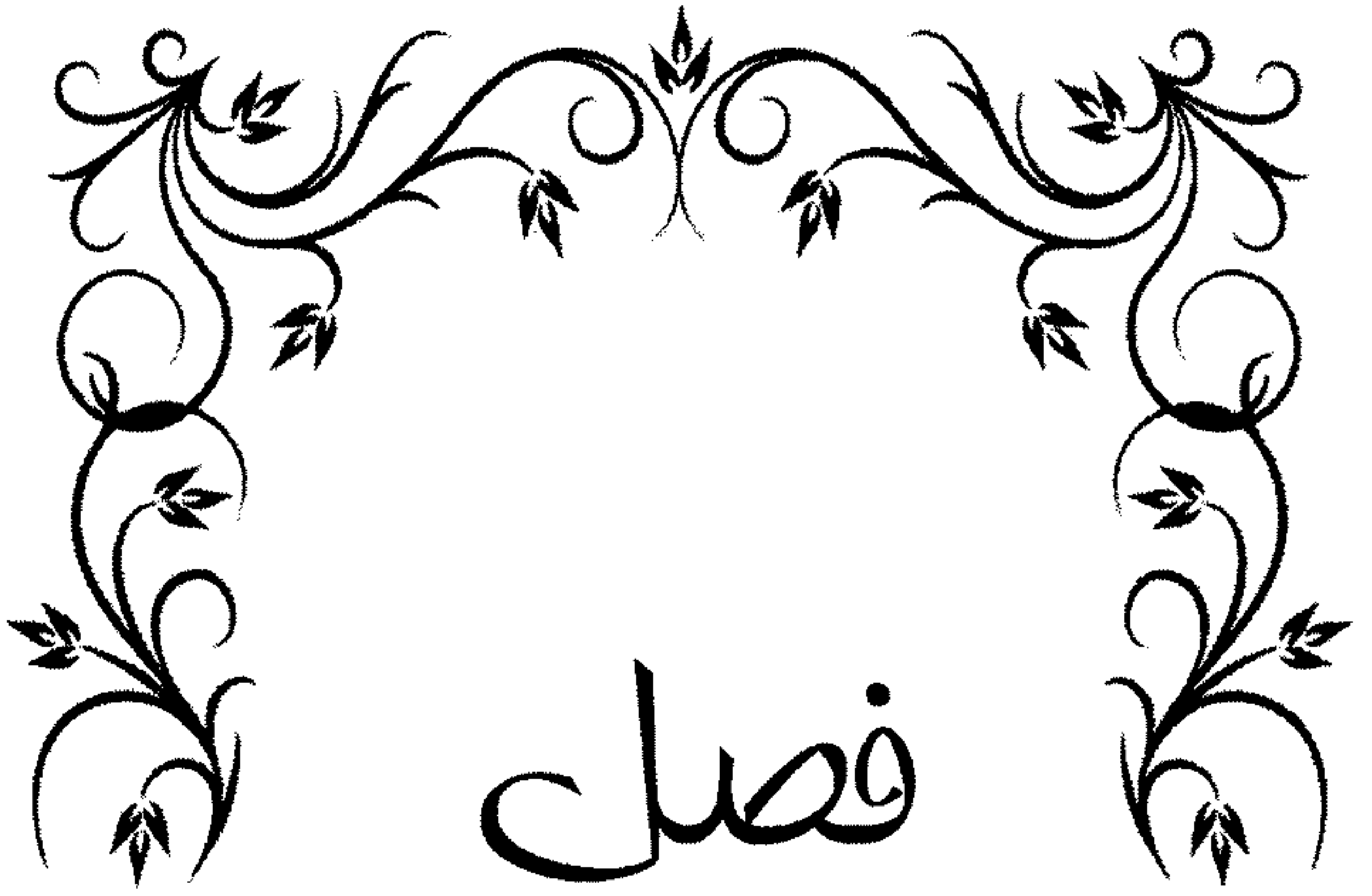
به یمن مولود مسعود مهدی موعود

زمین به عرش برین از شرق گرفته سبق^۳

۱- اثبات الوصیه ص ۲۵۱ / حدیث بعد از میلاد، سید مجتبی بحرینی ص ۵۴

۲- بحار الانوار ج ۵ ص ۵۱ / مدینه المعجز ص ۵۹۰

۳- آه عاشقان در انتظار موعود ص ۷۴ و ۷۵ / حدیث بعد از میلاد ص ۳۰



حضرت اباصالح أسوه عالی عبادت

«حضرت در سیطره عبودیت الهی همانند بقیه ائمه اطهار (علیه السلام) که جلوه‌های پرستش خالصانه و عاشقانه خدا، در آن موج می‌زند و از هر نمونه و نوع آن، بهترین و زیباترینش در عبادت و عبادتگاه از جمله هر سال بجا آوردن حج واجب و به قصد تقرب به پروردگار به نیت بندگی خداوند و نظاره بر اعمال بندگان خدا در موقع شهادت پدر به جا آوردن نماز رمز امامت را در آن موقع حساسی در برابر چشم دشمنان خود و تلاوت نمودن صوت قرآن با صدای دلنشین خود و دیگر «فطرت‌الله» بودن حضرت بقیه‌الله که برای مصیبت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) دلش سوخته و می‌سوزد، که سوخت دلش فطری می‌باشد و برای امام حسین عزاداری می‌نماید و در عزاداری‌ها شرکت می‌نمایند و همراه با دسته‌جات سینه‌زنی به عزاداری سرور شهیدان می‌نمایند که هر کس سعادت پیدا نمی‌کند چهره منورش را ببیند البته بعضی از علمای اسلامی از جمله آقای نجفی قوچانی (رحمه علیه) در یک زیارتی که مشرف شده بودند به کربلا و نجف در روز عاشورا حضرت بقیه‌الله را دیده بود، در میان دسته‌جات سینه‌زنی شال عزا به گردن انداخته و دارد سینه می‌زند، طوری دست‌های خودشان را در صف جلو دسته‌جات باز می‌کرد، که تا بحال کسی چنین سینه‌زنی نکرده بود.

و دیگر از اسوه عالی حضرت، ایشان دریای عمیق از عرفان و خداشناسی است و در عرضه اظهار ارادت و خلوص بی منتهایش به پیشگاه خدای متعال همیشه فریاد «یا ربّ یا ربّ» و «الله» وی به سوی آسمان بلند است و همیشه برای محبان و دوستان خدا دعا می‌کند. بنابراین این قله‌ی رفیع عرفان حضرت «بقیه‌الله» همانند ابا عبدالله (علیه السلام) عشق به حق تعالی است. عشقی که در بزم سلحشوران تاریخ از جمله آن بزرگوار سفره‌ای گسترده از نور پهن می‌کند که صورت دلدار، بی‌پرده در آن می‌درخشد. و در آن بزم عارفانه، صدا، سوز و

ساز و آهنگ فانی فی الله به گوش می‌رسد با تکبیر حضرت اباصالح (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با قیام عرشیان و قدسیان همراه می‌باشد و ساکنان عالم ملکوت، مفتول ذکر و مناجات ولی اعظم خدا می‌باشند.

آری به راستی حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اسوه عالی عبادت و بندگی است، به گفته کلمه (این عشق یعنی لا اله الا الله)^۱ به گفته مثنوی مولوی

ای عشق می‌کن حکم مرّ، ما را ز غیر خود بی‌ر

و همچنین خواندن دعای عرفه حضرت ولیعصر (علیه السلام) معرفت نفسی است که مقدم داشته تا به کلام وحی پاسخ مثبت داده باشد. به گفته قرآن در سوره‌ی اسراء آیه‌ی ۱۴ می‌فرماید:

«اقراء کتابک کفی بنفسک الیوم علیکی حسیا»

زیرا نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به مقامات معنوی، راه شناخت نفس است کسی که کتاب نفس خویش را ورق بزند و کلمات وجود خود را قرائت نماید به معرفت (رب) خواهد رسید. بر محبان و دوستاران حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد که اگر خدا را در تمام کارهای‌شان ناظر و حاضر بینند و عاشقان واقعی حضرت ولیعصر باشند و در امر به معروف و نهی از منکر تلاش و کوشا باشند و خدا نکرده قلب حضرت را به درد نیاورند و انجام کارهای نیک به فریاد انسان‌های مظلوم و بی‌پناه رسند، به معرفت شناخت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند رسید و خود حضرت در تمام مراحل زندگی به یاری‌شان می‌شتابد و از تمامی رنج انسان‌های ظالم و از خدا بی‌خبر محفوظ می‌دارد، و به او امید می‌دهد تا در زندگی همیشه با دشمنان خدا در ستیز باشد. زندگی یعنی مبارزه، مبارزه با تمامی جهل و نادانی‌ها، مبارزه با بی‌عدالتی‌ها، مبارزه با مستکبران و سلطه‌گران و آماده‌سازی برای جهانی پر عدالت، آماده‌سازی برای ظهور آقا.^۲

۱- دفتر پنجم، ابیات ۵۸۶ تا ۵۹۰

۲- ویژه نامه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مجله شماره ۱۲

امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) چشم خداست.

«حضرت ولیعصر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) کارهای تمام زندگی ما را می بیند، در هفته دوبار نامه اعمال ما خدمت ایشان عرضه می شود و عملکردهای ما را ملاحظه می فرمایند و بر اساس آنچه عمل کرده ایم، با ما رفتار می کنند. چرا باید اعمالی داشته باشیم که باعث رنجش امامان شود؟ چرا شادی خود را در ناراحتی امام زمان مان جستجو می کنیم. برای مثال در شرکت کردن در مجالس عروسی با لباس های آن چنانی و با آرایش های غیر منصفانه و با گوش دادن به موسیقی های انحرافی. چرا باید در موقع ناراحتی و مشکلات به یاد حضرت ولیعصر می افتادیم. آیا این توهین بزرگ به وجود ایشان نیست!»^۱

عقیقه شدن حضرت ولیعصر (علیه السلام) توسط جناب ابراهیم

بن ادریس

« در حدود ۲۷۵ هجری جناب ابراهیم بن ادریس قمی توفیق و سعادت پیدا کرد که توسط یک نامه و دو تا قوچ که امام یازدهم حضرت عسگری (علیه السلام) به ایشان داد تا حضرت ولیعصر را عقیقه کند و افتخار بوسه بر سر و دست پیدا کند و حضرت ولیعصر را بوسه باران نماید، خوشا به سعادت ایشان و ما آرزوی بوسه خاک مقدّسش را داریم و موفق نمی شویم: خدایا ما چقدر از حضرت دوریم ... دور و بر اثر این مأموریت جناب ابراهیم بن ادریس آنچه را که دیده و انجام داده بود برای دوستان باز گوید تا مشت دروغ زنان و منکران و مدعیان کاذب باز گردد.»^۲

این چه شور است که در دور قمر می بینم؟
همه آفاق پر از فتنه و شر می بینم
هر کس روز بهی می طلبد از ایام
علت آن است که هر روز بتر می بینم
ابلهان را هم شربت ز گلاب و قند است
قوت دانا همه از خون جر می بینم

۱- امام زمان وسید طاوس، ص: ۱۷۸ نوشته حجت الاسلام سید جعفر رفیعی
۲- اصول کافی ج ۱ ص ۳۳۱ / کتاب الحجّه باب ۷۷ (فی بسمیه من راه) ج ۸

دختران را همه جنگ است و جدال با مادر
پسران را همه بد خواه پدر می بینم
هیچ رحمی نه برادر به برادر دارد
هیچ شفقت نه پدر به پسر می بینم^۱

کربلا در نیمه شعبان پدرک و لا یوصف است

اگر کسی چشم ملکوتی اش باز باشد و بویی از زائران ملکوتی کربلا در این شب
به مشام جانش برسد که حساب دیگری دارد وضعی دگر و اگر چونان من و امثال
من، فقط دیده ملکی دارد، باز نمی تواند همه آن چه هست ببیند و همه آن چه را که
می بیند باز گو نماید^۲

با صد امید به کوی تو پرواز می کنم آن کام نیم نهفته زدل باز می کنم
چون بام تو مرکز آب است و دانه چشم به دانه نیست تو را ناز می کنم
این هم خیال دبشب دل بود برای دل

هر چند از طرفی دوست داشتم در حائر حسینی در غروب و مغرب شب جمعه ای
دفتر اندیشه ام را باز نمایم و با نگاهی به بین الحرمین قمر منیر امامت و رسالت تابان
در هر حال با این حال و هوا به صحن و سرای امام حسین (علیه السلام) قدم می نهادم
به یاد آخرین وداع (ابا عبدالله) می افتادم و با شنیدن السلام علیک یا ابا عبدالله را با
صدای بلند و دلنشین می شنیدم و دعای فرج را با چشمانی پر از اشک و سوز زمزمه
می کردم و آن قره العین ارباب کمال را در این غزه ماه به خود گرفته زیرا حرم سید
الشهداء منشاء خیر و برکتی است و برای شیعیان تا زمان ظهور قائم (علیه السلام)
حیات است. لذا در زمان عصر غیبت و قرب زمان ظهور و روزگار ظهور این مکان
مقدس و زمین معرّز ارتباطی تنگاتنگ با آن امام منصور و منتقم دم و صاحب خون
دارد.^۳

« آری دل های دانشمندان ظرف سخنان نورانی الهی است و دل هایی که در
حجاب گناه و عصیان قرار گرفته و آلوده به غیر خدا شدند، لیاقت جایگاه وحی

۱- سفینه حافظ غزل ۵۱۰ ۲- مصباح الزائر ص ۱۳۰

۳- بصائر الدرجات ص ۱۸۶ / بحار الانوار ۵۳ و ۹۲ مختصر / حدیث دیدارها، مجتبی بحرینی ص ۳۸

۴- سوره حجرات آیه ۴۰ / سوره عنکبوت آیه ۶۳ / معجزات جاوید اسلام، احسان زاهدی ص ۸۳

عصر ظهور

الهی را ندارند و خداوند بر دل‌های آنها قفل و گوش‌های آنان را کر نموده تا حقایق را درک نکنند.»^۴

«و اسیر و تسلیم دشمن درونی و بیرونی شده و اسیر جلوه‌های دنیا، مدرک، پول، ریاست، زیبایی، خواسته‌های نفسانی و شیطانی گردیده و از فطرت و آفرینش خود که آزادی و استقلال است ساقط شده در دام غیر خدا و شیاطین جنی و انسی سقوط نموده است.»^۱

غمگین بودن حضرت ولیعصر در اعیاد

«حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: هیچ روز عیدی برای مسلمانان فرامی‌رسد، نه عید اضحی و عید قربان و نه عید فطر، جز این که در آن روز حزن آل محمد (علیهم السلام) تازه می‌گردد، عرض کردند: چرا روز عید و سرور و تجدید حزن و اندوه؟ فرمود از این جهت که آنان حق‌شان را در دست غیر خودشان مشاهده می‌کنند. غاصبین و ظالمین و مستکبران، در مقام اقامه مراسم عید که حق مسلم این خاندان است، برآمده اند.»^۲

«مرحوم علامه مجلسی می‌فرمایند: حزن و اندوه حضرات معصومین (علیه السلام) به خاطر حب جاه و علاقه به مقام و ریاست نیست، بلکه به جهت شفقت و محبت و لطف و دلسوزی بر امت است که مردم را، در سایه حکومت ظالمان و غاصبان، در حیرت و گمراهی می‌بینند و ارشاد و هدایت آنان برایشان ممکن نیست.»^۳

غروب غمبار جمعه‌ها

«در این دفتر هرچند سخت است و دشوار، ولی چه می‌شود کرد. باید با همه سختی و دشواری از آن گذشت تا به عصر ظهور رسید. آن سال که باید از برزخ و قیامت عبور کرد تا به جنت خلد نایل آمد.»

امید است حق تعالی از آمد غیبت کبرایش بکاهد و به روزگار عزلت و استتارش خاتمه بخشند. و هر چه زودتر امر فرجش را با عافیت اصلاح فرماید و به همه ما توفیق انجام همه وظایف عصر غیبت کبرایش را با همه مشکلاتی که دارد، ارزانی

۱- قرآن معجزه جاوید، احسان زاهدی ص ۸۴

۲- علل الشرایع باب ۱۳۶ ص ۲۸۹ / بحار الانوار ۹۱ و ۱۳۱

۳- بحار الانوار ۹۱ و ۱۳۵

دارد و همه ما را به افتخار در ک دولت حقّی الهیهی او با عافیت مفتخر دارد. « آمین
یا رب العالمین»

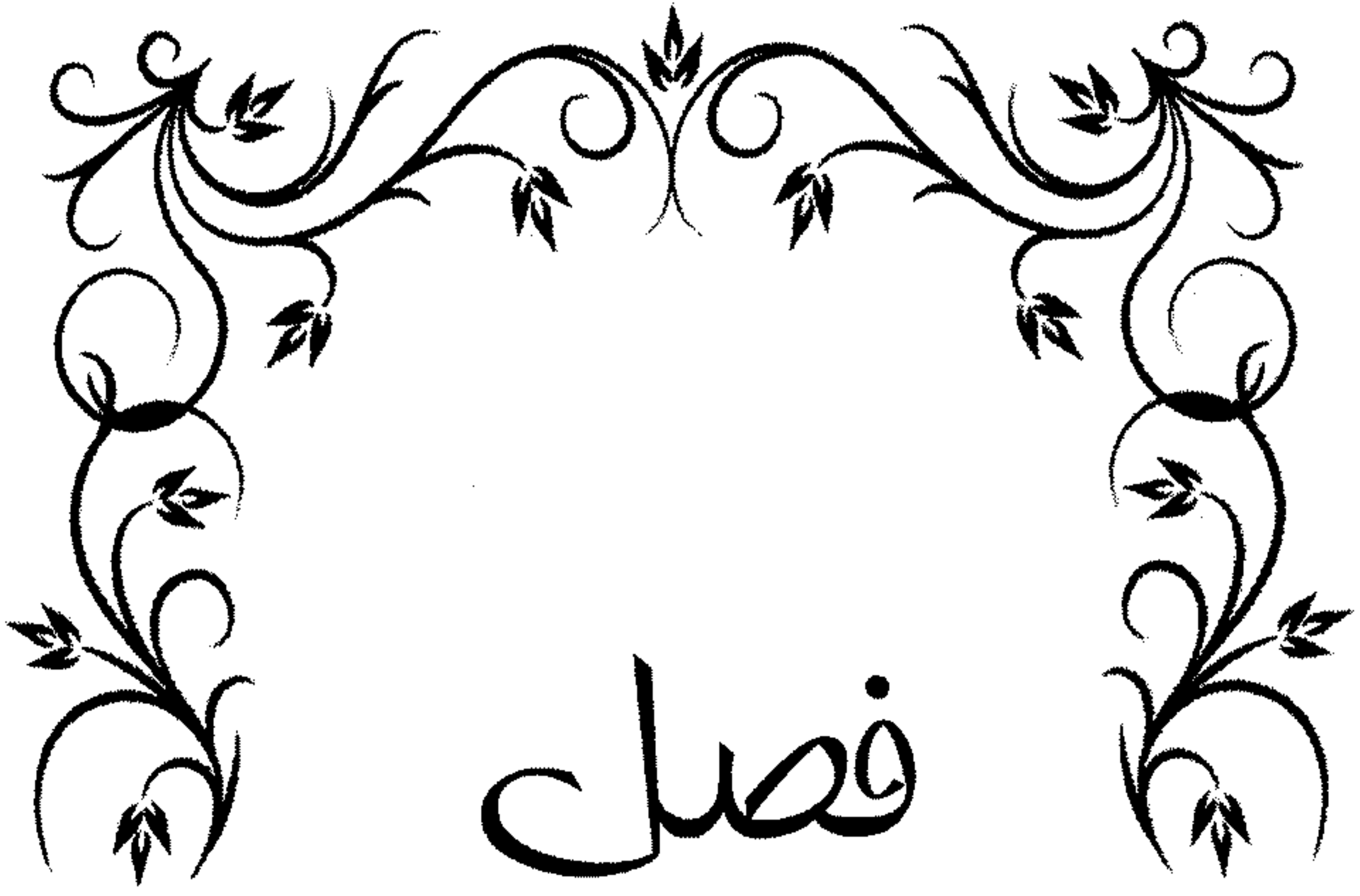
از طرفی دیگر می اندیشم جمعه ها سپری می شود. و عاشورا می گذرد، و با سپری
شدن روزها و ماهها و سالها از عمرمان کاسته می شود. اما به جز افسوس و چاره ای
جز اشک نیست، امیدی جز به تیر دعانیت؛ گویا باید سوخت و ساخت و بر آتش
دل اشک غم ریخت و آب حسرت بارید.

«آن قدر با آتش دل ساختم تا سوختم
بی تو ای آرام جان، یا ساختم یا سوختم
سوختم امانه چون شمع طرب در بین جمع
لاله ام کز داغ تنهایی به صحرا سوختم
سوختم از آتش دل در میان موج اشک
شور بختی بین که در آغوش دریا سوختم.»^۱

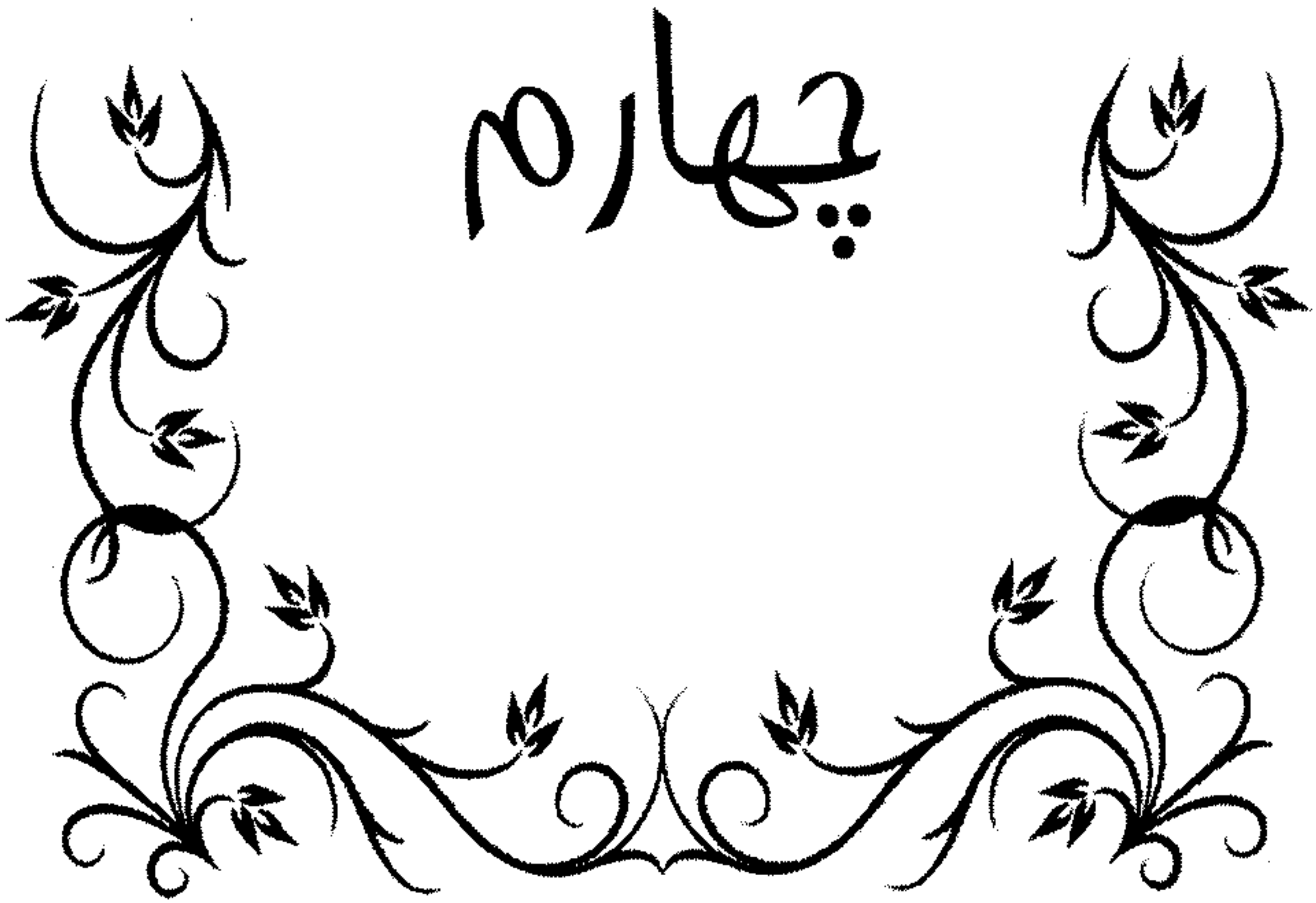
آری باید سوخت و با سوز و دل دعا کرد و در عصر جمعه در حال سجده با عجز
و آه و ناله عرض نمود. **بُسُلْطَانَهُ كَلِّ سُلْطَان**
معبودا، آن چه از دینت محو شده به وسیله آن وجود مقدّس تجدید نما و آن چه
از کتابت تبدیل شده زنده گردان، و آن چه از حکمت تغییر یافته ظاهر نما و...
بارالها، هر ظلمتی را به نور او روشنی بخش، و هر بدبختی را به رکن محکم و
پایه متین او به لرزه در آور و هر ضلالتی را به عزّتش ویران ساز، و همه جباران را به
وسیله او شکست ده، به شمشیرش هر آتشی را خاموش کن، و به عدلش هر جوری
را نابود و حکمش را بر هر حکمی غلبه بخش و با سلطنت و قدرت او همه ارباب
سلطنت و قدرت را ذلیل گردان. آمین.

غروب جمعه ۲۸

قوچان - ثریا نقرات ۱۳۸۷



فصل



چهارم

علت گندم گونی چهره حضرت ولیعصر (علیه السلام)

« حضرت ولیعصر (علیه السلام) به خاطر سجده‌های طولانی و اشک‌های جاری و مناجات‌های بسیار و شب زنده‌داری چهره‌اش را با زردی آمیخته است.

حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود:

«بَابِي مَنْ لَيْلُهُ يَرَى النُّجُومَ سَاجِدًا وَقَائِمًا»

پدرم فدای آن آقای باد که شب را به مراقبت ستاره بیدار است و پیوسته سجده و رکوع می‌آورد و چهره گندم گونی او نشانه شب زنده‌داری اوست.^۱

« آری، اگر او آقا و مقتدای ماست. امام و سید ماست و ما عبد و برده و رعیت و مأموم او هستیم باید به او اقتدا کنیم.

بیشتر با ادعیه رسیده مأنوس باشیم. برای انس با خدا و مناجات با حق متعال در زندگی مان جایی باز کنیم و سهمی بداریم، که اگر مزه این حقیقت را چشیدیم و ذائقه دل‌مان با حلاوت نجوی و شیرینی گفتگوی با آن ربّ و دود آشنا شد، دیگر حاضر نیستیم آن لذت را با هیچ لذتی معاوضه نماییم.

سرّ این که من و امثال من برای لذایذ مادی و شیرینی‌های ظاهری قدر و قیمتی قائل هستیم و برای رسیدن به آن‌ها سر و دست می‌شکنیم. این است که حلاوت انس با خدا را نچشیده‌ایم و خبر از آن عالم نداریم، چونان جاهل گرسنه‌ای که سرگرم خوراکی‌های بی مزه و بی‌رنگ و پوست و آنها را با به به و چه چه می‌خورد و فکر می‌کند. خوراک خوب همین است. ولی اگر لقمه‌ای از غذای چرب و شیرین و خوش مزه‌ای به دهانش رسید و دیگر اعتنایی به آن چه سرگرم بود نمی‌کند، و چه بسا در مقام سرزنش و توبیخ خود بر می‌آید: این‌ها چه بود که من می‌خورم؟!!

هر چند همه شب‌ها و روزها، همه دقایق و ساعات، همه اوقات و لحظات برای خواندن دعا و انس با خدا است و از تمام لحظات می‌توان استفاده کرد.

آری کسانی که به جنبه معنوی بیشتر توجه دارند و غذای روح آدمی عبادت می‌باشد که انسان‌ها را به اوج معنویات می‌رساند و انسان‌های پاکی همچون پسر مهزیار و مرحوم علامه طباطبائی و علامه مجلسی و... که با دیدن رویای صادقانه پسر مهزیار خداوند وعده دیدار می‌دهد که به وصل خود رسد و حضرت بقیه‌الله را ملاقات نماید و سه روز مهمان آقا باشند.

خوش به حال ایشان

بنابراین چقدر خوب است که در زندگی مان به یاد آن وجود مقدس باشیم و موجبات رضایت و خشنودی او را فراهم آوریم؟
راستی آن قدر که به یاد امور عادی زندگی مان هستیم، به یاد یوسف گم‌گشته مان می‌باشیم.»^۱

نمونه ای از کرامات حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

«در زمان غیبت صغری حضرت پیرمرد همدانی که دیدار حضرت ولیعصر شده بود از من خواست که به خط خودم آن را بنویسم. ایشان فرمودند مشرف به حج شدم، در مراجعت از سفر حج، منازلی را در بادیه پیمودم. نشاط پیاده روی در خود دیدم لذا پیاده شدم و مقدار زیادی در بیابان راه رفتم تا خسته شدم و چرتم گرفت با خود گفتم: مقداری می‌خوابم تا استراحتی کرده باشم، و چون اواخر قافله رسید بیدار می‌شوم و با آن‌ها می‌روم. بیدار نشدم مگر بر اثر حرارت خورشید، زمانی که قافله رفته بود و هیچ کسی به جا نمانده بود. وحشت مرا گرفت، و نه راه به جایی می‌جویم و نه طرق اثری می‌یابم. توکل بر خدای عزّ و جلّ نمودم و با خود گفتم! می‌روم تا بینم به کجا می‌رسم. مقدار کمی که راه رفتم به زمین سرسبز و خرّمی رسیدم که گویا تازه باران بر آن باریده بود و خاک و تریشش بس معطر و خوش بو می‌نمود. چشم در میان آن سرزمین به قصری افتاد، آن چنان می‌درخشید که گویا برق شمشیری است. با خود گفتم این قصر چیست و از آن کیست که تا به حال آن را ندیده بودم و از کسی هم نام و نشانش را نشنیده بودم به طرف آن قصر رفتم. وقتی

۱- فلاح السائل ص ۲۰۰ / بحار الانوار نور البیّه ص ۱۰۱

دم در رسیدم با دو خادم سفید رو روبه رو شدم. به آنان سلام کردم. سلامم را به خوبی و زیبایی پاسخ دادند. سپس گفتند: بنشین که همانا خداوند برای تو خیری تقدیر نموده است. یکی از آن دو خادم برخاست و داخل قصر شد. دیری نپایید که بیرون آمد و به من گفت: برخیز داخل شو، برخاستم و به درون (چادر) رفتم. قصری زیباتر و روشن تر از آن ندیده بودم. خادم پیش رفت و پرده آویخته بر اتاقی را بالا زد. سپس به من گفت: داخل شو، داخل آن حجره شدم، چه دیدم، ناگهان چشمم به جوانی افتاد که در وسط آن اتاق نشسته بود و از سقف بالای سرش شمشیری پس بلند آویخته بود که نزدیک بود لبه آن شمشیر با سر او تماس پیدا کند و آن جوان گویا ماه شب چهاردهم بود که در تاریکی می درخشید بلافاصله به او سلام کردم. او هم جوابی بس لطیف به من داد. سپس فرمود: اَتَدْرِي مَنْ اَنَا. آیا می دانی من که هستم؟ گفتم: نه بخدا قسم، فرمود: اَنَا قَائِمٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اَنَا الَّذِي أُخْرِجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ بِهَذَا السَّيْفِ،.... جورا و ظلما.

من قائم آل محمد هستم، من همانم که با این شمشیر در آخر الزمان خروج می کنم و می آیم، و اشاره به شمشیر نمود، آری می آیم و زمین را از عدل و داد پر می کنم آن سان که از ظلم و جور مملو گردیده است.

من که چنین دیدم و شنیدم به رو خاک افتادم و خود را در خاک (خوش بوتر از مشک) غوطه می دادم. فرمود: چنین مکن، سربدار. تو فلانی هستی و از شهری کوهستانی که به آن همدان می گویند. گفتم: صحیح فرمودید. ای سید و مولای من. فرمود: آیا دوست داری که به اهل و خانهات برگردی؟ گفتم آری، ای آقای من. دوست دارم برگردم و به آنان نوید و بشارت دهم که خداوند عزوجل چه نعمتی به من ارزانی داشته و چه موهبتی به من فرموده است.

پس از این سخن من، آن حضرت به همان خادم اشاره نموده او هم دست مرا گرفت و صره و کیسه‌ی پولی به من داد و با من بیرون آمد چند گامی بیشتر راه نپیمودم که چشمم به آثار و استجار و مناره مسجد افتاد گفت: این شهر را

عصر ظهور

می‌شناسی؟ گفتم: نزدیک شهر ما شهری است که آن را اسد بار می‌گویند. اینجا شبیه آن جاست. گفت آری. برو در حالی که رشد و صلاح و خیر و سعادت همراه تو باشد. برگشتم نگاه کردم کسی را ندیدم.^۱

« اما خصوصیات شرف یابی این پیرمرد (همدانی) چندین خصوصیت دارد یکی اینکه این همای رحمت و عزت بر تارک حضرت ولیعصر نشسته و توفیق شرف یابی به دربار همایونی آن همایون همای پرده نشین را یافته و به افتخار عرض سلام و گرفتن جواب و گفت و شنود با آن جان جانان نایل آمده و بوسیله خادم خاص و قراول و چاکر مخصوص به او « صرّه کیسه » عنایت شده تا روزی و برکت به همراه داشته، و آن غلام را همراهی نموده تا به مقصد رسیده است.

آری با این کرامت متوجه می‌شویم حضرت به محبان و مریدان خود عنایت دارند و همیشه به یاد و ذکر آنان می‌باشد و در سختی شرایط و دشواری به یاریشان می‌شتابند و ولایت مدارشان صاحب کمال طی الارض و زمین نوردی هستند آن هم با توان دیگر بری، تا چه رسد به خودشان و دیگر از خصوصیات این کرامت آویخته بودن شمشیری از سقف حُجره بر بالای سر آن وجود مقدس است که می‌تواند بیان گر آمادگی تامّ برای قیام و انتقام باشد که هر لحظه نیام شمشیر به حرف زدن آمد حضرت حاضر باشد که در این دفتر درباره شمشیر توضیح خواهم داد با توجه به روایات.^۲

« اما خدای رحمت کند بزرگ مردی را که معرفتی داشت، می‌گفت: شبی در عالم رویا شمشیر آن صاحب الصمصام را دیدم که طول و عرض و لمعان و درخشش و زیبایی آن را نمی‌توانم توصیف نمایم. آن شمشیر روی چوبه‌ای قرار داشت، قبضه روی چوبه و نوک آن روی چوبه‌ای دیگر. در این میان که مات و مبهوت بودم و به آن شمشیر نگاه می‌کردم، ناگهان دستی آمد و قبضه آن شمشیر را گرفت که دلم را ربود. قدرت و توان آن ید (دست) پر هیبت و صلابت آن چنان مرا از خود بی‌خود کرد که توان اظهارش را ندارم. گویا آن دست برای آن قبضه‌ی شمشیر خلق شده بود و آن قبضه برای آن کف یا

۱- قبال الاعمال ج ۱ ص ۶۹ / حدیث شمس دیدار، مجتبی بحرینی ص ۲۷

۲- حدیث شمس دیدار، مجتبی بحرینی ص ۳۲ تا ۳۴

کفایت پدید آمده بود. همین که آن قبضه دست آن قبشه شمشیر را گرفت، دلم از جا کنده شد. و با اشک چشم و آه و افسوس و حسرت بر عمر سپری شده‌ام، غوطه خوردم چرا آنقدر بی لیاقت، گناهکار باشم، که سعادت توفیق زیارت آن حضرت را در عالم رؤیا هم نداشته باشم؟! چه قدر محروم؟! ولی با همه این محرومیت‌ها و عدم قابلیت و نداشتن لیاقت‌ها باز هم امیدواریم؛ امیدوار که هر چه که ما هستیم، او خوب است و خوب، و هر چه ما نالایق و ناقابلیم، او لایق و قابل بگذریم.

آن شمشیر، شمشیری است که دل‌های ارباب معرفت را ربوده است، و آن سیف، سیفی است که دیده صاحبان سیوف را به تعجب واداشته است و آن انحناء و خمیدگی که بر آن تیغ است.

گژی‌ها را به راستی و اعوجاج‌ها را به درستی بر می‌گرداند.^۱

«همانطور که در دعای ندبه می‌خوانیم. این منتظر لاقامه الامت و العوج»^۲

«شمشیر کج است راست کند قامت دین را

هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم»^۳

«افسوس که عمری پی اغیار دویدیم
از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم
سرمایه ز کف رفت و تجارت ننمودیم
جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم
بس سعی نمودیم بینیم رخ دوست
جان‌ها به لب آمد زخ دل را ندیدیم
ما تشنه لب اندر دریا متحیر
آبی به جز از خون دل خود نچشیدیم
ای بسته به زنجیر تو دل‌های محبان
رحمی که در این بادیه بس رنج کشیدیم
رخسار تو در پرده نهان است و عیان است
بر هر چه نظر کردیم رخسار تو دیدیم

۱- حدیث شمس دیدار، مجتبی بحرینی ص ۳۶ و ۳۷

۲- مفاتیح الجنان، دعای ندبه ص ۵۳۵

۳- از مرحوم اکبر نوقانی

عصر ظهور

شاهها به تولای تو در مهد غنودیم
بر یاد لب لعل تو ما شیر مکیدیم
ای حجت حق پرده ز رخسار بر افکن
کز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم
ای دست خدا دست برآور کز دشمن
بس ظلم بدیدیم و بسی طعنه شنیدیم
شمشیر کجت راست کند قامت دین را
هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم^۱

حال و گذشته و آینده آن شمشیر (آسمانی) ذوالفقار

«باری این شمشیر خاص است و سیف مخصوص، که گذشته ای داشته و حالی دارد و آینده ای.»

حال شمشیر برای قیام و انتقام می باشد و اما گذشته اش. شمشیری بود متعلق به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که در جنگ احد در اختیار امیر المؤمنین (علیه السلام) قرار گرفت و گویا جبرئیل آن را از آسمان فرود آورده، و در حق آن «لا سِيفَ الا ذوالفقار و لا فتی الا علی» گفتند. و به این نام نامیده شده چون به هیچ کس اصابت نکرده جز این که او را در دنیا از حیات و زندگی، و در آخرت از جنت و بهشت محروم و فقیر داشته است.^۲

«اما آینده این شمشیر را پیامبر اکرم (صلوات الله) چنین بیان فرموده اند: آن گاه که زمان ظهورش فرا رسد، شمشیری در نیام دارد که او ندا دهد: ای ولی خدا، به پا خیزد و دشمنان خدا را بکش»^۳

«و در مورد همین شمشیر در زمان ظهور حضرت عبقری الحسان چنین فرموده. چون زمان خروجش نزدیک شود آن شمشیر از غلاف بیرون می آید و خداوند آن را به سخن در می آورد و ندا می کند: یا ولی الله، خروج کن که دیگر جایز نیست برای تو تقاعد از کشتن دشمنان خدا»^۴

بطور کلی در مجموع روایات متوجه می شویم که جزء مواریث خاندان

۲- اقتباس از سفینه البحار: فقر

۴- البعقری الحسان ج ۲ ص ۵۲

۱- اشعار مرحوم اکبر نوقانی ص ۲۹

۳- کفایه الاثر ص ۲۶۳

عصر ظهور

رسالت (صلی الله علیه و آله) شمشیر خاص و سیف مخصوصی بوده که جدّاً مجدّشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به آنان رسیده و آن شمشیر چونان سایر موارد و آثار، نشانه امامت و وصایت صاحب آن است، و آن شمشیر همانند دیگر موارد خاص، نزد کسی باشد معلوم می شود اما بر حق حجّت حق اوست.

آن شمشیر خاص که نشانه امامت و حجیت است، سرانجام در اختیار آخرین آنان حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشرف) قرار می گیرد که با آن قیام می نماید و در مقام انتقام بر می آید و چه بسا شمشیری که پیرمرد همدانی دیده بود، آن شمشیر باشد.

« حضرت صادق (علیه السلام) در این مورد می گوید:

(همانا او وجود مقدّس امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشرف) غضبناک و اسفناک برای خون خواهی خروج می کند. پیراهن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را که در جنگ احد پوشیده بود، به تن دارد و عمامه سحاب او بر سر، و زره سابه آن حضرت را بر پیکر، و شمشیر ذوالفقار حضرتش را در دست، هشت ماه آن شمشیر را برهنه بر دوش می گذارد. «بخاطر جمع آوری اصحاب خود از تمامی نقاط جهان که در این هشت ماه انقلاب تدریجی حضرت می باشد که در جلد اول گفته شد» (می جنگد)^۱

« امید است هر چه زودتر آن گونه که جدّش رسول خدا می فرمودند، آن شمشیر از نیام در آید و حق تعالی آن را به گویش در آورد و آن سیف به نطق آید و ندا در دهد.

(أَخْرَجَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَلَا يَحُلُّ إِنَّ تَفْعُدَ عَنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ)

ای ولیّ خدا، بیرون آی که دیگر نشستن برای شما روا نیست. با ندای شمشیر خروج کند و دشمنان خدا هر جا بیابد بکشد و خدا را اقامه نماید و به حکم خدا حکم کند. خروج کند. در حالی که جبرئیل طرف راست او و میکائیل طرف چپ او...»^۲

« حضرت ولیعصر أعطاهُ مَعْرِفَتَهُ كُلَّ شَيْءٍ. می باشد خداوند به امام ولیعصر

۱- الفیه نعمانیص ۳۰۸ باب ۱۹ حدیث ۲ / بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۱

۲- عیون الاخبار الرضا (ع) ج ۱ ص ۶۳

عصر ظهور

(علیه السلام) معرفت و شناخت و آشنایی هر چیزی را داده است^۱
عرف و امید است حق تعالی از آمد غیبت کبرایش بکاهد و به روزگار عزلت
و استتارش خاتمه بخشد و هرچه زودتر امر فرجش را با عافیت اصلاح فرماید
و به همه توفیق انجام همه وظایف عصر غیبت کبرایش را همه مشکلاتی که
دارد، ارزانی دارد و همه ما را به افتخار درک دولت حقه الهیه او با عافیت
مفتخر دارد. آمین یا رب العالمین

حضرت ولیعصر مانند جدش التقیه می باشد

« در باب وجوب التقیه مع الخوف الی خروج صاحب الزمان (عجل الله تعالی
فرجه الشرف) که ۳۵ روایت آمده است که حضرت باقر (علیه السلام) فرموده
(التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِي وَ دِينَ آيَاتِي وَ الْإِيْمَانُ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ)

تقیه از دین من و دین پدران من است و آن تقیه ندارد ایمان ندارد^۲
« حضرت صادق (علیه السلام) می فرمایند:

كَلَّمَا تَكَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ وَ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ

هرچه این امر ظهور موفور السرور (امام عصر (علیه السلام)) نزدیک تر شود
تقیه شدیدتر و سخت تر می گردد^۳»

« حضرت هادی (علیه السلام) به داوود صر می فرمود:

داوود، اگر بگویم تارک تقیه همانند تارک نماز است، راست گفته ام^۴
« امام چهارم (علیه السلام) در این زمینه می فرمایند. خداوند همه گناهان
مؤمن را می بخشاید و در دنیا و آخرت او را از آن پاک می سازد، به جزء دو
گناه: و نهادن تقیه و تباه کردن حقوق برادران ایمانی^۵»

حضرت مهدی (علیه السلام) شهسوار شیرین کار (حماسه سرا) می باشد.

به سوی خاندانم پر بگریید

« الا ای تیرها! از سر بگریید

مرا شمشیرها! در بر بگریید

اگر با کشتن من عشق بر پاست

۱- المنجد

۲- همان، حدیث ۱۲۰

۳- المحاسن ص ۲۸۹

۴- وسائل الشیعه ۱۱ و ۴۶۶

۵- تفسیر امام عسکری (ع) ص ۳۲۱

عصر ظهور

« حضرت مهدی (علیه السلام) همانند عمویش حضرت سیدالشهداء حماسه ساز است او وارث آن عارف حماسه ساز است. وجود مقدّس حضرت ولیعصر (علیه السلام) ذخیره عالم آفرینش و عصاره خلقت است. هر آنچه که انبیای بزرگ الهی در دل داشتند و هر آنچه اولیای خداوند در سر می پروراندند، وجود مبارک امام عصر (علیه السلام) همه آن اهداف (آمال) مقدّس، مبارک الهی را محقق خواهد ساخت. زیرا تمامی انبیا و اولیای الهی که برای گستراندن عدالت، محبت و معرفت در گسترده گیتی مجاهدت کردند و در این راه مقدّس به فرمان حضرت حق تعالی، عدالت، محبت و کرامت را در گسترده هستی بگسترانند؛ آنهم با یک تیغ دردست و دعوت نامه ای که از سوی خداوند در دست دیگر»^۱

به قول حکیم گنجوی:

به گوهر جهان را بیاراسته
به تیغ از جهان داد دین خواسته
به طور یقین حضرت ولیعصر (علیه السلام) برای ایجاد و عدالت در جهان و نابودی تمامی حکومت‌های طاغوتی، جنگ‌هایی که پایان آن احیای جامعه بشری و اعتلای کلمه الله و طرد هر گونه شرک و کفر خواهد بود.
جناب حافظ، لقب «شهبوار شیرین کار» به حضرت مهدی (علیه السلام) داده است. «شهبوار شیرین کار» یعنی حماسه‌سازی که با محبت قلب دشمنانش را فتح می‌کند. نه با شمشیر»^۲

برخی از خصوصیات و مزایای حضرت ولیعصر (علیه السلام)

- اقتدا حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) به حضرت مهدی (علیه السلام) هنگام ظهور و قیام حکومت حضرت اباصالح (علیه السلام)
- فرود آمدن عیسی بن مریم از آسمان به زمین (دلیل فضیلت ایشان)
- حضرت مهدی (علیه السلام) کلمه الله و روح الله و محیی موتی (زنده شدن مردگان) و رسول صاحب عزم خدا،

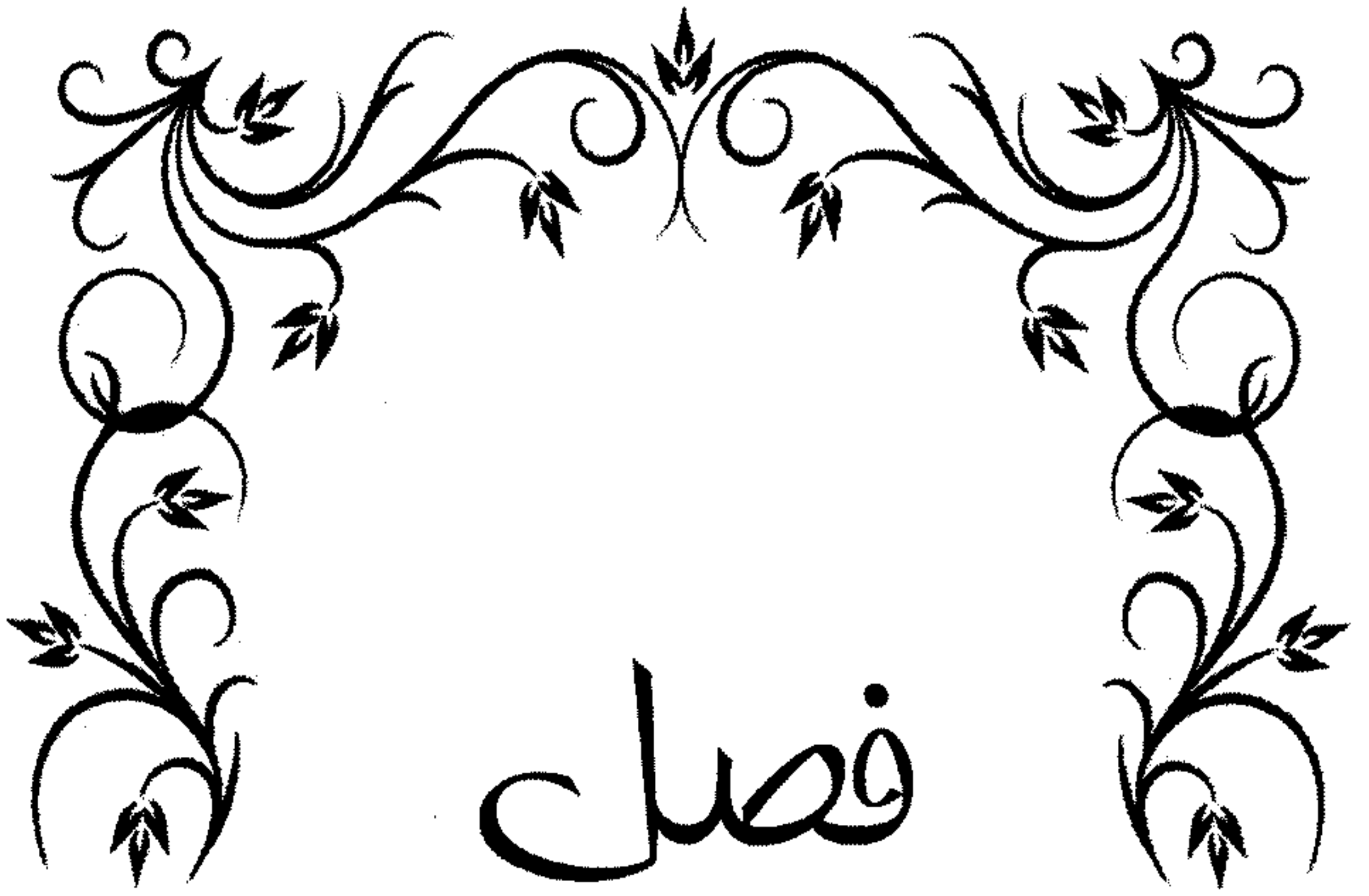
۱- مجله امان ویژه‌ی امام زمان (ع) ص ۶

۲- همان

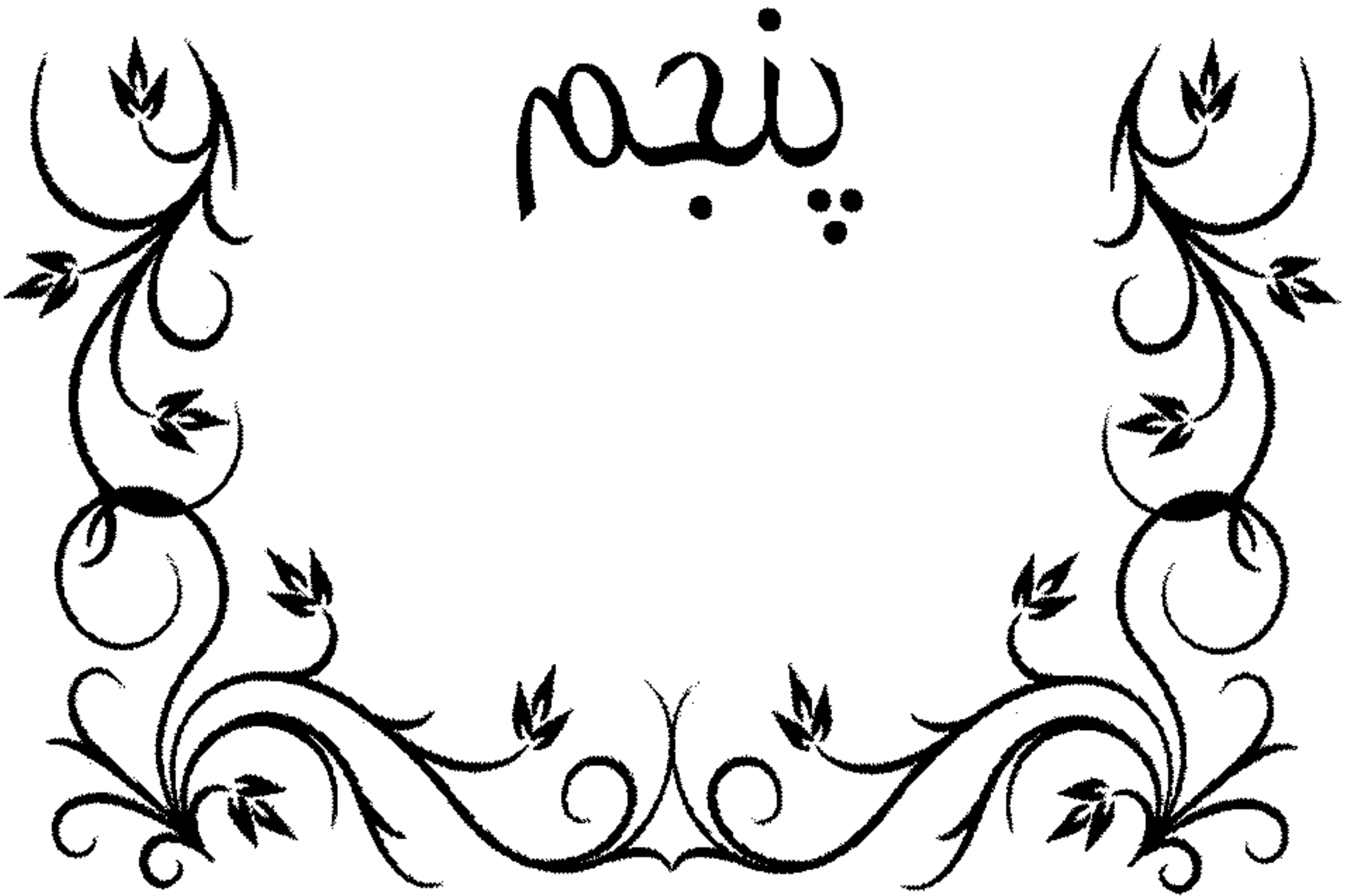
عصر ظهور

- حضرت مهدی (علیه السلام) خلیفه الله است، عنوان آن حضرت در روایات خلیفه الله است. وجود آن حضرت آیت جمیع اسمای حسنی است.
- حضرت مهدی وجه الله است یعنی به همه سو نظر می کند.
- حضرت مهدی تقیّه الله است. (احیا کننده دین خدا مانند پدران خود)
- امام زمان چشم خداست تمام کارهای ما را نظاره می کند.
- حضرت مهدی اسوه عالی عبادت است
- حضرت مهدی (علیه السلام) رحمه العالمین است. زیرا بسیار مهربان و منجی عالم بشریت و رحمت است برای جهانیان. با توجه در حدیث معتبر لوح حضرت فاطمه زهرا (س) که خداوند متعال فرمود: به حضرت بقیّه الله لقب رحمه العالمین داده است.»^۱

۱- بسوی نور، علیرضا نعمتی، چاپ چهارم ص ۱۱۳ / در محضر علامه طباطبایی، در پرسشها و پاسخها



فصل



ينجم

نیمه شعبان : از نظر ائمه اطهار (علیه السلام)

« حضرت علی (علیه السلام) به نقل از پیامبر می فرمایند: خداوند متعال در نیمه شعبان فرشته ای را نازل فرموده که از غروب خورشید تا طلوع فجر ندا می دهد.

« آیا توبه کننده ای در این شب است تا او را پیامرزم و آیا طلب رزقی است تا او را رزق بدهم.»^۱

حضرت امام باقر (علیه السلام) در فضیلت شب نیمه شعبان می فرماید:
« شب نیمه شعبان، عطا می کند و بر آنان منت نهاده و ایشان را می بخشد و بنابراین در تقرب به خدا در آن شب کوشش کند، زیرا خداوند به ذات خود قسم یاد کرده هیچ سائلی را در آن شب رد نکند. مادامی که درباره معصیت از خداوند چیزی نخواهد.»^۲

حضرت امام رضا (علیه السلام) هم در باره فضیلت این شب فرمود:
« در این شب خداوند، بنده هایش را از آتش جهنم آزاد نموده، گناهان کبیره آنان را می آمرزد. بنابراین ذکر خداوند تبارک و تعالی و دعا و استغفار زیاد داشته باشید زیرا که پدرم فرمود: دعا در این شب مستجاب است. و هر شب نیمه شعبان فضیلت های زیادی دارد که افق آن در تشبیه پیامبر اعظم (صلوات الله) نمایان است. ایشان می فرماید: علی بن ابی طالب (علیه السلام) در میان اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مانند فضیلت نیمه شعبان به سایر ایام است.»^۳

« حاج شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان بدان اشاره فرموده است در شب نیمه شعبان خواندن دعای کمیل به منزله زیارت امام زمان (علیه السلام) است.»^۴

مهدی جان ۱۱۷۱ سال از عمر گرامی شما سپری شده تا به کی زندانیان زندان غیبت شما باشیم. مولا. هر سال در این روز (نیمه شعبان) دریچه های

۱- ثواب الاعمال ج ۳ ص ۲۲۳ / بحار الانوار ج ۹۸ ص ۴۱۵

۲- مصباح المتعجد ص ۸۱۳ / مصباح الزائر ص ۴۰۵

۳- مصباح المتعجد ص ۸۳۷ ۴- مفاتیح الجنان، اعمال شب نیمه شعبان

قلبمان را به روی شما می گشائیم و هر آنچه انجام می دهیم. عمل به دستورات شما باشد. یکدل شدن، یکرنگ شدن و فقط و فقط به شما اندیشیدن و زمینه را برای ظهور فراهم کردن، محبان و مریدان حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یوسف زهرا یاور می خواهد و منتظر بر دینداری، یار دین می طلبد. برماست که خود را اصلاح نمائیم تا زمینه ظهور فرج آقایمان مهیا شود.
انشاء الله

نگاه حضرت زینب (سلام الله) به کتاب جعفر در شب شهادت پدرش حضرت علی (علیه السلام)

« در شب شهادت حضرت علی (علیه السلام) دخترش حضرت زینب (سلام الله) را خواست. وقتی حضرت زینب به صورت پدر بزرگوارش نگریست دفتر جعفر گشوده شد و تمام مصیبت و بلا و شهادت های تمامی ائمه (علیه السلام) و صحنه کربلا و اسیری اهل بیت (علیه السلام) را در چهره پدر مشاهده نمود. فوراً فریاد زد. یا محمدا یا علی گویند طوری حضرت زینب ناراحت و بی تاب می گردد. که حضرت علی (علیه السلام) در آنجا برای تمامی اهل بیت (علیه السلام) خود و حضرت زینب (سلام الله) صبر از خداوند متعال می نماید و با خواندن دعای حضرت امیر، خداوند به حضرت زینب قلب صبوری عطا نموده، تا در برابر تمامی مصیبتها و بلاها، مخصوصاً در شهادت حضرت اباعبدالله (علیه السلام) در صحرای کربلا تحمل این همه مشکلات و شهادت تمامی عزیزان خود را متحمل شود. و با دعای حضرت علی (علیه السلام) دوباره حضرت زینب قوت دل پیدا نموده و سوگنامه را امضاء می نماید.»^۱

« پیامبر اسلام فرمودند: مهدی از فرزندان من است او را غیبت و سرگردانی است که ملتها در آن گمراه می شوند، او اندوخته های پیامبران (صلی الله علیه و آله) می آورد. آنگاه از عدل و قسط مملو می کند. همانگونه که از ظلم و جور پر شده است.»^۲

۱- از کتاب سوگنامه‌ی آل محمد، اشتهادی

۲- الفتن، ابن حماد ج ۱ ص ۲۶۴

خداوند چهار چیز را در چهار مورد پنهان نموده است

- ۱- رضایتش را از انسان در اطاعت از خود پنهان نموده تا هیچک از موارد اطاعت از دستوراتش سبک شمرده نشود.
- ۲- نارضایتی و خشمش را در سر پیچی از فرمان خود پنهان نموده تا هیچک از نافرمانیها را بنده اش کوچک نشمارد، چه بسا همان مورد از نافرمانی که انسان آنرا کوچک شمرده همان موردی باشد که موجب خشم و غضب الهی می شد و انسان نمی داند و «گرفتار می شود».
- ۳- خداوند اجابت دعای بنده اش را در میان دعاها پنهان نموده است تا هیچ یک از دعاها را انسان کوچک نشمرد، چه بسا همان دعا که کوچک شمرده دعائی باشد که خداوند اجابت می فرماید و انسان نمی داند «تا بدین وسیله انسان دائما با پروردگار مرتبط باشد و با او انس بگیرد و هم صحبتش خداوند عظیم و مهربان باشد».
- ۴- ولی «دوست واقعی» خود را در میان بندگانش مخفی پس هیچیک از بندگان خدا را کوچک مشمار چه بسا همان که او را کوچک می شماری ولی خدا باشد و تو نمی دانی»^۱

نبرد شیطان با حضرت اباصالح (علیه السلام)

«یکی از مهمترین ریشه های مظلومین امام عصر و ائمه هدی بخاطر مخالفت شیطان از روزی که بنا به مخالفت گذاشت فهمیده بود، خداوند متعال پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه هدی و انبیاء (علیه السلام) را بعنوان صراط مستقیم و راه راست خود معرفی نموده است و بوسیله این خاندان عصمت و طهارت حکومت جهانی را ترتیب داده و انسانها را به مقام انسانیت و بندگی می رساند».

شیطان بنای مخالفت خود را، مخالفت با انبیاء و اهل بیت (علیه السلام) قرار داده و از همه مهمتر بالاترین درجه درگیری او، مقابله با حکومت جهانی امام عصر (علیه السلام) است که همه انبیاء و ائمه (علیه السلام) وعده آنرا به جهان

۱- بحالانوار - ج ۶۹ ص ۲۷۴ / همان ج ۷ ص / همان ج ۷۱ ص ۷۶ / همان ج ۹۳ ص ۳۶۳

عصر ظهور

داده اند. چرا که با ظهورش وسوسه‌هایش به پایان خواهد رسید. و با رجعت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) عمر شیطان به پایان می‌رسد که بعداً مختصراً در همین دفتر گفته می‌شود. بنابراین جنگ اصلی او با حضرت می‌باشد و چون ما در زمان امامت و عصر آن حضرت زندگی می‌کنیم و مهمترین حملات تبلیغاتی علیه آن حضرت است. لازم می‌باشد در همه حال او را یاری نمائیم و از حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فاصله نگیریم و در همه حال فرج آقا را از خدا بخواهیم همانطور که خداوند در قرآن در سوره «ص» آیه ۸۰-۸۱ می‌فرماید. «قَالَ فَانك مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» از این آیه متوجه می‌شویم وقتی حضرت قیام کند و قیامت پیاشود. عمر شیطان به پایان می‌رسد و به خاطر همین موضوع شیطان جبهه‌های مختلفی را در مبارزه با امام عصر و یاوران حضرت بقیه الله دارند و به طرق مختلفی کوشیده است اذهان امت اسلامی را از توجه به حضرت منصرف نماید از جمله آلوده نمودن انسانهای پاک به گناه و معصیت و یا طوری انسانها را مشغول کاری دنیوی و مادی نموده که امام زمان خود را به فراموشی سپرده اند و کمتر از امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صحبت می‌کنند. و اگر چنانچه بعضی اوقات صحبت و مجالس بخاطر حضرت باشد شیطان به او می‌گوید اینقدر از امام زمان صحبت نکن، هر وقت زیاد فساد و خونریزی باشد آقا ظهور می‌کند و بدین صورت امت رسول الله (صلی الله علیه و آله) او را فراموش نموده و در نتیجه منشأ خوبیها را به فراموشی می‌سپارند و آنگاه شیطان بر وجود معنویات آدمی حمله نموده و انسانها مرتکب گناه می‌شوند و از امام زمانشان فاصله پیدا می‌کنند و می‌گویند، ما که انقدر گناه کردیم. آقا به خاطر ما، گناهکارها ظهور نمی‌کند و ترس عمیقی در دلها ایجاد می‌نماید و از طرفی خودش دست به کار می‌شود وسوسه می‌کند و مردم مسلمان با خود می‌گویند، ما که آنقدر نمی‌توانیم خودمان را از گناه پاک سازیم، و حضرت وقتی که ظهور کند. هر گناهکاری را از دم تیغ خواه گذارند، پس وقتی ایشان بیاید من مورد مؤاخذه قرار می‌گیرم. چه بهتر است که در زمان عمرم ظهورش صورت نگیرد

عصر ظهور

زیرا می‌ترسند و برای فرج آن حضرت هیچگاه با سوز قلب فرج آن حضرت را نمی‌خواهند، بدین صورت شیطان لعین با نقشه‌های شوم خود در جبهه‌های فکری و حتی برزبان خود مسلمانها، اجرا نموده و عشق و محبت آن حضرت را نسبت به مسلمانان سلب ساخته و نوکران و طاغوتیان و ستمگران را تقویت نموده تا به هر شکلی که شده یاوران حضرت مهدی را از طریق جنگ‌های روانی و فکرهای شیطانی و از غفلت مردم مسلمان نسبت به امام عصر (علیه السلام) سوء استفاده نماید»^۱

«دومین جبهه شیطان (جبهه) اعتیاد به مواد مخدر می‌باشد که توسط نوکران خود که همان افراد فاسق و مفسد می‌باشند در بین جوانان و خانواده‌ها توزیع کرده و بوسیله افراد ضعیف، کم اراده که از پشه‌های معلق در هوا سست‌ترند را به دام و اسارت خود می‌کشد و بدین وسیله انسانهای بی‌گناه آلوده می‌گردد و بر تعداد لشکر خود می‌افزاید، تا هرگز نتوانند جذب لشکر حق یعنی امام زمان ارواحنا فدا شوند و مواد مخدر نامرئی دیگری هم وجود دارد که شیطان بخاطر گمراه نمودن انسانهای پاک استفاده می‌کند. از جمله تهمت، بدحجابی، حق‌کشی و بی‌عدالتی و... که شیطان اسیر خود نموده و به دنبالش می‌کشد و هر روز آنان را در خیابانهای جامعه اسلامی به نمایش می‌گذرد. و نعوذا بالله به امام زمان ارواحنا و دوستان حق توهین می‌کند که ببیند که چقدر اسیر از شما گرفته‌ام، اینها زنان و مردانی بودند که به خاطر غفلت و سستی خودشان اسیر سربازان خوبتان باشند. آیا اینها غربت و مظلومیت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیست که در کشور حضرت ولیعصر (علیه السلام) شیطان چنین قدرت نمایی کند. بنابراین بهتر است که خودمان را از زرق و برق دنیوی سلب سازیم و به معنویات توجه داشته باشیم و گول تبلیغات (غرب و شرق) و تقلید کورکورانه را نداشته باشیم. و همیشه به فکر ظهور و فرج آقامان باشیم که هر لحظه ایشان ظهور خواهند کرد و تمام فکرهای شیطانی را با توجه به اعمال و کردار، روحی و معنوی خود خنثی نمائیم تا شیطان قدرت نمایی نکند.»^۲

حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: «طناب پوسیده شیطانی با یک اراده

۱- مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه / راهی به سوی ظهور ص ۱۳۰ و ۱۳۱

۲- بحار الانوار ج ۱۰۴ ص ۳۸ تا ۴۰

عصر ظهور

قوی می گردد و مسلمانان از اسارت او نجات پیدا می کنند، زیرا آنها مخلوق محبوب خدای تبارک و تعالی هستند شیعیان در این عصر نباید غافل باشند و از خواب غفلت بیدار شوند و خود را از اسارت شیطان برهانند، «زیرا خداوند می فرماید: «انَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا، حِيلَهُهَا وَ نَقْشَهُهَايَ شَيْطَانِ هَمُورَه ضَعِيفٌ اسْت.»^۱ و راه به جایی نمی برد.»

«و امام باقر (علیه السلام) فرمودند به یکی از اصحاب خود «محمد بن مسلم» بخدا قسم که بعضی افراد این امت چنین اند، کسانی که امام زمان معصوم از جانب خدا را بالای سر خود نمی دانند و او را نمی شناسند، اینان گمراه و سرگردانند و اگر چنین بمیرند به مرگ کفر و نفاق مرده اند و بدان ای محمد که پیشوایان ستم و پیروان آنان جدا شده از دین خدا هستند، که هم خود گمراهند و هم دیگران را گمراه کرده اند اینان اعمالشان (نماز، روزه، حج و زکات و...) مانند خاکستری است که در روز طوفانی روی زمین قرار گرفته و باد به شدت آن را در هوا پراکنده می سازد که در نتیجه ذره ای از آنرا نمی توانند برای خود نمایند و این همان گمراهی دور افتاده از راه حق است.»^۲

«و امروزه نیز دشمنان امام عصر (ارواحنا فدا) خود را آماده نبرد با آن حضرت کرده و جنگ تبلیغاتی خود - نمونه هایی را از آن تذکر دادیم - را به صورت گسترده شروع نموده اند، آنچنان که در داخل و خارج ایران دوستان آن حضرت تحت فشار امریکا و صهیونیسم و بهائیت مزدور، مبتلا به فراموشی از امام زمان خود گردیده و نام امام زنده خود که در جمع آنان زندگی می کند را نمی برند یا کم می برند. آیا این قدر ما باید ضعیف باشیم که در برابر حملات تبلیغاتی سکوت نمائیم با توجه به آیات شریفه قرآن و با این همه احادیث که راجع به حضرت ولی عصر (علیه السلام) بیان شده بهتر از این زمان - زمانی دیگری هم وجود دارد که بیان نمائیم. زمانی که نور آن حضرت با طلوع پیروزی انقلاب اسلامی ایران چون سپیده صبح از افق تاریک برآمد و می رود (انسان الله) تعالی جهان با ظهور آن بزرگوار شاهد طلوع خورشید جمال حضرت بقیه الله و خلیفه الله (ارواحنا فداک) باشد.»

۱- سوره نساء آیه ۷۳

۲- از مکمال المکارم ج ۱ ص ۱۱ / اصول کافی ج ۱ ص ۲۷۵ باب فیمن دادن

عصر ظهور

در انقلاب اسلامی که زمینه ساز ظهور آن حضرت می‌باشد، می‌توانیم با معرفی چهره درخشان آن بزرگوار دنیا را متوجه آن مصلح کل نماییم. از طرفی دیگر عده‌ای خود را مخلص امام زمان خود را شناخته‌اند و با ارتباط روحی و تزکیه نفس، زندگی خود را در راه اهداف مقدس آن حضرت قرار داده‌اند و از همه چیز خود گذشت کرده یا می‌کنند هیچ چیز در دنیا برای آنان مهمتر از اهداف امام عصر زمان‌شان نیست. اکنون که او بیش از یازده قرن است که با ماندن در این زندان دنیا منتظر بزرگ شدن و خودسازی ماست و در این مدت زحمات‌های طاقت فرسایی که هیچ پیامبری از پیامبران گذشته تحمل آن را نداشته‌اند، برای ما کشیده است و دائما به حال ما غصه می‌خورند و دعا می‌کنند.^۱

« حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمود در قنوت نماز بخوانید.

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ

خدایا برنامه حکومت بنده و جانشین خودت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به آنچه انبیاء و فرستادگانت را اصلاح نمودی، اصلاح فرما- ظهورش را مهیا ساز^۲»

« قدر شبهای قدر از گل او نور روز قیامت از دل او

کعبه ما اوست قبله ما اوست دست خدا اوست سجده کنی‌دش

مطالب ما اوست مقصد ما اوست عبد خدا اوست بنده شویدش

غیرت سنبل موی سیاهش حسرت نسرین روی سپیدش^۳»

علت غیب شدن حضرت در سرداب (منزل خود حضرت)

«پنداشتم که مهر تو با جان سرشته است جان از میانه رفت و نرفتی زیاد ما

این که در دامن صحرای جنون می‌بینی لاله نبود که گل انداخته چشم بر ما

لب اگر باز کنی، چهره اگر بنمایی گل کند جنت ما؛ موج زند کوثر ما^۴»

« روز غیبت صغرای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دوران بسیار

حساسی و حائز اهمیتی بود؛ هم از جهت هیأت حاکمه و دشمنان و هم از ناحیه

۱- اصول کافی ج ۱ ص ۲۰۱ و ۳۹۸

۲- اصول کافی ج ۱ ص ۲۰۱ و ۳۹۸

۳- دیوان حزین لاهیجی ص ۲۴۲

۴- گنج غزل، سروده‌ی دکتر مظاهر صفا ص ۲۱۰

شیعیان و دوستان.

سال‌های نخست غیبت صغری، اهمیت بیشتری داشته؛ به خاطر تلاش و پیگیری حکومت «عباسی» برای دستیابی و قتل آن وجود مقدس و عدم انس شیعیان با زمانی به عنوان غیبت صغری و ارتباط با حجت کبری در قالب پیوند با سفیران و آشنا نبودن آنان با وظایف خاص آن عصر و سر بر آوردن و بساط پهن کردن جمعی شیاد به عنوان نیابت خاصه و ارتباط با آن حضرت. در این میان چند سفیر و نایب واقعی آن ولی عصر و زمان حضور داشتند.^۱

در جریان سرداب در آن زمان معتضد عباسی، آخرین خلیفه عباسی که خلافت خود را در خطر می‌دید، تصمیم گرفت به هر نحوی که شده حضرت ولیعصر را به شهادت برسانند و به سه نفر از نظامیان خود دستور داد که به سرداب بروند و هر کس را در آنجا دیدند سرش را از پیکرش جدا سازند. وقتی این سه نفر به آنجا رسیدند. بر در خانه خادمی سیاه می‌بینند، ولی به شدت و قهر وارد خانه شدند و غلام سیاه که مشغول بافتن بندی بود را جویای خانه و ساکنانش شدند و پرسیدند: در خانه کیست؟ گفت: صاحبش. او، به خدا قسم، هیچ اعتنایی به ما نکرد و ما را به حساب نیاورد!

آن سه نفر مأموریت خودشان را کاملاً انجام دادند و تمامی خانه را جست و جو نمودند. خانه‌ای خوب و آبرومند بود و در آن پرده‌ای آویخته بود که آنها برتر و بهتر از آن ندیده بودند، گویی آنرا ساخته، و کسی در خانه نبود پرده را بالا زدند، اطاقی پس بزرگ که در دیده دریایی از آب می‌نمود را مشاهده کردیم و در آخر آن تالار، حصیری بر روی آن پهن بود و بر بالای حصیر، مردی که از همه مردم زیباتر بود به نماز ایستاده هیچ توجهی به ما و اسلحه‌ای که همراه داشتیم نکرد. یکی از نظامیان به نام احمد بن عبدالله بود قدم پیش نهاد و وارد آب شد. در آب فرو رفت و به دست و پا زدن افتاد! دستش را گرفتیم و نجاتش دادیم و او را از میان آب در حالی که از حال رفته و بیهوش شده بود، بیرون کشیدیم. ساعتی گذشت، همراه دیگر ما اقدام کرد. او هم به همان وضع مبتلا شد! من مبهوت ماندم. این آقا کیست و این جریان چیست؟

۱- حدیث سرداب، سید مجتبی بحرینی ج ۷ ص ۱۵ و ۱۶

عصر ظهور

به خداوندگار آن خانه گفتیم: از خدا و از شما معذرت می‌خواهم به خدا سوگند من بی‌خبر بودم و نمی‌دانستم کجا می‌آیم. اینک توبه می‌کنم و به سوی حق بر می‌گردم، ولی آن آقای خانه هیچ اعتنایی به من و گفتارم ننمود و از کارهایی که بدان مشغول بود منصرف نگردید آن چه دیدیم ما را به هول و هراس واداشت، باز گشتیم. از آن سو معتضد در انتظار ما بود و به حاجبان و درباریان سپرده بود. تا هر زمان که ما برگشتیم - هر وقت از شب یا روز بود - مانع ما نشوند و بگذارند ما نزد او برویم، شب به بغداد رسیدیم و بر خلیفه وارد شدیم، «او که در انتظار بود سر بُریده ای نزد او ببریم» ماجرا را از ما پرسید ما هم تفصیل واقعه را برای او بازگو کردیم و آنچه دیده بودیم، گفتیم. گفت وای بر شما! اگر کسی از این ماجرا خبردار شود. ما هم جرأت نقل این ماجرا را پیدا نکردیم تا معتضد از دنیا رفت»^۱

«از این حادثه غیبت صغری حضرت ولیعصر (علیه السلام) متوجه شدیم چون عموی معتضد که معتمد نام داشت موفق نشده بود که در زمان خلافت خود حضرت را به شهادت برساند معتضد تصمیم می‌گیرد، با فرستادن چند نفر از سران سپاه، بدون مقدمه و سابقه و به صورت شبیخون زدن و یورش به بیت‌الشریف امام علیه السلام) آن حضرت را دستگیر کند و به زندگانه اش خاتمه دهد. و به دنبال آن خیال خود را از ناحیه ی او آسوده سازد و با آرامش خاطر، به حکومت خود کامه و جائزانه خویش ادامه دهد. این در هنگامی است که حدود ۲۵ سال از عمر تشریف آن حضرت گذشته است و جناب محمد بن عثمان در بغداد عهده دار مقام سفارت بود.»

«نکته دوم: عظمت روح بلندنگری غلام سیاهی است که عهده دار درباری بیت‌الشرف آن وجود مقدس است.»^۲

«نکته سوم: آویختن آن پرده که در برابر آن سر الله آویخته است. زیرا در برابر آن پرده نشین حریم لم یزلی و صاحب سرّ الله چنان است که نبل عظمت و ابهت و جلالت و هیمنه و شوکت آن پرده نشین در آن منعکس شده و اثر گذارده است؛ چنان که سرهنگ و مأمور عالی رتبه حکومت آل عباس - که

۱- معجم البان ج ۳ ص ۱۷۶ (سامراء) / غیبت، شیخ طوسی ص ۱۴۹ / بحار الانوار ج ۵۲ ص ۵۱

۲- نگرش بر ماجرای حدیث سرداب، سید مجتبی بحرینی فصل دوم ص ۴۷

عصر ظهور

پرده ها و سترهای پُربها بسیار و بسیار دیده است - می گوید من همانند آن را ندیده‌ام.

آری،

«پرده نشین حریم لم یزلی اوست شاهد غیبی و دلبر ازلی اوست
مرشد و مولا و پیشوا و ولی اوست باری، سرّ خفی. نور جلی اوست
خواه اش پیدا شمار و خواه اش پنهان»^۱

آری حضرت ولیعصر علیه السلام) پیشوای خلق است و بلندای عقل و درایت و منبع و مرکز جوشش هدایت و صاحب سرّ خداوند در این «خانه‌ی هستی» نکته چهارم. نمودار شدن آب و نماز خواندن آن حقیقت نماز است بر حصیر روی آب و غرق شدن آنان که به تعرّض و ستم آمده بودند. به خدا سوگند، اگر استمرار بر صفای دل و پاکی باطن باقی بمانید همانا فرشتگان با شما مصاحفه می کنند و بر روی آب راه خواهید رفت.»^۲

« به طور کلی قسمتی از روزگار غیبت صغری در دوران سفارت جناب محمد بن عثمان با چنین عنصر سفاک و خون آشامی گذشت؛ اما حق تعالی آن وجود مقدّس و سفیر ناحیه مقدّسه و دوستان و شیعیانش را حفظ و حراست فرمود و در امن و امان قرار داد.

و بار دیگر معتضد عباسی، نظامیان بیشتری را برای دستگیری آن وجود مقدّس به بیت الشرف حضرتش در سامرا فرستاد. چون لشکر به خانه ریختند، از میان سرداب - زیر زمین خانه پدر حضرت امام زمان علیه السلام) بود - صدای تلاوت شنیدند. بر در سرداب گرد آمدند و مخالفت باب را عهده‌دار گشتند تا کسی بالا نیاید و بیرون نرود امیر لشکر ایستاده بود تا بقیه نظامیان بیایند در این میان، حضرت ولیعصر (علیه السلام)، از آن کوچه و راهی که بر در سرداب بود، بیرون آمده از میان آنان عبور فرمود. چون از نظرشان ناپدید شد، امیر لشکر گفت فرود آید و او را دستگیر کنند. گفتند: مگر الان از برابر تو عبور نکردند؟ گفت: من کسی را ندیدم، گفت: شما که او را دیدی، چرا دستگیرش نکردید؟ گفتند: پنداشتم تو او را دیدی. آری، وقتی اراده حق تعالی به امری

۱- دیوان ملک الشعراء بهار ج ۱ ص ۱۹۰

۲- اصول کافی ج ۱ ص ۴۲۴ / کتاب الایمان و الکفر باب ۱۸۶ فی تنقل احوال القلب ج ۱

عصر ظهور

تعلق بگیرد، اگر همه عالم هم دست به دست هم بدهند، توان تحقق بخشیدن به آن چه خلاف اراده اوست را ندارند.^۱

«اما ناگفته نماند در غیب شدن حضرت در سرداب، اهل سنت اعتقاد دارند که حضرت صاحب الامر (علیه السلام) در کودکی داخل سرداب شده و مادرش نرجس خاتون ایستاد و نگاه می کرد تا در نظرش غایب شد و مقام آن حضرت تاکنون در آن جاست و احدی در این طول زمان آن جناب را ندیده (است) و (حضرتش) در آن جا باقی است و ظهورش از سرداب می باشد.

در صورتی که در اعتقاد شیعه چنین نیست ظهور حضرت از مکه می باشد و صاحب خانه، حضرت مهدی (علیه السلام)، به خانه خودش (سرداب) می آید و نور وجودش نیمه های شب روشنگر سرداب جلالت انتساب می گردد. گاهی نور منیری دیوارهای دهلیز سرداب را روشن می کند و گاهی بوی عبیری آن فضا را معطر و خوش بوتر می سازد.^۲

«شب چهارشنبه سیزدهم ماه ذی القعدة ی سال ۶۳۸ در سامرا بودم. هنگام سحر، دعای آن وجود مقدس را شنیدم و آنرا به خاطر سپاردم که برای احیاء و اموات، از دوستان و شیعیانش، چنین دعا می کرد:

وَأَبْقِهِمْ (یا و احبهم) فی عُرْنَا وَ مُلْکِنَا وَ سُلْطَانِنَا وَ دَوْلَتِنَا^۳

«به طور کلی سرداب حضرت در طول تاریخ پیوسته مورد توجه و عنایت دوستان و شیعیان خاندان رسالت و ملجأ و پناهگاه منتظران آن صاحب مقام ختم وصایت بوده است، و آنان در مشکلات خود به آن مکان مقدس پناهی برده اند که شمه ای از مشکلات رفع گردیده»^۴

مهدی جان مظلومیت و غربت شما تا به کی ادامه دارد که به خاطر داشتن دشمنان شیاد و ظالم و بی رحم خانه پدری را رها سازی و آواره بیابان و صحرا - عرفات - گردی و در چادر زندگی کنی. قربان دل صبورت مولا به خدا قسم محبت شهر، دیوار نیست که بر سویدای دلم است؛ مهر آن صاحب دیار است که مرا به چنین امری واداشته است. ای گل نرگس حال که در نتیجه سوء کردار و بدی رفتارمان، راهی به دیار نداریم و نشانی از آن مهر پدر

۲- هدیه الزائرین ص ۸۳

۱- تنمه المنتهی ص ۲۶۹ / اقبال الاعمال ج ۱ ص ۲۹۵

۳- حدیث سرداب ص ۶۳

۴- بحار النوار ج ۵۲ ص ۶۷ / حدیث سرداب، مجتبی بحرینی ص ۶۷

نمی‌جوئیم، برویم و بر آستان خانه‌اش سر بگذاریم و گل بوسه‌ها بر عتبه‌ی سرداب مقدّسش نثار کنیم؛ آن خانه و سردابی که مکرّر در مکرّر در آنجا شرف حضور پیدا کرده و نور شریفش روشنی بخش آن صُفّه و دهلیز شده و عنبر بویش آن فضا را معطر کرده است. اکنون لیاقت بوسیدن غبار مقدّسش را نداریم. برویم خاک خانه‌اش را توتیای دیده سازیم و سوده سردابش بایستیم؛ توگویی صاحب خانه میان خانه است و صاحب مرداب درون سرداب، استدان کنیم؛ رخصت بگیریم و داخل شویم که جزء آداب زیارت سرداب همین است. خدا قسمت کند تمامی آرزومندانش را (انشالله) و در حالی که آه سرد سینه با اشک گرم دیده همراهی دارد، پیش رویم؛ چنان که خود را در خانه محبوب می‌بینیم و صدای پای او را می‌شنویم؛ هر چند او را نمی‌بینیم. آن گاه به آنان چه فرموده است که در سرداب مقدّس خانه‌اش بخواهیم، مترنم شویم. و زیارت ندبه‌ای را از ناحیه مقدّسه‌اش برای تلاوت در سرداب جلالت انتسابش صدور دریافته بخوانیم.^۱

غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) سرّی از اسرار الهی است

غیبت ولیعصر (علیه السلام) سرّی از اسرار الهی است که حکمت آن بر بندگان خدا مخفی و پوشیده است و تنها بعد از آن که ظهور حضرت فرارسد، روشن خواهد شد. پیامبر فرمود:

«یا جابر! ان هذا لامر من امر الله و سرّ من سرّ الله»

ای جابر! این امر الهی و سرّی از اسرار خداوندی است که بر بندگان پوشیده است.^۲

«غیبت حضرت آزمایش و غربال شدن انسانهای صالح می‌باشد که بخاطر این غیبت عده‌ای ثابت قدم می‌مانند که خداوند به آنها قدری اجر می‌دهد که انگار در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) با شمشیر بر دشمنان جنگیده اگر گروهی گمراه می‌شوند و تحت وسوسه‌های شیطانی قرار می‌گیرند و مادیات و تجملات دنیوی لباس تقواری از آنها سلب می‌سازد و به گمراهی کشیده می‌شوند. که امام

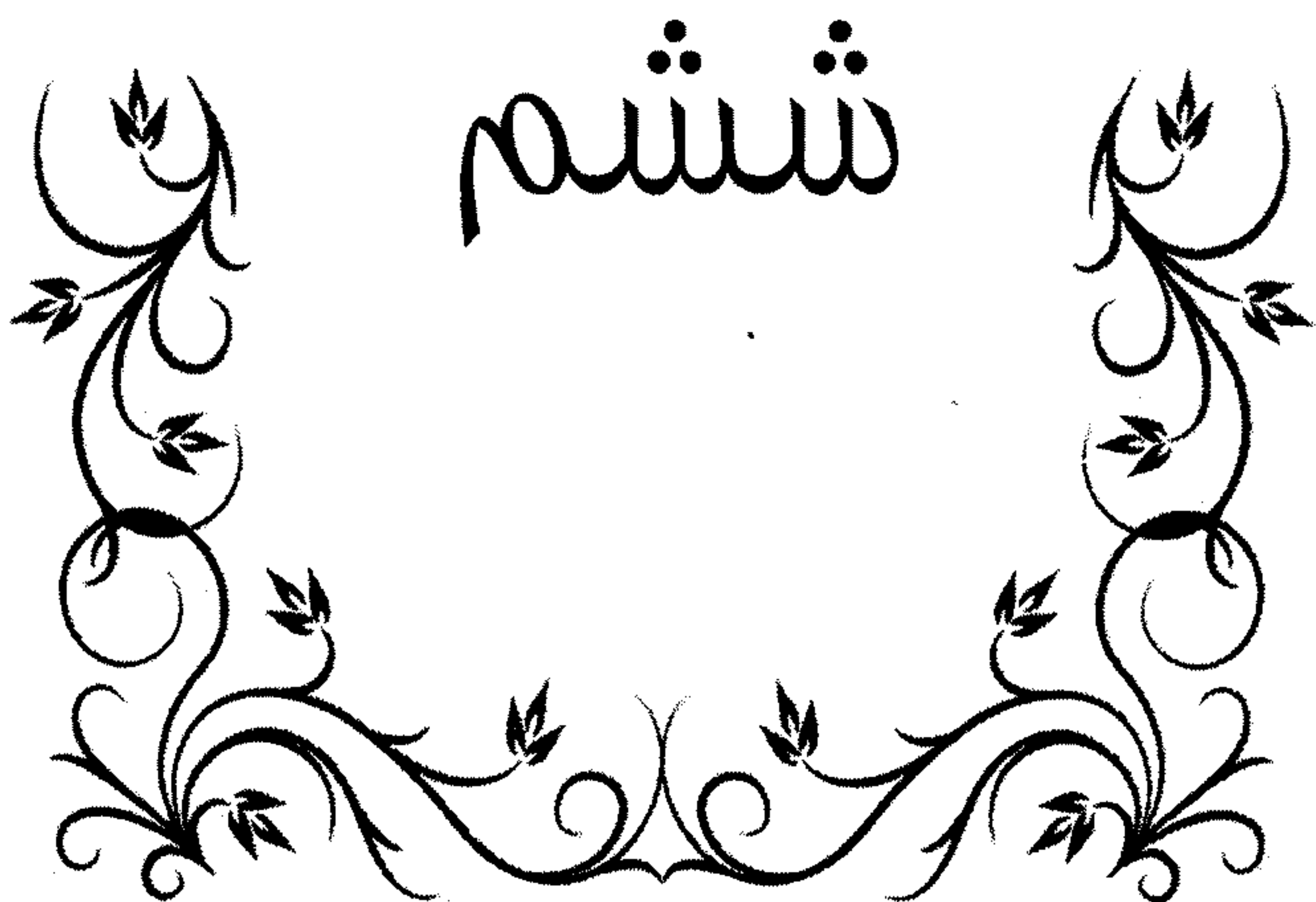
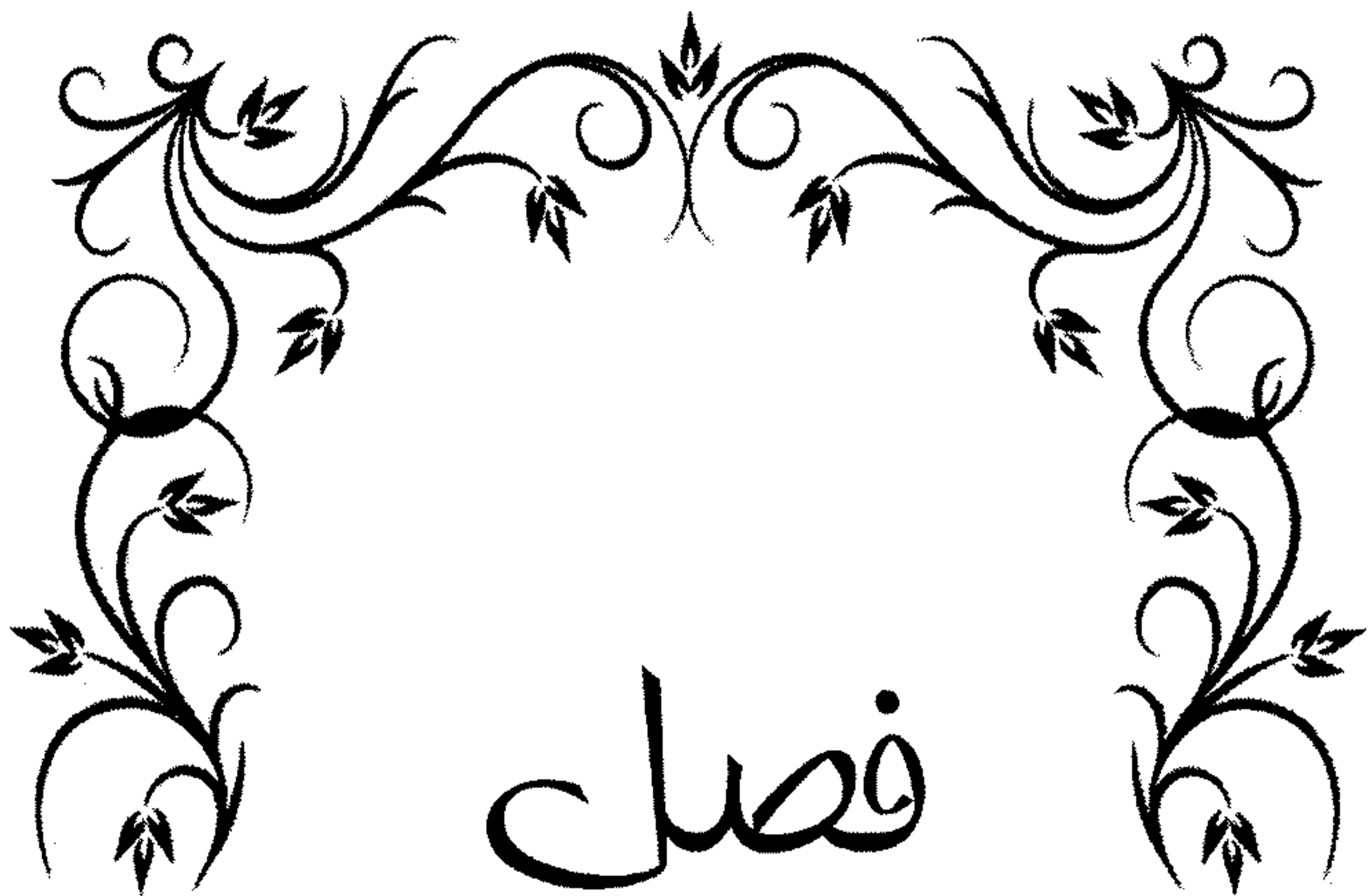
۱- حدیث سرداب، مجتبی بحرینی

۲- مطوی عن عبادہ ص ۸۵ / تاریخ غیبت، پور سعید آقایی، جاری عاشوری حکیم ص ۲۷۰ تا ۲۷۸

عصر ظهور

باقر (علیه السلام) در این زمینه فرموده‌اند فرج و ظهور حضرت اتفاق نمی‌افتد، مگر آنکه شیعیان به شدت در امتحان الهی شرکت کنند به طور کلی منظور حضرت امتحان الهی شیعیان در عصر غیبت می‌باشد.^۱

۱- تاریخ غیبت ص ۲۸۱



مهدی از فرزندان فاطمه (سلام الله) است

« امه سلمه روایت می کند که پیامبر (صلوات الله) فرمودند: (مهدی حق من است و از فرزندان فاطمه است) المهدیُّ حَقٌّ وَهُوَ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ چون گروهی معتقدند که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از فرزندان امام حسن (علیه السلام) و گروهی معتقدند و از فرزندان امام حسین (علیه السلام) می باشد. ناگفته نماند در جواب که حضرت مهدی (علیه السلام) از فرزندان امام سجاد (علیه السلام) می باشد، که از طرف مادری با امام حسن (علیه السلام) بستگی دارند چون همسر حضرت زین العابدین (علیه السلام) دختر امام حسن مجتبی بود و از طرف پدری حضرت مهدی (علیه السلام) از فرزندان امام حسین (علیه السلام) می باشد. بنابراین از تبار فرزندان امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) می باشد.

شعیب بن خالد از ابواسحاق که گفت: «علی (علیه السلام) به فرزندش حسین نظر کرد و گفت به درستی که این فرزند سرور است همانگونه که پیامبر او را چنین نامیده و مردی از صلبش بیرون می آید بنام پیامبرتان خوانده می شود (در اخلاق شبیه اوست و در خلق با او شباهتی ندارد) سپس بیان کرد که زمین را پر از عدل و داد می کند»^۱

به طور کلی باید گفت حضرت مهدی (علیه السلام) از طرف پدر حسینی و از طرف مادر، حسنی است و این حقیقتی مسلم است، زیرا همسر امام سجاد (علیه السلام) و مادر امام باقر (علیه السلام) فاطمه دختر گرامی حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) بود.

و حضرت پیامبر گرامی فرمودند: «ای فاطمه! ما خاندانی هستیم که شش خصلت به ما عطا شده که به احدی از پیشینیان داده نشده و از آیندگان هم کسی غیر از اهل بیت به آن دست نیابد...»^۲

« و امام حسین (علیه السلام) فرموده، بر جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و

۱- مهدی منتظر ص ۹۰ و ۹۲ و ۹۴

۲- گنجی شافعی فصل ۱۲۰ ص ۲۹۵ و ۲۹۶ / فضائل الصحابه

آله) وارد شدم. مرا روی ران خود نشاند و به من فرمود: ای حسین! خداوند، از صلب تو نه امام برگزید، نهمین آنها قائم ایشان است، همگی نزد خداوند در فضل و منزلت یکسانند»^۱

مهدی منتظر (علیه السلام) در اندیشه اسلامی

«چهارده قرن از عمر اسلام می گذرد. مؤمنان در طول این چهارده قرن عمر اسلام، چشم انتظار ظهور آن رادمرد بزرگ می باشند. البته گروهی از مدعیان نوآوری و تمدن جدید، بر این باور نیستند. برای مثال «فان فلوتین» «درونالدیسن» و «گوندزیهر» متأثر شده اند که تحلیل ها و قضاوت های یک طرفه، خصمانه و مغرضانه شان، به خصوص در مورد عقاید مسلمانان کاملاً آشکار و مشخص شده است. این گونه افراد، تلاش و سعی در گسترش انکار ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در آخر الزمان، دارند. البته بعضی از مسلمانان که پیروان و تأیید کنندگان این دسته از خاورشناسان مغرض هستند در حقیقت فریب نام و شهرت ظاهری آنها را خورده اند، و می کوشند گفته های خاورشناسان را موافق و منسجم با مفهوم های تمدن و پیشرفت های علمی معاصر جلوه دهند. از طرف دیگر، می پندارند با انکار این باور اسلامی دیرین، محکم و راسخ، پاسخی دندان شکن به فراخوانی های مبلغین مسیحی خواهند داد، یعنی آنان که در پوشش خاورشناس و زیر لوای این ماسک، اسلام عزیز را - با نوشته ها و حدیث های زهر آگین خود - هدف گرفته، آن را دینی خشک و بی روح قلمداد و معرفی می کنند. به هر حال، این جریان و توطئه، شکافهایی در میان گروهی که بعضی از پایه های ثابت دین مبین، اسلام، تاویل شد و بعضی دیگر، چون ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در آخر الزمان مورد تردید قرار گرفت. که اینها نوعی نیرنگ و هدف از آن ضربه زدن به حقایق راستین اسلامی و ایجاد تفرقه میان مسلمانان است. که خاورشناسانی از این قماش، مانند «گولد زیهر»، «دی بویو»، «مکدونالد» و «بندلی جوزی» با صراحت و وقاحت بسیار اعلام می دارند که در قرآن تناقض هست»^۲

۱- ینابیع الموده ج ۳ ص ۱۶۸ باب ۹۴

۲- مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، سیدنا مر هاشم العمیدی، ترجمه محمد باقر القلوب ص ۱۳ تا ۱۵ / المستشرقون و الاسلام، عرفان عبد الحمید ص ۱۷

اعتقاد به حضرت ولیعصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) جهانی است.

« پیروان سه دین بزرگ و بیشتر ملت های جهان امروز، به ظهور منجی عالم بشریت در آخر الزمان ایمان دارند؛ آن کسی که در حکومتش عدل و آسایش سراسر گیتی را فرا گرفته، و هر گونه ظلم و ستم از بین می رود. یهودیان به ظهور عقیده دارند.

مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی (علیه السلام) باز می گردد. زردتشتیها در انتظار رجعت بهرام شاه، مسیحیان حبشه در انتظار پادشاه خود تئودور، هندوان معتقد به بازگشت (فیشنو) مجوسیان معتقدند به زندگی دوباره «اوشیدر»، بودائیها در انتظار پادشاهشان بودا و اسپانیها منتظر «رودزیک»؛ و مغولها در انتظار بازگشت «چنگیز خان» می باشند مصریان و چینی های پیشین نیز بر این باور بوده اند.^۱

« و از سوی دیگر فلاسفه و دانشمندان بزرگ غربی نیز آشکار اعلام کرده اند که جهان در انتظار مصلحی بزرگ است که زمان امور جهان را بدست گرفته و همه انسانها را زیر یک پرچم و یک شعار، گرد می آورد. از جمله از دانشمندان عبارتند از براتر اندراسل، فیلسوت شمور انگلیسی و دانشمند بزرگ «انیشتن» و فیلسوف معروف انگلیسی (برناردشاو) که در کتاب خود (انسان و سوپر من) بشارت به آمدن مصلح جهانی می دهد.^۲

« و اما تمامی فرقه ها و مذهب ها اسلامی، بر اساس بشارت های پیامبر گرامی اسلام (صلوات الله) به ظهور پیروان حضرت مهدی (علیه السلام) در آخر الزمان معتقدند و در این امر هیچ گونه اختلافی نیست گروه زیادی از دانشمندان اهل سنت - از آغاز قرن سوم هجری تا به امروز - اعلام داشتند که اعتقاد به این ظهور، نه تنها مورد اتفاق مسلمانان، بلکه از اعتقادات مسلم اسلامی است.^۳ بنابراین اعتقاد و ایمان به ظهور حضرت مهدی، میان شیعه و اهل سنت تفاوتی نیست، چه اینکه اهل سنت در کتابهای خود، پنجاه حدیث در مورد ظهور حضرت مهدی می یابند، آن را از نشانه های قیامت به حساب آورده

۱- المهدیه فی الاسلام، سعد محمد حسن ص ۴۳ و ۴۴ / الامه امه و قائم القیامه، دکتر مصطفی غالب ص ۲۷۰

۲- المهدی الموعود و دفع الشبهات عنه، سید عبدالرضا شهرستانی ص ۷ و ۱۰

۳- مهدی منتظر (ع) در اندیشه های اسلامی ص ۱۷

است.

خدا در قرآن می فرماید: «یریدون ان یطفو نور الله بافواهم...»
 «می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند
 نمی گذارد، تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید»^۱
 این آیه کریمه، توطئه و برنامه دشمنان اسلام، یعنی منافقین، مشرکین و
 پیروانشان را بر ملا می کند که می خواهند بادم دهان، نور عظیم الهی را که در
 همه آفاق پرتو افکنده، خاموش کنند، در حالی که خداوند متعال مقرر فرموده
 که پرتو این نور با افزایش یافته و بالاخره به عالی ترین درجه درخشش و تابش
 برسد. خداوند با «دم دهان» منتهی به درجه حقارت، پستی، ضعف نیرنگ و
 دشمنی مخالفان اسلام را بیان فرموده است که با دم دهان می توان نور فانوس
 و یا نور شمع را خاموش کرد. «به طور کلی این آیه به حضرت مهدی (علیه
 السلام) تفسیر می شود»

«و روایت شده اسلام پیروانی داشته باشد نه یهودی و نه مسیحی که مقداد بن
 اسور هم این روایت را نقل کرده است.

از رسول خدا، (صلوات الله) شنیدم که فرمود «هیچ خانه شهری و روستایی،
 و هیچ چادری در روی زمین نمی ماند، مگر این که اسلام در آن وارد می شود،
 یا با عزلت و سرفرازی و یا با ذلت و خواری، خداوند آنان را با عزت، از
 مسلمانان قرار می دهد» که عزیز و گرامی می شوند و یا آنان را خوار و زبون
 کرده، سپس به اسلام می پیوندند. (اشاره به ظهور حضرت)^۲

«حضرت رسول (صلوات الله) می فرمایند: هر گاه حرکت پرچمهای سیاه را
 از سوی خراسان دیدید به سویش بروید حتی اگر با خزیدن روی یخ باشد. به
 درستی که مهدی خلیفه خدا در میان آنان است»^۳

«حضرت رسول به عمویشان فرمودند:

خداوند اسلام را با من آغاز و با جوانی از فرزندان تو به پایان می برد و او
 کسی است که بر عیسی بن مریم پیش می گیرد.»^۴

«حضرت پیامبر به خاطر اینکه مردم متوجه شوند که اهل بیت ایشان کدامند

۱- سوره توبه، آیه ۳۲

۲- المنشور ج ۴ ص ۱۷۵ / مجمع البیان ج ۵ ص ۳۵

۳- تاریخ بغداد ج ۳ ص ۳۲۳ و ج ۴ ص ۱۷۰

۴- مسند احمد ج ۵ ص ۲۷۷

عصر ظهور

به مدت نه ماه، هر روز صبح در برابر خانه حضرت الزهرا (سلام الله) می ایستادند ، و با صدای بلند این آیه را تلاوت می فرمودند.

انما یریده الله و لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا^۱
این عمل رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بهترین معرف بود تا تمام مردم بدانند که «اهل بیت» کدامند تا بعد از رحلت شان مردم را تا روز قیامت از گمراهی نجات یابند و از قرآن و ائمه اطاعت نمایند. باید دانست که حضرت علی (علیه السلام) با بیانهای آشکار و صریح بی شمار پیامبر، از جمله حدیث ثقلین - که مورد تأیید تمام مسلمانان است. به جانشینی و ولایت امر بر مسلمانان، تعیین و معرفی شده، اما پیامبر اسلام با معرفی کامل بر تمامی زمانها، نام و نشان دوازده وصی خود، صفت رحمة اللعالمین را آشکارتر ساخت تا مسلمانان از گمراهی ها مصون بمانند»^۲

«و از جابرین عبدالله انصاری روایت شده. خدمت حضرت زهرا (سلام الله) رسیدیم، در دستشان لوحی شامل نام جانشینان بود. آنان را شمردم دوازده نفر بودند و آخریشان قائم، سه تن محمد و چهارتن علی نام داشتند.»^۳

قرآن عهد نامه الهی است

«با توجه به انقلاب پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در مدینه منوره از صدر اسلام و انقلاب حضرت امام خمینی (ارواحنا فدا). زمانی که شیاطین ریشه کن شده و می شوند و جایی برای سرمایه گذاری و فعالیت خود در کشور امام زمان (علیه السلام) نمی بینند. راهی جز خارج شدن از نفوس انسانی را ندارند. امام خمینی بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران را بینیم که تمام شیاطین دنیا را از نفوذ در خود ناامید کرد و همه احساس کردند که تلاش برای گول زدن و فریب او بی ثمر است»^۴

«در پی خارج شدن ملائکه از دل ها و خانه ها راه برای ورود شیاطین جنی و انسی باز می گردد. و همین منشأ و علت همه گناهان ذلت ها، سقوط و غذاب های دنیایی و آخرتی می باشد و خانه هایی که در آن قرآن حضور ندارد و

۱- سوره احزاب - آیه ۳۳

۲- مهدی منتظر در اندیشه های اسلامی، سید

۳- ینابیع اموده ج ۳ ص ۱۷۰ باب

نامر هاشم العمیدی ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، چاپ سوم

۴- معجزه جاوید ص ۱۰۰

تلاوت نمی شود، برای آسمانیان روشن نیست، زیرا تاریک و ظلمانی بوده و حق و واقعیت ها در آن مکان ها حضور و جلوه ای ندارند»^۱

«رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود بهترین روش قرآن خواندن بالحن و لهجه عرب خوانده شود و صوت عربی مراعات شود.»^۲

«نبی اکرم (صلوات الله) فرمود. ان الرجل الا عجمی من امی ليقرا القرن بعجمیه فترفعه الملائکه علی عربیه

همانا مرد فارسی زبان از امت من قرآن را به فارسی می خواند، سپس ملائکه طیف زبان عربی آن را بالا می برند و این گونه در زیباترین اسلوب و لهجه و قرائت و ترتیل به محضر حضرت حق عرصه می گردد»^۳

«از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرموده. ان القرآن نزل اربعه ارباء ربع حرام - ربع حلال، ربع سنن و احکام و ربع خبر...»

همانا قرآن در چهار قسمت نازل شده یک چهارم در مورد حلال - یک چهارم در مورد حرام و یک چهارم آن در مورد روش ها و مستحبات و احکام، و یک چهارم مربوط به تاریخ و اخبار گذشته و آینده شما و حل اختلافات و فصل خصومت ها در بین شما.»^۴

«در نتیجه متوجه می شویم که قرآن عهدنامه الهی است به سوی خلقتش (انسان ها و جنیان) است بنابراین بر هر فرد شایسته مسلمان است که در این عهد نامه الهی بیندیشد و هر روز مقداری از آیات قرآن را تلاوت نماید و همچنین امام سجاد فرموده - آیات قرآن گنج هایی هستند. پس هر زمانی گنجی باز شد برای تو سزاوار است، که در آن (دقت) و اندیشه کنی»^۵

«بنابراین این عهد نامه الهی (قرآن) گنجی از گنج های الهی است که علمای اسلامی و مسلمانان جهان در حفظ و امانت الهی مسئولیتی خطیری دارند.»^۶

بطور کلی گنج های الهی را باید استخراج و با تجربه آن باید از تمام ابعاد و ارزش ها و گوهرهای آن به طور کامل بهره برداری نمود و گرنه سرمایه های خدادادی را کد مانده و عمر انسان یا بی بهره بودن از علوم الهی ضایع می گردد.

۳- همان ص ۲۱۹

۲- اصول کافی ج ۱ ص ۴۱۹

۱- معجزه جاوید ص ۱۰۰ و ۱۰۱

۵- همان ج ۴ ص ۴۱۲

۴- همان ص ۴۳۶

۶- سوره مومنون آیه ۸ / سوره مزمل آیه ۲۰

عصر ظهور

باید در آیه های قرآنی تفکر و اندیشه کرد زیرا کتاب آسمانی که هم از گذشته و حال و آینده (رستاخیز) اطلاع می دهد که باید انسانها در کردار و رفتار و اعمال خود (خود سازی) نموده تا مورد وسوسه های شیطانی قرار نگیرد و تقوای خود را در تمامی موارد زندگی حفظ نماید، و خدا را در کارهای روزانه و شبانه خود حاضر و ناظر بداند تا شرمنده آخرین حجت خدا (حضرت ولیعصر (علیه السلام)) قرار نگیرد.

دشمنان جاویدان اسلام کدامند؟

« قوم یهود و نصاری و بعضی از (مسیحیان) را که خداوند در قرآن در سوره ی ص، آیه ی ۱۲ که از پیمان شکنی بنی اسرائیل و پیمان شکنی نصاری اشاره کرده می فرماید: جمعی از کسانی که ادعای نصرانیت می کنند، با اینکه از آنها پیمان وفاداری گرفته بودیم، دست به پیمان شکنی زدند و قسمتی از دستوراتی را که به آنها داده شده بود به دست فراموشی سپردند. و از حقیقت منحرف شدند و نشانه های آخرین پیامبر را کتمان نمودند: تنها عده کمی از یهودیان پاک و حق شناس ماندند ولی درباره نصاری قرآن می گوید: جمعی از آنان منحرف شدند، از این تعبیر روشن می شود که منحرفان یهود بیشتر از منحرفان نصاری بوده اند.»^۱

« از آیه فوق چنین بر می آید که طائفه نصاری به عنوان پیروان یک مذهب و (یا یهودیان و نصاری هر دو) تا پایان جهان در دنیا وجود خواهند داشت. (یعنی اصلا هدایت نخواهند شد) در اخبار اسلامی چنین استفاده می شود که پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سرتاسر جهان یک آیین بیشتر نخواهد بود و آن آیین اسلام است، اما دین یهود و مسیحیت بصورت یک اقلیت بسیار ضعیف در جهان حتی در عصر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باقی بماند، زیرا امیدواریم در آن عصر نیز آزادی اراده انسانها از بین نمی رود و دین جنبه اجباری پیدا نمی کند. اگر چه اکثریت قاطع مردم جهان راه حق را می یابند و به آن می گروند و مهم تر از همه اینکه

۱- تفسیر نمونه ج ۴ ص ۳۱۶ و ۳۱۷

۲- همان ص ۳۱۹

عصر ظهور

حکومت روی زمین یک حکومت اسلامی خواهد بود که دنباله این بحث در بخش ظهور همین کتاب مورد بررسی قرار می گیرد.^۱ و اما چند نکته درباره مسیحیت.

مسیحیان چند ادعای بی اساس در مورد خدا دارند. نخست اینکه: عقیده به خدایان سه گانه دارند که قرآن در آیه ۱۷۰ سوره نساء به آن اشاره کرده و آن را باطل می کند و می فرماید:

«لا تقفوا ثلاثة انتهوا خيرا لكم انما الله الة واحد»

و دیگر اینکه: آنها خدای آفریننده عالم هستی را یکی از خدایان سه گانه می شمارند و به او خدای پدر می گویند، قرآن این عقیده را نیز در آیه ۷۳ سوره مائده باطل می کند و می فرماید.

(لقد كفرالذين ان الله ثالث ثلاثة و ما الة الا الة واحد)

«و دیگر اینکه. خدایان سه گانه در عین تعدد حقیقی، یکی هستند که گاهی از آن تغییر به وحدت در تثلیث می شود، و این همان چیزی است که در آیه فوق به آن اشاره شده که آنها می گویند. خدا همان مسیح بن مریم و مسیح بن مریم همان خداست! و این دوباره روح القدس یک واحد حقیقی و در عین حال سه ذات متعدد! را تشکیل می دهند!!

بنابراین هر یک از جوانب سه گانه تثلیث که بزرگترین انحراف مسیحیت است در یکی از آیات قرآن مورد بحث قرار گرفته، و شدیداً باطل شده است.^۱

«در کل نتیجه می گیریم یهود و مسیحیت برای خود امتیازاتی قائل بودند و هستند و خود را فرزندان خدا و دوستان خدا می دانند که در سوره بقره، آیه ۱۸۰ خداوند آنها را سرزنش می کند و در آیه فوق به ادعای موهوم فرزندی خدا و دوستی خاص او اشاره شده است؛ قرآن درباره این امتیازات موهوم مبارزه می کند و امتیاز هر انسانی را تنها در ایمان و عمل صالح و پرهیزگاری او می شمارد.»^۲

«و در روایات اسلامی می خوانیم حدیثی از ابن عباس که پیامبر (صلی الله

۱- آیه ۱۷۱ سوره نساء

۲- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی ج ۴ ص ۳۲۹

عصر ظهور

علیه و آله) جمعی از یهود را به دین اسلام دعوت کرد و آنها را از مجازات خدا بیم داد و گفتند: چگونه ما را از کیفر خدا می ترسانی در حالی که ما فرزندان خدا و دوستان خدا هستیم»^۱

« در سوره مائده در آیه ۲۰-۲۶ خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) می فرماید: برای زنده کردن روح حقشناسی در یهود، و بیدار کردن وجدان آنها در برابر خطاهائی که در گذشته مرتکب شدند، تا به فکر جبران بیفتند، نخست چنین می گوید.

« به خاطر بیاورید زمانی را که حضرت موسی (علیه السلام) به پیروان خود گفت: ای بنی اسرائیل نعمت هایی را که خدا به شما ارزانی داشته است فراموش نکنید»

(و اذا قال موسی لقومه اذکرو نعمه الله علیکم)

نخستین نعمت بر قوم بنی اسرائیل (قوم یهود) وجود پیامبران و رهبران فراوان در میان آنها است که خداوند در زمان حضرت موسی (علیه السلام) هفتاد پیامبر وجود داشت که بزرگترین موهبت الهی درباره قوم بنی اسرائیل بود که تمام هفتاد نفری که با حضرت موسی به کوه طور رفتند در زمره پیامبران قرار گرفتند.

در پرتو این نعمت بود که از دره هولناک شرک و بت پرستی و گوساله رستی رهایی یافتند و از انواع خرافات و موهومات و زشتی ها و پلیدی ها نجات پیدا کردند و این بزرگترین نعمت معنوی در حق آنها بود.

سپس به بزرگترین موهبت مادی که به نوبه ی خود مقدمه مواهب معنوی نیز می باشد اشاره کرده، می فرماید: شما را صاحب اختیار جان و مال و زندگی خود قرار داد.

زیرا قوم بنی اسرائیل سالیان دراز در زنجیر اسارت و بردگی فرعون و فرعونیان بودند و هیچ گونه اختیاری از خود نداشتند و با آنها همچون حیوانات اسیر معامله می شد، خداوند به برکت قیام موسی بن عمران زنجیرهای بردگی و استعمار را از دست و پای آنها گشوده و آنها را صاحب اختیار هستی و

۱- تفسیر فخر رازی ج ۱۱ ص ۱۹۲

عصر ظهور

زندگی خود ساخت. به طور کلی از آیه قرآن نتیجه می‌گیریم، با نعمت‌های متنوع، از جمله نجات معجزه آسا از چنگال فرعونیان و شکافته شدن دریا بر آنها و استفاده کردن از غذای مخصوصی بنام (من و سلوی) که در آیه ۵۷ سوره بقره آمده و ورود بنی اسرائیل به سرزمین مقدس که خداوند مقرر داشت وارد شوند. منظور از سرزمین مقدس تمام منطقه شامات می‌باشد، که بعضی دیگر معتقدند سرزمین بیت المقدس و بعضی از شام و بعضی دیگر اردن یا فلسطین یا سرزمین طور، می‌دانند، اما بعید نیست که منظور از سرزمین مقدس تمام منطقه شامات باشد، زیرا این منطقه به گواهی تاریخ مهد پیامبران الهی و سرزمین ظهور ادیان بزرگ و در طول تاریخ مدت‌ها مرکز توحید و خداپرستی و نشر تعلیمات انبیاء بوده و به همین جهت نام سرزمین مقدس برای آن انتخاب شده است.

اما چون بنی اسرائیل قوم ترسو و فاسق و کفر بود. از دستورات پیامبر خودشان حضرت موسی پیروی نکردند فقط دو نفر از بنی اسرائیلی‌ها به نام (یوشع بن نون) و (کالب بن یوفنا) بوده‌اند که از نقبای دوازده گانه بنی اسرائیل محسوب می‌شدند که از خدا می‌ترسیدند و از غیر خدا وحشتی نداشتند، خداوند نعمتش را بر آنها ارزانی داشته بود و به حضرت موسی پیشنهاد کردند. که وارد شهر مقدس شوند و دشمنان را غافلگیر نمایند. چون خیلی اعتماد به سخنان حضرت موسی (علیه السلام) داشتند.

ولی بنی اسرائیل هیچ یک از این پیشنهادها را نپذیرفتند. و به خاطر ضعف و زبونی که در روح و جان آنها لانه کرده بود، صریحاً به موسی خطاب کرده، گفتند.

« ما تا آنها در این سرزمین‌اند هرگز و ابداً وارد آن نخواهیم شد. تو و پروردگارت که به تو وعده پیروزی داده است بروید و با مردمان آن سرزمین بجنگید هنگامی که پیروز شدید به ما خبر دهید.»

در اینجا حضرت موسی به کلی از جمعیت مایوس گشت و دست به دعا برداشت و جدائی خود را از آنها با این عبارت تقاضا کرد.

عصر ظهور

« پروردگارا! من تنها اختیاردار خود و برادرم هستم، خداوندا! میان ما و جمعیت فاسقان و متمردان جدائی بیفکن تا نتیجه اعمال خود را ببینند و اصلاح شوند.»

و خداوند دعای حضرت موسی را اجابت نمود و بنی اسرائیل نتیجه شوم اعمال خود را گرفتند، زیرا از طرف خداوند به موسی چنین وحی فرستاده شد که « این جمعیت از ورود در این سرزمین مقدس که مملو از انواع مواهب مادی و معنوی بود تا چهل سال محروم خواهند ماند و باید در بیابان‌ها سرگردان باشند و شما غمگین نباشید.»^۱

«از آیات فوق خداوند مسلمانان جهان را از همکاری با یهود و نصاری به شدت بر حذر می‌دارد، نخست می‌گوید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را تکیه‌گاه و هم‌پیمان خود قرار ندهید، زیرا آنها فاسقند.»^۲

«بنابراین پیروی از تعلیمات آسمانی انبیاء تنها برای سر و سامان دادن به زندگی پس از مرگ نیست، بلکه بازتاب گسترده‌ای در سرتاسر زندگی مادی انسانها نیز دارد، جمعیت‌ها را قوی، و صفوف را فشرده، و نیروها را متراکم، و نعمت‌ها را پر برکت، و امکانات را وسیع، و زندگی را مرفه، و امن و امان می‌سازد.

اما امروزه تفکر مادی و اندیشه‌های مادی متأسفانه در دنیای امروزه، بشریت، بر اثر انحراف از این نعمت‌ها به صورت سلاح‌های مرگبار و کشمکش‌های بی‌دلیل و کوشش‌های ویرانگر، نابود می‌گردد، دلیل زنده این حقیقت است، امروز حجم ثروت‌هایی که در جهت تخریب دنیا، که به وسیله سلطه‌گران و استعمارگران مخصوصاً (امریکای جهانخوار و اسرائیل غاصب) اگر درست بیندیشیم، بکار می‌رود، هرگاه بیشتر از ثروت‌هایی که در مسیرهای سازنده منحرف می‌شود، نباشد از آن هم کمتر نیست. امروزه مغزهای متفکری برای تکمیل و توسعه و تولید سلاح‌های جنگی و کشمکش‌های استعماری کار می‌کنند، و انسان‌های مظلوم و بی‌گناه را به خاک و خون کشیده‌اند، و به نسل‌کشی ادامه می‌دهند، نمونه بارز آن مردم فلسطین، افغانستان، بوسنی، عراق

۱- سوره مائده، آیه ۲۰ تا ۲۶

۲- تفسیر نمونه ج ۴ ص ۴۰۹ / سوره مائده، آیه ۵۱ تا ۵۳

عصر ظهور

و... آن کوردلان فکر می کنند، می توانند به خواسته های شوم خود برسند، و از قافله حق، عدالت، وعده الهی بی خبرند.

البته قبلا درباره شیوه استکبار جهانی در جلد اول عصر ظهور اشاره نموده بودم و در این دفتر همین اندازه کافی می باشد.

مطلب مهم اینست که در اسلام «نماز» رمز پیوند با خداست و «زکات» رمز پیوند با خلق خداست، بنابراین با برقراری پیوند محکم با خداوند و پیوند محکم با بندگان خدا و یاری نمودن آنها در مواقع مشکلات و گرفتاری مسلمانان در هر نقطه جهان باید به یاریشان شناخت. زیرا مسلمانان در پرتو نماز و نیایش با خدا ایمان خود را محکم و روحیه خویش را پرورش می دهند، و آماده هر گونه فداکاری و از خود گذشتگی می شوند. و به وسیله زکات شکاف های اجتماعی پُر می گردد، از جمله تهیه ابزار جنگی هنگام جهاد که آمادگی کافی برای مبارزه با دشمنان قرآن و اسلام خواهند داشت»^۱

اصحاب حضرت مهدی (علیه السلام) به تعداد اصحاب بدر

«اصحاب حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به تعداد اصحاب بدر می باشد. و برای آنها شمشیرهاست، بر هر شمشیری کلمه ای نوشته شده که مفتاح هزار کلمه است.» منظور شمشیرهای آسمانی می باشد که در زمان ظهور حضرت از آسمان فرود می آیند. برای یاری حضرت و نابودی دشمنانش. که بر شماره اصحاب طاولوتند که با او از نهر گذشتند. وقتی آنان که در رکاب آن حضرت تابع او شدند. مقام سابقون رسند و در گرد مقام حضرت ولیعصر «باب الله» «دیان» و «خلیفه الله» و «ناصر (حق الله) و (حجه الله) و «دلیل الله» است، خواهند بود.

حضرت مهدی (علیه السلام) مظهر رسول الله است؛ و به مقتضای خصوصیت خاتمیت که در رسول اکرم (صلوات الله) و آن حضرت است، یعنی ختم نبوت و ختم وصایت، و همچنین اینکه فتح دین به رسول اکرم (صلوات الله) و ختم آن به مهدی موعود (عجل الله) است، در آن حضرت خصوصیات جمعی و

۱- سوره نساء آیه ۷۷ / تفسیر نمونه ج ۴ ص ۷۶ و ۷۷

عصر ظهور

روحی و رسمی خاتم ظهور کرده است. ظهور آن حضرت روز عاشورا است؛ حضرت مهدی کلمه الله است. زیرا به درجه صدق و عدل رسیده و کلمه تاّمه خدا گشته است. حضرت مهدی قیام می کند بر سر او ابری سایه گسترده و در آن ندا داده می شود؛ این مهدی است که خلیفه الله است؛ او را پیروی کنید. دشمنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند در حالی که خدا نور خود را کامل می کند و لو کافران نپسندند. و هر که مظلومانه و بی گناه کشته شود، حضرت ابا عبدالله (علیه السلام)، برای او ولی و وارث او حق قصاص است.^۱

سرود عدالت

در کام دوستان تو ای، خضر رهنما
آب حیات جز ز لبت خشگوار نیست
ای صبح روشن از افق معدلت در آی
ما را زیاد طاقت این شام تار نیست
غیر از حدیث عشق تو، ای لیلی قدم
مجنون حُسن روی ترا کار و بار نیست
غیر از طواف موی تو ای کعبه‌ی مُراد
هیچ آرزو، در این، دل امیدوار نیست
ای طاق ابروی تو مرا قبله‌ی نیاز
مستی فزا که طاقتم از هوشیار نیست
عمرم برفت در طلب مهدی زمان
این گلشن دو روزه مرا سازگار نیست

مدعیان دروغین عصر غیبت حضرت

«برخی از افراد حون آشام و ستمگر مانند مهدی عباسی، ابو مسلم خراسانی، عبیدیان

۱- مجله ویژه امام زمان شماره ۱۲ ص ۱۰

عصر ظهور

و برخی دیگر، خود را به عنوان مهدی موعود معرفی کرده‌اند و از سویی دیگر، برخی از افراد جاه‌طلب و حيله گر، از اعتقاد «مهدویت» سوء استفاده کرده و به دروغ خود را «مهدی موعود» معرفی نموده‌اند و دیگر از مدعیان دروغین منصور حلاج، شلمغانی هر چند این رشته دو سوی دراز داشته و پیوسته در همه‌ی عصرها و زمان‌ها چنین افرادی بوده و هستند چه در عصر حضور حضرات معصومین (علیهم السلام) و چه در روزگار غیبت صغری و چه در زمان غیبت کبری و همواره شیادانی شیطنت می‌کنند و مانع راه حق می‌شوند و باطل‌گرایان حق‌نهایی در گوشه و کنار در مقام اغوا و گمراهی خلاق برمی‌آیند. امید است با فرج آقا، انسانهای فلک‌زده و آفت‌رسیده که عمری در جهالت و نادانی سپری کرده و انسان‌های صادق و مظلوم را فریب داده‌اند به سزای عمل خویش رسند (انشالله)»^۱

«ناگفته نماند چون در عصری زندگی می‌کنیم که نیازی به ظهور آن وجود مقدس است؛ زیرا حيله‌ها بسیار شده و پراکنده گردیده، هرج و مرج در سراسر جهان واقع شده، فساد و تباهی در زمین فراوان گشته و خشکی و دریا را زیر پوستش گرفته (فساد عالم گیر شده) و تباهی جهانی گردیده و بیشتر اصلاح‌طلبان بیش از دیگران در منجلاب فساد فرورفته‌اند. حيله‌ها از ناحیه‌ی آنانی که هیچ انتظار نمی‌رود، بیشتر ظاهر و آشکار می‌شود و هیچ نقطه‌ی امن و امان و محل شکوه و عرض حال و جایگاه رسیدگی به جرم و عصیان و ظلم و عدوان باقی نمانده است.

آری، اگر کسی خود را خادم معرفی می‌کند، مقصودش خیانت بیشتر و اگر پاسبان می‌انگارد، بیشتر سرقت می‌کند. هر چه بیشتر قلم باریک‌تر می‌گردد، نیش ظلم و فساد پهن می‌شود و هر چه صدانازک‌تر می‌گردد، تباهی و بیداد ضخیم‌تر.»^۲

این چه شور است که در دور قمر می‌بینم

همه آفاق پر از فتنه و شر می‌بینم

ابلهان را همه شربت ز گلاب و قند است

قوت دانا همه از خون جگر می‌بینم

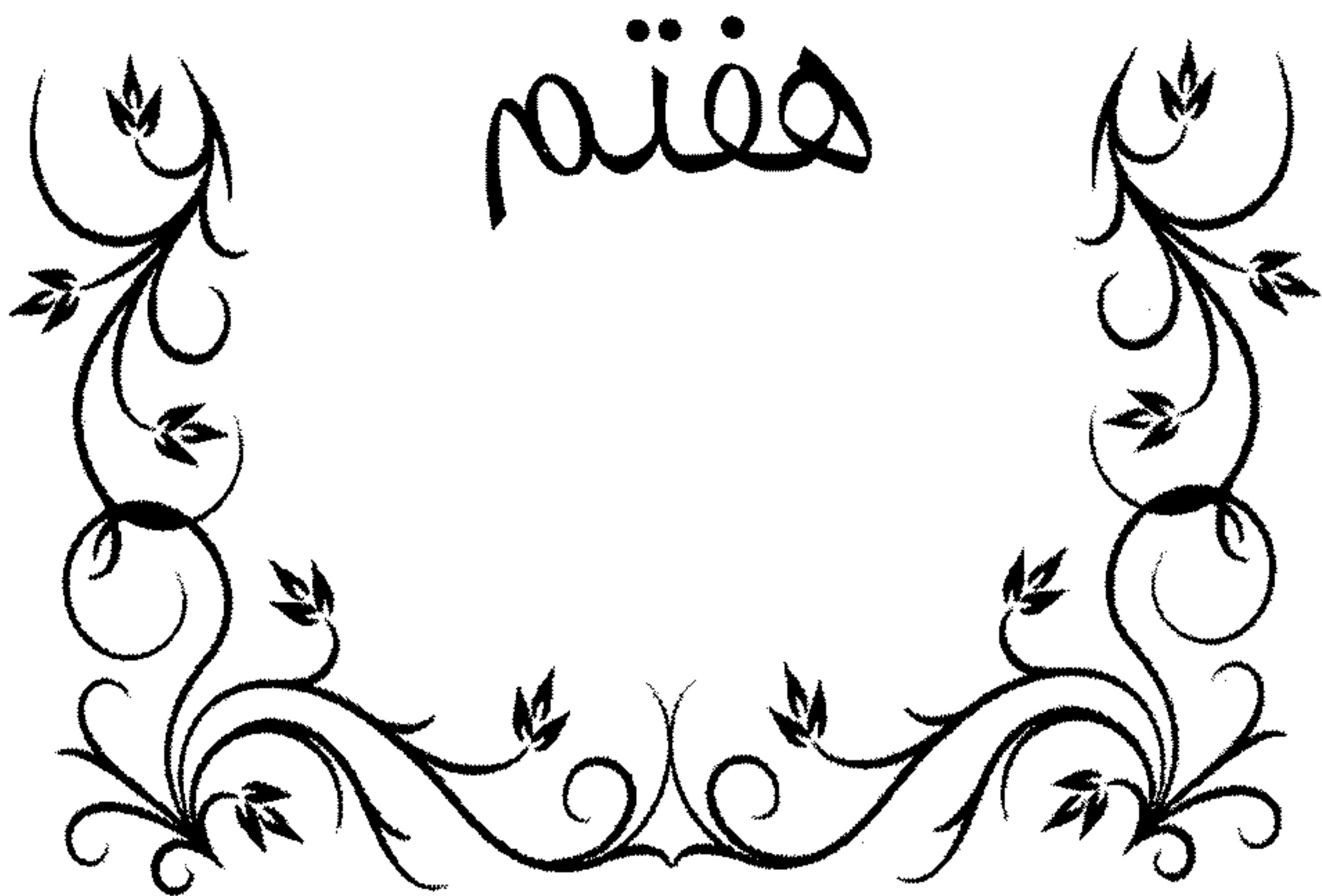
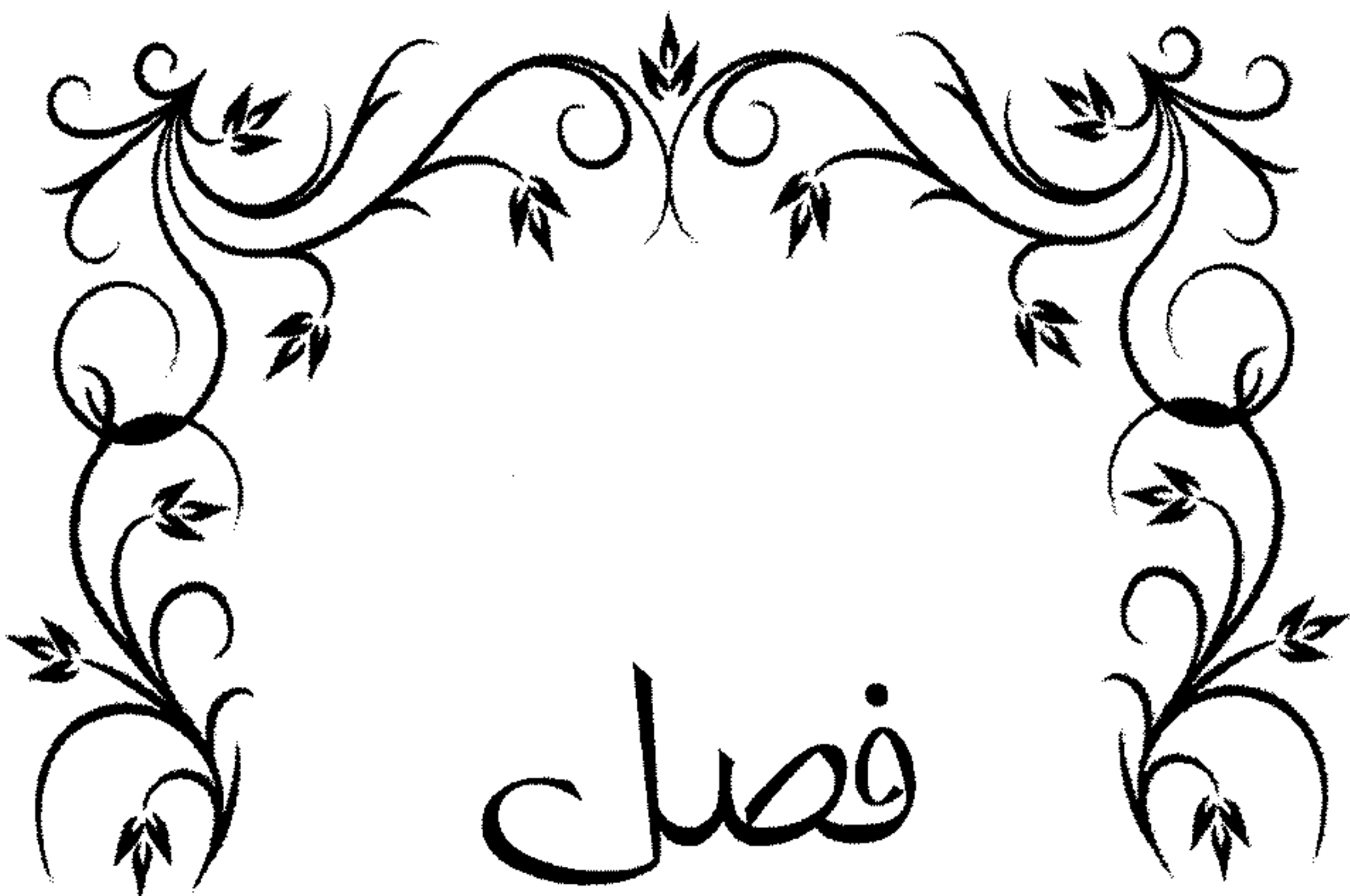
هر کسی روز بهب می‌طلبد از ایام

علت آن است که هر روز بتر می‌بینم»^۳

۱- آخرین سفیر و مدعیان دروغین ص ۲۲ و ۲۳

۲- همان

۳- سفینه حافظ، غزل ۵۱۰



پیر نشدن حضرت به خاطر استفاده از طعام بهشتی و از چشمه حیات می باشد
« چون برای حضرت عیسی (علیه السلام) طعام بهشتی بوده (مائده آسمانی) و خداوند برای حضرت مریم و عیسی مسیح میوه های بهشتی می آورد. بنابراین حضرت اباصالح (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روزگار غیبت، تغذیه ی آن حضرت از مواد خوراکی عالم ماده که پی آمدها و تبعات بسیاری دارد، نیست. بر این اساس، گذشت زمان پیری به حضرتش عارض نمی کند، بیماری و آسیب به وجود شریفش نمی رسد؛ عوارض و آثاری که معلول بهره گیری از مواد عالم ماده است به سراغش نمی آید؛ عمر طولانی و عاری از مریضی و بیماری و ضعف و ناتوانی پیوسته با حضرتش همراه اوست.

وقتی در قرآن شریف، نزول مائده بهشتی در محراب بیت المقدس برای حضرت مریم مادر عیسی (علیه السلام) آمده باشد: تا در عصر ظهور موفور السرور توفیق نمازگزاری با او نصیبش می شود هیچ استبعاد و تعجیبی ندارد»^۱
(ابوالصلت) هروی گوید: از حضرت امام رضا (علیه السلام) علائم نشانه حضرت قائم (علیه السلام) را در زمان ظهور پرسیدم. فرمود: « نشانه اش این است که در من پیری است؛ ولی در حضرت قائم چون نگری جوان منظر است، در دیده ها بُرنا و جوان می نماید تا آن جا که کسی به او می نگرد گمان می کند حضرتش چهل سال یا کمتر دارد و از علائمش این است که با گذشت روزها و شبها بر او، پیری به سراغش نمی آید تا اجلس فرا رسد» منظور از این حدیث چون حضرت از طعام بهشتی استفاده می نماید پیر نمی شود.^۲

آمادگی جهانی زمینه ظهور حضرت در تعجیل فرج آقا

جهان قطعا برای ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان (خاتم الاوصیا) و منجی عالم بشریت و کسی که در کره زمین اسلام را بر تمامی دین پیروز بگرداند، زمینه و آمادگی جهانی لازم است. از این

۱- سوره آل عمران آیه ۳۷

۲- کمال الدین ج ۱۲ ص ۶۵۲ باب ۵۷

عصر ظهور

و استاد مطهری می‌باشد که از قرن سوم تا کنون، «فقه» یک حیات مستمر داشته و هرگز قطع نشده است و حوزه های فقهی بدون وقفه در این یازده و نیم قرن دایر بوده و رابطه شاگرد و استاد هرگز قطع نشده است. منظور از قرن سوم (آغاز غیبت صغری) تا (عصر غیبت کبری) می‌باشد و فقهای همانند شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی و دیگر فقه های اسلامی در تمام زمینه‌ها آثار علمی بسیار گرانبهایی را برای ما به ارث گذاشته‌اند.

فقه شیعه در عصر حاضر نیز تدام همان مکتب پویا و متکامل «شیخ مفید» است و از همان پویائی و شکوفائی و رشد برخوردار می‌باشد. مبارزه سیاسی علمای عصر غیبت حضرت چه در فعالیت درون مرزی و چه فعالیت بیرون مرزی، حفظ وحدت کلمه امت اسلام و جامعه‌ی شیعی از راه تبلیغ این وحدت و مبارزه با هرگونه تفرق گرائی توسط گروه‌های افراطی متعصب و متحجر و مبارزه با نفوذ و تهاجم فرهنگی غرب و تلاش برای بیرون آوردن خود باختگان، از غرب زدگی یا شرق زدگی از راه مبارزه با حرکت تبشیری مسیحی و استشراقی و حرکت‌های الحادی و ضد اخلاقی (ولابالی گری) که تماماً زمینه را برای سلطه سیاسی و فرهنگی بیگانگان فراهم می‌کنند. مبارزه با استعمارگران در نقاط مختلف کشورهای پهناور اسلامی، مبارزه با دو ابر قدرت شرق و غرب مبارزه با ابر قدرتی استکبار جهانی (مخصوصاً امریکا و انگلیس) و به خاک مالیدن جبروت و باطل کردن افسانه شکست‌ناپذیر بودن ابر قدرت‌ها»^۱

وظایف محبان و منتظران حضرت و شناخت قلبی و معنوی به آن

انشا الله نام ما در دفتر بقیه الله اعظم ثبت شود، و از منتظران واقعی آن حضرت قرار بگیریم. امید آنکه احیاگر نهضت خونین کربلا و نگهبان مکتب مقدّسش باشیم، مخصوصاً در عصری زندگی می‌کنیم، که متعلق به خود امام زمان می‌باشد. و دشمنان از آگاهی و بیداری مسلمانان سخت آشفته و نگران می‌باشند، و به قتل عام انسان‌های محروم و زجر کشیده که در برابر استکبار

۱- کتاب تاریخ عصر غیبت

جهانی، با ایثارگری و فداکاری‌های خود با نقش شوم آنان مبارزه می‌کنند و انسان‌هایی که در خواب غفلت بسر می‌برند با ریختن خون پاک خودشان و افشا نمودن چهره‌های جدید استکبار جهانی را آشکار می‌سازند و درخت کفر رو به خشکی و نابودی می‌باشد و بر خلاف آروزهای شوم استکبارگران و طرفداران به ظاهر اسلامی که می‌خواهند با ادامه دادن نسل‌کشی، ترس، وحشت و تفرقه در میان کشورهای اسلامی، بمباران نمودن اماکن ائمه اطهار، و مساجد و به شهادت رساندن زائرین سید الشهداء و زائرین خانه خدا و غیره...

ولی کوردلان از آن غافلند که قافله سالار این کاروان عظیم جهانی خود حضرت ولیعصر (علیه السلام) می‌باشند و کشتی‌های طوفان‌زده جهل و نادانی کفر، همه در گِل فرو رفته‌اند و از اسرار الهی بی‌خبرند، که کشتی علم و فضیلت، عدالت در راه می‌باشد با پرچم نصر من الله و فتح الغریب.

آری، حضرت پیروان خدا را ندای کند. وظیفه هر فرد مسلمان است که با یاری خداوند خود را به این کاروان رساند و در خلوتگاه عشق به راز و نیاز پردازد و در تمام لحظات زندگی‌اش از حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) غافل نباشد. و با کارهای شایسته و خداپسند خود قلب حضرت را مسرور سازد، و با او همدم و همدرد باشد. تا به شناخت کامل حضرت راه پیدا نماید. توسط قلب و چشم قلبش حقایق را بهتر درک نماید و فکر و اندیشه خود را از مادیات دنیوی سلب سازد و به معنویات توجه داشته باشد. و به دعا نمودن برای فرجش و برای اصلاح نمودن کارهای حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همچون (پیامبران) خداوند تبارک هر چه زودتر اصلاح نماید. تا جهان در امنیت و عدالت قرار گیرد. انشا الله.

«دل وصل تو می‌خواهد و دل خواست همین است
چیزی که مرا از تو تمناست همین است
ما از دو جهان چشم به رخسار تو داریم
کان قبله که منظور نظرهاست همین است»^۱

خشونت های غرب مسیحی در عصر حاضر

مستکبران عالم هر روز به جهان اسلام حملاتی می نمایند و تهمت ها و توهین هایی به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) و جهان اسلام و مهدویت نسبت می دهند. فیلم فتنه و غیر از آن، اولین حملات و توهین های مستکبران به عالم اسلام نبوده و آخرین هم نیست. به این بهانه، سخنان پاپ که مانند صهیونیست بین المللی به اسلام و پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) توهین نموده است. خشونت هایی که به وسیله ی دولت های مسیحی با همکاری و هماهنگی پاپ ها و دستگاه روحانیت مسیحی در این صد سال اخیر رخ داده است اشاره می کنیم:

۱- خلافت عثمانی که یک حکومت فراگیر اسلامی بود و تقریباً بر تمام کشورهای اسلامی فرمان می راند. ولی با مداخله های استعمارگران و احیای تهمت های استعمارگران و احیای تهمت های قومی و دسیسه های دیگر، این امپراتوری اسلامی را به قیمت جنگ های خونین متلاشی کردند تا زمینه را برای اقدامات بعدی خود هموار سازند و در حقیقت متلاشی ساختن این امپراتوری با هماهنگی همه کشورهای غربی (اروپائیان) صورت گرفت.

۲- اشغال سرزمین های اسلامی پس از فروپاشی خلافت عثمانی از عراق گرفته تا الجزایر و گماردن حکومت های دست نشانده خود در آنجا که پیوسته مجری فرمان های آنها و سرکوب مسلمانان باشند.

۳- تأسیس دولتی به نام اسرائیل، فرزند ناخلف آمریکا، در دل کشورهای اسلامی با حمایت سازمان ملل و شورای امنیت و بازگذاشتن دست آنان در انواع جنایات ضد مسلمانان و بیرون راندن میلیون ها مسلمان بومی فلسطین که به مدت پنجاه سال آوارگی در اردوگاه های مختلف در بیرون از خاک خود زندگی می کنند و چشم امید به بازگشت وطن خود دارند و ادامه دادن به نسل کشی و هزاران جنایت دیگر.

۴- نسل کشی در بوسنی در اواخر قرن بیستم بر همگان روشن است که چگونه یک دولت مسیحی به نام صربستان، مسلمانان را به صورت دست

جمعی کشته و به خاک سپرده‌اند، و هرگز در برابر آنان متأسفانه جناب پاپ هیچگونه عکس‌العملی از خود نشان نداد.

۵- اهانت مکرر و معظم به ساحت مقدس پیامبر اسلام از طریق مطبوعات و غیره.

۶- ایجاد حق و تو برای قدرت‌های مسیحی در شورای امنیت، به گونه‌ای که یک دولت مسیحی می‌تواند تمام مصوبات دول جهان را خنثی سازد.

۷- ایجاد و تقویت گروه‌های الحادی و دین‌های نو ظهور و انحرافی در جهان اسلام برای فتنه‌انگیزی مانند بهائیت در شیعه و قادیانیه در سنی که هدفی جز مشغول کردن مسلمانان به خود، در بر ندارد.

۸- سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی از مسلمانان در اروپا به بهانه مبارزه با تروریسم تا آنجا که مساجد و معابر آنها تحت کنترل قدرت‌های مسیحی قرار گرفته و همه حرکت‌های آنان تحت نظر در آمده است. و آنها را تحت فشار قرار داده تا از عقاید دینی جلوگیری به عمل آورده و می‌گویند شما نباید ارزش‌های غربی را زیر پا بگذارید.

۹- برای ایجاد اختلاف در میان ملل اسلامی، پیوسته قوم‌گرایی را ترویج نموده، تا از قدرت آن دولت‌های اسلامی بکاهند و آنها را به جنگ‌های داخلی سرگرم نمایند. همه اینها نوعی ایجاد خشونت و دامن زدن به آنها است که حتی در «دارفور» که امروزه مورد بحث مطبوعات و رسانه‌هاست یک گروه مسیحی در بخشی از خاک سودان که از طرف غربی‌ها مورد حمایت قرار گرفته، پیوسته می‌خواهند آن را از سودان اسلامی جدا سازند.

۱۰- طرح مسأله (اتگراسیون) یعنی یکسان‌سازی فرهنگی همه مسلمانانی که در غرب (اروپا) زندگی می‌کنند، با فرهنگ غرب، شامل پذیرش مسائل مختلف و با فرهنگ و عقاید اسلامی ناسازگار است، از خشونت‌های مدعیان مسیحیت می‌باشد.

۱۱- امروزه نویسندگان غربی مهم‌ترین مظهر تروریسم در اسلام را (القاعده) و (طالبان) می‌شمارند، در حالی که همه افراد آگاه می‌دانند که این دو فرقه

عصر ظهور

ساخته و پرداخته غرب برای اخراج ارتش شوروی از افغانستان هستند که غربی‌ها از طالبان حمایت می‌کنند و در مطبوعات خود بنویسند اسلام و پیامبر اسلام به ترور و تروریسم متهم سازید.^۱

خشونت های یهودیان در عصر حاضر و در زمان ظهور آن حضرت

(تاریخ یهودیان بعد از حضرت موسی تا پایان زندگانی آنها بدین صورت خلاصه می‌شود که آنها در جامعه فساد نموده تا آن که هنگام مجازاتشان فرا رسد و خداوند افرادی را از ناحیه خود برمی‌انگیزد که بر آنان چیره خواهند شد.

خداوند اموال و اولاد به یهودیان عطا نموده و طرفدارانشان را در جهان افزود، اما یهودیان از این نعمت‌های بزرگ خداوند بطور صحیح بهره‌برداری نمی‌نمایند، بلکه سوء استفاده نموده و اشتباهات خود پرستی را تکرار می‌نمایند و در روی زمین فساد به بار می‌آورند، گرفتار خوی تکبر و برتری طلبی (نژاد پرستی) شده و خودشان را بسیار بهتر و برتر از سایر مردم می‌پندارند و زمانی که وقت کیفرشان فرا می‌رسد خداوند چهره های پلید آنان را آشکار و آنها را رسوا می‌سازد.)

(یهودیان همیشه انتظار مسیحا را می‌کشیدند و می‌کشند. وقتی دیدند که خبری از وی نیست، خود دست به کار شدند تا عوامل ظهور وی را مقدمه چینی کنند. بزرگان یهود با تلاشی بسیار توانستند یهودیان را به این کار راضی کنند. چون یهودیان اعتماد داشتند که نباید کاری انجام داد و این کار مغایر با آموخته‌های خود می‌دانستند، بعد از راضی شدن یهودیان، صهیونیسم پا به عرصه‌ی وجود نهاد. با حمایت و پشتیبانی کشور امریکای جهانخوار و دیگر کشورهای اروپایی از جمله انگلیس و... و با کمک گروه‌های تندروی یهودی اعلام کردند که برای ظهور مسیحا، باید بیت المقدس نابود شود و معبد سلیمان را ساخت، تا مسیحا ظهور کند...

۱- ویژه‌نامه مجله امان شماره ۱۲ ص ۲۰ و ۲۱

الان هم نتیجه‌ی این آسیب، قضیه‌ی فلسطین می‌باشد. البته همه‌ی یهودیان با قضیه‌ی فلسطین موافق نیستند و با آن به مخالفت هم می‌پردازند.

در کتاب بحار الانوار، از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که وقتی حضرت آیه‌هایی که در قرآن درباره یهود آمده را قرائت فرمودن، از حضرت سؤال نمودند: فدایت گردیم آنها چه کسانی هستند که در آخرالزمان بر علیه یهودیان قیام خواهند کرد. حضرت فرمود اهل قم که یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) هستند که خداوند آنان را برای زمینه سازی ظهور آن بزرگوار برمی‌انگیزد و بطوری که روایات دلالت دارد، به هنگام ظهور تعدادی از اصحاب خاص ایشان در بین آنها وجود دارند. علاوه بر اینکه مقاومت یهودیان در مقابل این مردم و مسلمانان هواداران آنان در چند نوبت انجام می‌گیرد، تا آنکه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) ظهور کند که نابودی نهائی یهودیان را به رهبری وی و بدست باکفایت او، ارواحنا فداء خواهد بود.^۱

بنابراین از آیه های قرآنی نتیجه می‌گیریم که خداوند همیشه آتش جنگ یهودیان را در تمام زمان‌ها فرونشانده و خاموش گردانیده؛ آنان سعی در ایجاد فساد در زمین دارند و خداوند فساد کنندگان را دوست ندارد.

و حضرت علی (علیه السلام) درباره یهودیان می‌فرماید. حضرت رسول فرموده آیا شنیده‌اید نام شهری را که بخشی از آن درون دریاست؟ عرض کردند آری، فرمود: قیامت به پا نمی‌شود مگر آنکه هفتاد هزار تن از فرزندان اسحاق به شهر یورش می‌برند.^۲

و حضرت امیر المؤمنان (علیه السلام) فرمود. در مصر منبری را بنا نموده و دمشق را قطعاً تخریب خواهم کرد و یهودیان را از شهرهای عربی بیرون می‌رانم و با همین چوب اعراب را خواهم راند، [در قلمرو حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف)]^۳

۱- بحار الانوار ج ۶۰ ص ۲۱۶ / سوره اعراف آیه ۱۶۷ و ۱۶۸ / سوره مائده آیه ۶۴

۲- مستدرک ج ۶ ص ۴۷۶

۳- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۶۰

نقش ادیان های دیگر در زمینه ظهور حضرت

در بیشتر ادیان الهی از ظهور منجی در آخرالزمان یاد شده است. ظهوری که با خود عدل و داد و خیر و خوبی به همراه دارد. ظهوری که باعث نابودی اهل باطل می شود. ظهوری که قانون مقدس الهی را در جهان حاکم می کند.

در کتاب «اوستا»، «زند» زرتشتیان، در «شاکمونی»، «دید» هندیان، در «دادتک»، «پاتیکل» برهمایان و در کتب مقدس بوداییان، در مزامیر «زبور»، منسوب به حضرت داوود و در فصول «تورات» منسوب به حضرت موسی و اسفار «انجیل» منسوب به حضرت عیسی و... سخن از ظهور منجی بشریت و مصلح کل و برهم زننده بساط ظلم و ستم و تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی مبتنی بر پایه های عدالت نوید داده شده است و همچنین در هر آئین نامی را به او اختصاص داده اند.

در آئین زرتشت از او به نام «سوشیانت» یا «سوشیانس» (نجات دهنده بزرگ جهان)، در میان یهودیان به نام «ماشیع» (مهدی بزرگ)، در آئین هندی به نام «آواتارا»، در آئین بودایی به نام «بودای پنجم»، در میان برهمایان به نام «ویشنو»، در کتاب شاکمونی از کتب مقدس هندیان به نام «فرزند سید دو جهان» و در کتاب مقدس دادتک برهمایان به نام «آخرین وصی ممتاط» (محمد) و در کتاب «پاتیکل» به نام «راهنما» (هادی، مهدی) تعبیر نموده اند.

و اهالی صربستان در انتظار «مارکو کرایشیچ»، ایرانیان باستان در انتظار «گرازاسپه»، یونانیان در انتظار «کالویبرگ»، اقوام اسکاندیناوی در انتظار «اودین»، اقوام اروپایی مرکزی در انتظار «بوخص»، اقوام آمریکای لاتین در انتظار «کوتزلکوتل» و چینی ها در انتظار «کرشنا» به سر می برند.

زرتشتیان و اندیشه انتظار

ایرانیان باستان معتقد بودند که «گرازاسپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» خوابیده، و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار

شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

گروهی دیگر از ایرانیان می‌پنداشتند که «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروایی، دیهیم پادشاهی به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند. در هزاره گرای زرتشتیان، انتظار ظهور سه منجی از نسل زرتشت مطرح است. این اصلاح طلبان، یکی پس از دیگری جهان را پر از داد خواهند کرد. «هوشیدر»، هزار سال پس از زرتشت، «هوشیدرماه»، دو هزار سال پس از وی و «سوشیانس» سه هزار سال پس از صاحب اوستا خواهد آمد و با ظهور او جهان پایان خواهد یافت.

جاماسب حکیم در کتاب جاماسب نامه، به نقل از زرتشت جزئیات ظهور سوشیانس را می‌آورد: «مردی بیرون آید از زمین تازیان، بر آیین جد خویش با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند. سوشیانس «نجات دهنده بزرگ» دین را به جهان رواج دهد، فقر، گرسنگی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار گرداند.» زرتشت در جای دیگر فرموده است: «هنگامیکه سزای این گناهکاران فرا رسد پس آنگاه ای مزدا کشور تو را «بهمن» در پایان برپا کند خواستاریم از آنانی باشیم که تازه کنند آری آنگاه به کامیابی به کامیابی جهان دروغ را شکست از پی رسد.»^۱

چنانچه از این پیشگویی بدست می‌آید سرانجام جهان بدست فردی به نام بهمن، که در فرهنگ دینی زرتشتیان مظهر قدرت و توانایی خداوند است، از آلودگی پاک خواهد شد. مجرمان به مجازات خود می‌رسند و دروغ و نادرستی شکست خورده رخت از جهان برمی‌بندد و خلاصه در یک کلام نظام الهی در زمین برپا می‌شود. در پایان نیز می‌بینیم که زرتشت نیز خود از خداوند درخواست حضور در آن دوره نورانی را می‌نماید. این آینده درخشان در قسمتی دیگر از سخنان زرتشت با تکیه روی موضوع انتظار و نیز برپایی نظام الهی مورد تاکید قرار گرفته آنجا که آمده است: «کی ای مزدا بامداد روز

۱- اوستا نسخه ترجمه آقای پور داوود بخش گاتها ص ۳۴

عصر ظهور

فراز آید جهان دین راستین فراگیرد؟ کیانند آنان که بهمن به یاریشان خواهد آمد؟^۱

در کتاب زند از کتب مقدسه زرتشتیان درباره عاقبت جهان به این صورت بحث شده است: «آنگاه از طرف اهورا افراد به ایزدان یاری می‌رسد، پیروزی بزرگ از آن ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند. بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان، به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست...» در کتاب زند و هوهومن لیسن از ظهور سوشیانس (نجات دهنده بزرگ جهان) خبر داده است: «نشانه‌های شگفت‌انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی دلالت می‌کند و فرشتگان از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می‌شوند و به همه دنیا پیام می‌فرستند.» اعتقاد به ظهور سوشیانس در میان ملت ایران باستان آن قدر ریشه‌دار است که در جنگ قادسیه پس از شکست‌های پی در پی ایرانیان یزدگرد سوم، رو به کاخ پرشکوه مدائن می‌کند و می‌گوید: «درود بر تو باد. من اکنون از تو روی بر می‌تابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور آن فرا نرسیده است بسوی تو بازگردم.»^۲

در یکی از کتاب‌های مذهبی زرتشتیان این گونه می‌خوانیم: «لشکر اهریمنان با یزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد. آن گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهد نشست.» همان گونه که پیداست، در آیین زرتشت اگر چه سوشیانس را از تبار زرتشت می‌داند، اما در حکایتی غیر متعصبانه منجی را متدین به آیین جد خویش دانسته، سرزمین اعراب را آغازگاه قیام معرفی می‌کند. در رویکرد پیروان اوستا به آخرالزمان نیز مانند هندوئیسم یک نگاه حکایت‌گرایانه به چشم می‌خورد. زرتشتیان ضمن آن که بر نبرد خیر و شر تأکید می‌کنند، اما به روشنی مرز آن‌ها را مشخص نمی‌سازد.

۱- همان ص ۹۸

۲- جاماسب نامه ص ۱۲۱ و ۱۲۲

یهودیان

یهودیان همیشه انتظار مسیحا را می کشیدند و می کشند. وقتی دیدند که خبری از وی نیست، خود دست به کار شدند تا عوامل ظهور وی را مقدمه چینی کنند. بزرگان یهود با تلاشی بسیار توانستند یهودیان را به اینکار راضی کنند. چون یهودیان اعتقاد داشتند که نباید کاری انجام داد و این کار را مغایر با آموخته های خود می دانستند. بعد از راضی شدن یهودیان، «صهیونیسم» پا به عرصه ی وجود نهاد.

گروه های تندروی یهودی اعلام کردند که برای ظهور مسیحا، باید بیت المقدس نابود شود و معبد سلیمان را ساخت، تا مسیحا ظهور کند و ... الان هم نتیجه ی این آسیب، قضیه ی فلسطین می باشد. توجه: البته همه ی یهودیان با قضیه ی فلسطین موافق نیستند و با آن به مخالفت هم می پردازند.

مسیحیان

بعد از عروج حضرت عیسی، به صلیب کشیده شدن طبق آموخته های مسیحیان، حواریون و کسانی که ادعای ارتباط با ایشان را می کردند، کتاب هایی درباره ی ظهور دوباره ی مسیح نوشتند.

در عالم رویا مکاشفه می کردند و هر کسی بنا به سلیقه ی خود آن را تغییر می داد. نتیجه باعث شد که کتاب مسیحیان تحریف شود و از واقعیت دور شود. الان هم سه کتاب تورات موجود می باشد.

مسیحیان آرمان های خود را تغییر دادند و حتی یهودیان در این کار دست بردند و بعضی از آرمان های خود به مسیحیت وارد کردند.

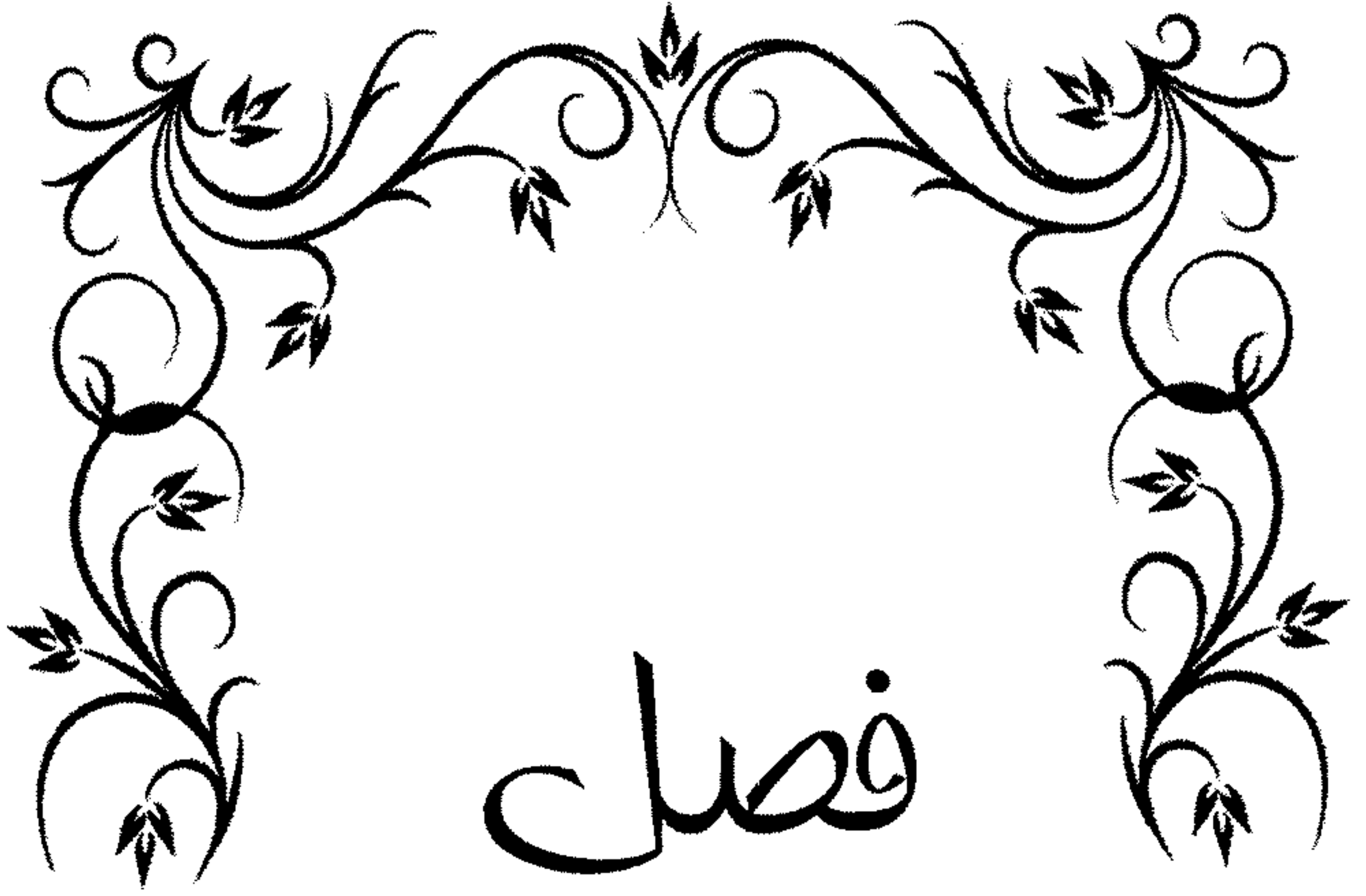
مسلمانان

خوشبختانه با وجود احادیث معتبر و اسناد موجود، اصل انتظار و ظهور دست نخورده باقی مانده است.

عصر ظهور

اما متأسفانه چون بیشتر از نظر احساسی و عشق و ارادت به این موضوع دیده می‌شود، امام زمان‌های قلبی و مدعیان دروغین به وجود می‌آید، حتی کسانی هم که با سواد بوده‌اند و مسئولیتی هم داشتند، فریب همچین رفتارهایی را می‌خورند. با این موضوع می‌توان نتیجه گرفت که در جامعه بیشتر اصل احساسی انتظار مورد توجه قرار می‌گیرد و هنوز به بحث کلاسیک و واقع‌گرایانه‌ی خود نزدیک نشده است.

بحث کلاسیک بیشتر به احادیث معتبر و روایات می‌پردازد که متداول‌ترین آن را می‌توان به پنج نشانه‌ی قبل از ظهور اشاره کرد که قبل از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) چه اتفاقهایی در جامعه و سطح جهان می‌افتد که باعث ظهور حضرت می‌شود.



هشتم



جهان قبل از ظهور (علائم و نشانه‌های ظهور حضرت ولیعصر (عج
الله تعالی فرجه الشریف))

«در جلد اول این کتاب یاد آور شدیم که نقطه ظهور حضرت از سوی مشرق است و چون آن هنگام فرا رسد، سفیانی خروج می‌کند. منظور از سفیانی (پسر ابوسفیان بنام های، ابقع، عیبیه، عنسبه، عتبه، معاویه، یزید، حنظله می‌باشد.) و آغاز مقدمه نهضت و زمینه ظهور آن حضرت بدست طرفداران سلمان فارسی، یاران درفش‌های سیاه انجام گرفته و نهضت آنان به دست مردی از قم به وجود می‌آید که از طوفانهای کارزار نمی‌هراسند و از نبرد خسته و افسرده نشده و وحشتی به دل راه نمی‌دهند و همواره توکل و اتکای آنها به خداوند است و از «ابر قدرتها» می‌خواهند که در امور سیاسی آنها دخالت نکنند و به مبارزات خود ادامه می‌دهند تا پرچم نهضت را به دست حضرت ولیعصر بسپارند و این دو پرچمدار (شعیب بن صالح و خراسانی، که جوانی گندم‌گون، با ریش کم پشت از اهالی ری می‌باشد، که به سمت فرماندهی کل قوای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) نائل می‌گردد.

در این موقع خروج سفیانی به مدت پانزده ماه طول می‌انجامد، شش ماه آن را به جنگ و کشتار پرداخته و با به تصرف در آوردن پنج منطقه، نه ماه کامل بر آن مناطق فرمانروائی می‌کند که برای کشتار مسلمانان یکصد و سی هزار نفر نیرو به کوفه اعزام می‌نماید، آنها در محلی بنام «روحاء» و «فاروق» فرود می‌آیند. آنگاه شصت هزار تن از آنان روانه کوفه شده و در محل مقبره حضرت هود (علیه السلام) در «نخلیه» منزل می‌کنند و دستور می‌دهد، هر فردی سر شیعه علی را بیاورد هزار درهم به او داده می‌شود، که در این هنگام است که همسایه به همسایه‌اش حمله‌ور شده و می‌گوید این شیعه علی است و او را گردن می‌زند. این آشوب‌ها به (فتنه‌ی غرب) معروف می‌باشد. که ویژگی‌های آن منطبق بر آشوب و فتنه‌ی غرب است که اثر آن را در طلیعه‌ی قرن بیستم بر

عصر ظهور

ملل مسلمان آشکار گشته و دشواریهای بسیاری را به دنبال داشته است. چرا که غریبان در داخل سرزمین مان با ما جنگیده و بر ثروتها، سرنوشت و امور ما مسلط می گردند و دشمنان شرقی ما با آنان همکاری [می نمایند].^۱

«که پیامبر اسلام در این مورد فرمود. چهار فتنه و آشوب بر امت من وارد می شود که در فتنه اول، و در فتنه دومی، خونها و غارت اموال و در فتنه سوم، خونها و اموال و زنان حلال شمرده می شود و در فتنه چهارمین فتنه و آشوب، کور و کر و همه گیر و هم چون حرکت کشتی در دریای متلاطم خواهد، به گونه ای که هیچ پناهگاهی نمی یابند،^۲ و در روایتی:

آن فتنه و آشوب، شام را احاطه کرده و عراق را می پوشاند، و جزیره را در هم می کوبد.

بعد از فتنه و آشوب گری غرب و مشرق، گروهی از مشرق و جمعی از مغرب آمده و بر امت من فرمانروائی کنند، پس وای به حال ضعیفان است من از دست آن ستم پیشگان و وای بر ستمگران از عذاب الهی، چرا که آنها نه به کوچک رحم نموده و نه حرمت بزرگ و پیر را نگاه می دارند و از هیچ کاری روی گردان نیستند و حتی با زیر پا گذاشتن نوامیس آنها. اندامشان اندام آدمیان، اما دلهایشان دلهای شیاطین است.^۳

«این روایت ارزشمند، از ارتباط دو جانبه بین استبداد داخلی و استعمار خارجی پرده برداشته و علت سلطه کفار شرق و غرب بر امت اسلامی راه فشار ستم و تجاوز حکام داخلی بر ملت های مسلمان در وجود جو اختناق و سلب آزادی های آنان می داند. که بخاطر انتقام جوئی و بهانه ی رهایی آنان از چنگ فرمانروایان جور پیشه، به جنگ و غارت کشورهای اسلامی اقدام می کنند. نمونه اش نظامیان آمریکایی، انگلیسی و... در افغانستان و عراق ادعا دارند که تنها به منظور آزاد کردن ملت های مسلمان به سرزمین آنان آمده اند و پیوسته جهت ادامه ی سلطه ی خود در سرزمین های اسلامی و دخالت در امور مسلمانها این ترفند را بکار می برند»^۴

«بطور کلی از این روایت متوجه می شویم با سلطه و چپاولگری غرب و شرق

۲- الملاحم و الفتن ص ۱۷ و غیر آن

۴- بشارة الاسلام ص ۲۵

۱- نسخه خطی ابن حماد ص ۱ و ۲

۳- ابن حماد ص ۹ / به نقل از روضه الواعظین.

عصر ظهور

در کشورهای اسلامی، آنقدر ظلم و ستم بیداد می کند که هیچ کس جرأت ندارد خدا را بخواند، به گفته پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) زمین آن چنان از ستم و جور آکنده شود که کسی قادر بر گفتن (الله و اذان نباشد و ظلم و ستم بر تمامی سرزمینهای اسلامی سایه افکند، به گونه ای که صدای مسلمانان در سینه ها خفه گردد و کسی نمی تواند مسلمانی خود را ابراز نموده و بگوید پروردگار ما خداست و یا اینکه خواستار پیاده نمودن احکام اسلام هستیم و بوجود آمدن نسلی در این زمان، بجز فتنه و آشوب و ستم و بی دینی چیزی نشناسد، و بدین صورت کفر تمام جهان را می گیرد.^۱

«به طوری که کسی نمی تواند لا اله الا الله بگوید. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: در این زمان رومیان و ترکان، به مخالفت برخاسته و جنگ و درگیری در روی زمین افزایش یابد که از نشانه های آخر الزمان می باشد.» یهودیان آن زمان در هر کجا و در هر زمان پشتیبانان ترکان می باشند و تا بتوانند آتش افروز جنگ ها می باشند. که در شرق پدید می آید، که ترکان شرقی، یعنی روسیه، علیه رومیان صورت می گیرد. به گونه ای که زمین پهناور بر مسلمانان تنگ آید و به اندازه ای زمین آکنده از ستم و جور شود که مؤمن جهت پناه بردن از ظلم و ستم، جایگاهی نمی یابد و از خانه و دیارشان آواره نموده و یا کشته می شوند مگر کسی که به اطاعت آنها تن در دهد در آن زمان مؤمن با تقوی به زبان با آنان سازگار و به دل از آنان گریزان است.»^۲

«و بعد از فتنه شرق و غرب بر ممالک اسلامی و گرسنگی، مرگ و کشتار، آوارگی، بلا، گرفتاری، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند. مشرکان، مسلمانان را به خدمت خویش گمارده و آنان را در شهرها به فروش می رسانند و هیچ نیکوکار و بدکاری از این عمل پروائی ندارد. این بلا و گرفتاری آن چنان گریبان گیر مردم آن روزگار شود که همه ناامید و مأیوس و بدبین شده و تصور کنند که گشایش بر آنان نیست که در این هنگام خداوند، با دو پرندگانی را بر رومیان مسلط می گرداند که با بالهای خود، پرستو یا افزارهایی مانند هواپیما که حضرت مهدی بکار می گیرد، بر گونه های آنان

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶۸ / بشاره الاسلام، ص ۲۸ از عقدر الدرر سلمی

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۸ / بشاره الاسلام ص ۲۹ از ینا بیع الموده

آنچنان ضربه می‌زنند که چشم‌هایشان نابینا گشته و زمین شکافته شده و آنها در خود فرو می‌برد و نور نبوت بر آنها تابیده می‌شود.^۱

«ناگفته نماند منظور از «بالها، هواپیما»، بادی که وزش آن نابود کننده و یا اینکه بادی است که از موج بمب‌های قوی و ضعیف ناشی می‌گردد که حضرت مهدی در کارزار با سفیانی و اعراب که طرفدار یهودیان و رومیان می‌باشد که برای آزادی قدس بکار می‌گیرد و خداوند متعال تمام بدعت‌ها را بوسیله او محو و نابود ساخته و تمام فتنه‌ها را از بین می‌برد و در هر حقی به وسیله او گشوده می‌شود و درهای باطل را می‌بندد و خداوند مسلمانان در بند را هر کجا که به سر برند توسط او به دیارشان باز می‌گرداند.»^۲

جهان بعد از ظهور حضرت

(در آخر الزمان که پیش از نفخه‌ی ثانیه در این عالم واقع خواهد شد که سبب ایجاد در تنیه غافلان و موجب صاحبان بصیرت می‌گردد. از جمله خروج دُجال و یاجوج و ماجوج و سایر مفسدین، بر طرف شدن دو ثلث مردم به مدت احمر و ایض و ظهور انواع بلاهای آسمانی، قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نزول حضرت عیسی (علیه السلام) و باریدن باران به مدت چهل شبانه روز برای روئیدن اهل قبور و قیامت صغری که رجعت مردگان است به دنیا و محاربه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با شیطان لعین که هرگز چنان محاربه واقع نگردیده قبل از ظهور حضرت قائم آشوب و فتنه‌هایی در سراسر جهان (جنگهای روانی - جنگهای قبیله ای و قومی و نژادی،...) آمدن قحطی به مدت سه سال که سال اول قحطی نیامدن باران و تلف شدن ثلث از محصولات سال دوم دو ثلث سال از محصولات و سال سوم قحطی کامل تمام موجودات عالم را می‌گیرد و در چنین حالی دُجال (علیه اللعنه) خروج کند از مشرق و خراسان و میان چشم، کافر نوشته شده که تا هر مرعومی بخواند و از ضمیر خبر دهد و عجایب بسیار نماید (سحر) اما هیچ مؤمنی و عاقلی به آنها فریفته نمی‌شود و با این شبهات نمی‌لغزد. مگر انسانهای گناهکار، فرو رفتن

۱- الملاحم الفتن ص ۱۲۹ / نسخه خطی ابن حماد ص ۵۳ و ۱۲۴

۲- نسخه خطی ابن حماد ص ۱۲۴

عصر ظهور

مردم به زمین در مشرق و جنوب، برطرف شدن دو ثلث مردم بر اثر بیماری و باد طاعون (عقوبت احمر و ابیض و اسد و موت احمر) و بسیاری از مردم بوسیله ظهور باد سیاه در بغداد تلف می‌شوند. ایجاد زلزله‌ای وحشتناک که اکثر اهل شهر بزمین فرو روند. ظهور کوكب دنباله‌دار از مشرق که چون ماه روشنی دهد که حضرت علی در این مورد می‌فرماید که چون آنرا ببینید توبه کنید. دیگر سرخی از طرف آسمان و آتش طولانی بزرگ از مشرق تا چند روز و این آتشی است که روز قیامت ظاهر خواهد شد و مردم را بسوی محشر خواهد راند گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن ماه که علائم قیامت صغری می‌باشد که خوف و وحشت تمام عالمیان را می‌گیرد طوری که عرشیان به گریه در آیند و مردم به مسجدها روی می‌آورند و با گریه و زاری به توبه و دعا مشغول می‌شوند که دیگر توبه آنها فایده ندارد زیرا در این روز در رحمت الهی بسته می‌شود و در عالم دودی پیدا خواهد شد که در گوش و بینی کفار داخل می‌شود و سرشان را مانند سر بریان کند و حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) در این مورد فرموده ما بین مشرق و مغرب تا ۴۰ روز و شب میان آسمان و زمین، چون خانه بی روزنه باشد، که آتش در آن افروخته باشند و دود از سوراخ‌های بینی و گوش و دُبرشان بیرون آید و مؤمنان را مثل زکامی عارض شود جهت تنیه و اطاعت از دستورات خداوند، این علامات اول مقدمه قیامت «صغری» است و بعد از این واقع شنیدن صداهای آسمانی که بصورت سه آواز از آسمان به گوش می‌رسد که همه بشنوند. اولین صدا «إِلا لعنة الله علی الظالمین» یعنی «آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمکاران»، دومین صدا «أَرْفَةُ الْأَرْفَةُ» یعنی «نزدیک شد امریکه روز به روز و دم به دم نزدیک می‌رسد» و سومین ندا اینست که بدنی پیش قرص آفتاب ظاهر میشه تا بر هلاک کردن (ستمکاران) (رجعت حضرت علی به دنیا) و حضرت باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: اولین روز خروج حضرت قائم ملکی ندا کند که حق با علی بن ابیطالب (علیه السلام) است و شیطان در آخر همان روز ندا کند که حق با عثمان و شیعه‌ی اوست. پس دلهای شیعیان به شک و تردید مبتلا شوند، نعوذ

عصر ظهور

بالله، که حضرت صادق (علیه السلام) می فرمایند همان روز هم یک امتحان الهی شیعیان می باشد و آن دسته از شیعیان واقعی که در ایمان خود پایدار و مخلص ماندند و از آزمایش الهی سرفراز بیرون آمدند و ثابت قدم ماندند. خداوند ندا می کند ایشان را که ای بندگان من ایمان آوردید از پنهانی من و غیبت ولی من بشارت باد شما را به ثواب نیکو از جانب من به تحقیق که شما به حق و راستی بندگان و کنیزان مفید از شما قبول اطاعت و عفو می کنیم و به سبب شما باران رحمت می فرستم و دفع بلاها از شماها سلب می سازم و احدی در آن زمان نجات نمی یابد، مگر اینکه در آن لحظه این دعا را بخواند: «بسم الله الرحمن الرحیم یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» و حضرت سجاد می فرماید طول خواهد کشید غیبت امام دوازدهم و به درستی که اهلی از آن زمان قائل به امامت او و ظهور او باشند. بهترین اهل هر زمانی خواهند بود زیرا حق تعالی به ایشان داده از عقل و فهم، آنقدر که غیبت نزد ایشان به منزله‌ی مشاهده شده و ایشان را ثواب جمعی باشد که در پیش روی رسول خدا جهاد می کردند و ایشانند اخلاص به حقیقت که انتظار کشیدن فرج مولا بهترین عملها است که جبرئیل در موقع ظهور حضرت یک پای در کعبه و یک پای دیگر در بیت المقدس به آواز فصیح چنان ندا کند که همه مردم بشنوند «اتی امرالله فلا تستعجلوه.» پس آمد ابر الهی پس شتاب در آن مکنید و با ندای جبرئیل کسانی که در خواب هستند بیدار می شوند و هر که نشسته باشد بر می خیزد و هر که ایستاده از وحشت بنشیند. بنابراین پنج علائم قبل از ظهور آن حضرت ظاهر می شود؛ صدای آسمانی، خروج یمانی، فرو رفتن لشکر سفیانی میان مکه و مدینه، قتل نفسی زکیه (عبدالله) در بین رکن مقام حضرت ابراهیم که ۱۸ روز بعد از شهادت عبدالله حضرت ظهور می کنند^۱

«حضرت سجاد فرموده اند چون هنگام ظهور قائم می شود علم آن حضرت بی سبی بلند شود و ندا کند آن حضرت را که بیرون بیا یا ولی الله پس بکش دشمنان خدا را و شمشیر آن حضرت از غلاف بیرون بیاید و ندا می کند که خروج کن جایز نیست تو را دیگر نشستن از جهاد دشمنان خدا. البته تاریخ

۱- حلیه المتقین، علامه مجلسی ص ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹

عصر ظهور

ظهور حضرت آقا مشخص نیست و اگر چنانچه کسی تاریخ ظهورش را معین نماید خود را در علم غیب با خدا شریک کرده زیرا خود حضرت قائم نمی‌دانند ظهورش چه وقت می‌باشد. اما روایت داریم در سال طاق (فرد) از هجرت روز جمعه نوزدهم محرم داخل مکه معظمه شود تنها به صورت جوانی کامل چهل ساله با عمامه زردی بر سر لباس رسول الله در برونعلین آن حضرت در پای و عصای آن جناب و کسی او را نشناخته به نزد کعبه آید و تنها داخل خانه کعبه شود و پس چون شب دیده‌ها همه بخواب رود از جانب حق تعالی بر آن حضرت جبرئیل و میکائیل و صف صف از ملائکه پس جبرئیل به آن حضرت عرض کند که ای آقای من قول تو مقبول و فرمان تو جاری است آنگاه دست مبارکش بر روی خود کشد و فرماید «الحمد لله الذی صدقنا وعده و او رثنا الارض» آنگاه میان رکن و مقام ایستاده و ندا کند نقباء خود را بطلبد پس ۳۱۳ نفر مؤمن از محراب نماز و فراش خود خوابیده باشند از همه بلاها متفرقه بغیر بصره جمع آیند و بعضی شب را از رختخواب خود ناپدید شوند و توسط ابر به مکه خود را رسانند و حضرت ۳۱۳ شمشیر که از آسمان بنام هر یک و پدرش آمده به آنها تقسیم نماید و عمودی از نور تا آسمان محدود شود که هر جا مؤمنی باشد، با آن نور فرج یابد و چون صبح شود پشت به کعبه دست به حجرالاسود به عصا تکیه نموده و فرماید این است دست خدا از جانب خدا به امر خدا، پس این آیه را می‌خواند «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله» پس اول کسیکه دست مقدس آن جناب را بوسد و به سعادت بیعت مشرف شود جبرئیل باشد و بعد از آن ملائکه و نجباء حق و نقباء (۳۱۳ نفر) و آنگاه اهل مکه فریاد بردارند که ایشان کیستند و دیشب چه علامتی بود (در آسمان) که مثل آن ندیده بودیم چون نظر کنند به غیر از چهار نفر از مدینه کسی را شناسند و چون آفتاب بلند شود از نزد قرص خورشید منادی ندا کند به همه اهل آسمانها و زمینها برسد که ای گروه خلائق اینست مهدی آل محمد و بنام و نسب و کنیت جدش و نسب او را ذکر کنند تا علی ابن ابیطالب (علیه السلام)، بیعت کنید و اطاعت او نمائید تا هدایت شوید و مخالفت با او نکنید

که گمراه شوید پس صاحب گوشی در عالم نماند مگر آنکه این صدا را بشنود و تمام شیعیان از تمام شهرها و دیارها از هم خبر آن ندا را می گیرند و نزدیک غروب شیطان ندا می کند از مغرب که ای خلائق پروردگار شما سفیانی در وادی فلسطین ظاهر شده بروید و متابعت او کنید پس هر صاحب شکی و منافقی به ندای آخر گمراه شود. حضرت قائم همچنان پشت به کعبه ایستاده و می فرماید که ای خلائق آگاه باشید هر که خواهد نظر کند به آدم و شیث و نوح و ابراهیم و اسماعیل و موسی و یوشع و عیسی و شمعون و نظر نماید سوی محمد و علی و حسن و حسین و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین پس به من نظر کنید که علامات و کمالات همگی با من است و سؤال کنید از من تا خبر دهم به آنچه آنها خبر داده اند و هر که کتب آسمانی و صحف انبیاء را خواهد از من بشنود آنگاه شروع به تلاوت قرآن نماید که تمامی ملل تصدیق نمایند. آنگاه مردی رو به قفا گشته به خدمت حضرت عرض کند «منم بشیر» امر کرد مرا ملکی که بشارت هلاک لشکر سفیانی را به عرض تو برسانم» حضرت فرماید که قصه خود را و برادرت را برای مردم نقل کن، گوید که ما در میان لشکر سفیانی بودیم بعد از خراب کردن دنیا از دمشق تا بغداد و کوفه و مدینه بعزم قتل اهل مکه و خانه کعبه سیصد هزار نفر آمدیم تا به صحرای پیدا که رسیدیم (بیابانی بین مدینه و مکه) سحری صدائی از آسمان آمد که هلاک کن ستمکاران را ناگاه زمین شکافته شد و تمامی لشکریان سفیانی را با اسب و اسبان چنان فرو برد که چیزی در روی زمین باقی نگذاشت بغیر از من و برادرم ناگاه ملکی روی ما را به پشت برگردانید و به او گفت برو ای نذیر به دمشق و بترسان آن ملعون سفیانی را به هلاک لشکر او و ظهور مهدی آل محمد و به من گفت برسی به خدمت حضرت مهدی در مکه و او را بشارت به هلاک ستمکاران بده و توبه کن بدست آن حضرت که قبول توبه تو خواهد فرمود. سپس دست حضرت را گرفت و با او بیعت نمود و توبه نمود و ایمان آورد و حضرت اهل مکه را به موعظه هدایت نمود تا گفته نماند لشکریان سفیانی چون متوجه آمدن حضرت مهدی به مکه بودند و برای شهادت حضرت روانه مکه بودند با معجزه

عصر ظهور

الهی به زمین فرو می‌روند و به هلاکت می‌رسند»^۱
البته در جلد اول این کتاب گفتم که انقلاب حضرت بقیه الله همچون انقلاب امام خمینی (رحمة الله) می‌باشد. حضرت ولیعصر با کمک یاران مخلص خودشان شهرها را یکی پس از دیگر از لوٹ ستمکاران پاک می‌سازد و آنها را سرنگون می‌کند. زیرا حضرت ۶ ماه اول انقلاب خود را بصورت مخفی و سرّی انجام می‌دهد.^۲

و بعد حضرت دستور می‌دهد که مسجد و کعبه را به اساس قدیم بنا کنند و دستهای (شیه) را که کلیددار و خائن بودند، بریده به کعبه آویزد و سپس حضرت در مکه اقامت نمی‌کند و با تعیین خلیفه در مکه با ۱۰ نفر از ملائکه و جن و نقباء به سوی مدینه توجه می‌فرمایند (برای آزادی مدینه) و چون حضرت مدینه را بنور قدم خود مشرف گرداند، گوید این قبر جد من است و اینها کیستند. گویند دو خلیفه و پدران زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، فرماید شاید غیر اینها باشد. پس بعد از سه روز امر فرماید که هر دو را از قبر بیرون آورند و چون متروم به کندن دیوار (قبر) کنند. به حدیث حضرت صادق (علیه السلام) خدای برای امتحان بادی شدید و صاعقه و رعدی بفرستد، پس اصحاب حضرت متفرق شوند حضرت کلنک را بدست مبارک خود گرفته مشغول کندن شود تا آنکه اصحاب برگردند و هر کدام که افضل باشند زودتر برمی‌گردند پس دیوار را خراب کرده هر دو را از قبر بیرون آرند با بدن تر و تازه پس حضرت هر دو را از کفن عریان و کفن نموده بر درخت پوسیده بیاویزد. پس حضرت امر فرماید باد سیاهی را که همه را برکند. پس آن دو ملعون را به زیر آورده و آن حضرت به قدرت الهی هر دو را زنده می‌گرداند و امر می‌فرماید که خلائق جمع شوند پس هر ظلمی و کفری که از اول عالم تا انقراض بنی آدم شده گناهانش را برایشان لازم آرند. از زدن سلمان و سوختن در خانه اهل بیت و رسالت (علیه السلام) و شکستن پهلوی مظلومه‌ی صابره و اسقاط طفل معصوم حضرت زهرا (سلام الله) و زهر دادن امام حسن (علیه السلام) و شهید کردن امام حسین (علیه السلام) و بریدن طفلان مسلم و

۱- همان ص ۳۹۱ و ۳۹۲

۲- رجوع به جلد اول همین کتاب

خویشان و یاوران وی و اسیر نمودن اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در ریختن خون‌های ایشان و هر خونی قصاص نماید. پس باز ایشان را به آن درخت کشیده به آتش امر فرماید که از زمین بیرون آمده هر دو را با آن درخت بسوزانند و باد را امر فرماید خاکستر آنها را به دریا پاشند و پس مردی از اصحاب خود را در مدینه حاکم نماید و متوجه کوفه شود و با آزادی کوفه و نجف با ۱۱۳ نفر که دعای ایشان مانند پاره آهن است و جبرئیل از طرف راست آنها حرکت می‌کند و میکائیل از طرف چپ و پنج هزار ملائکه آن را همراهی می‌نمایند و شب را تا به صبح به عبادت و تضرع در نجف مشغول می‌باشند و از راه نخلیه به مسجد ابراهیم رسیده و حضرت دو رکعت نماز بجا آورده و با بقیه کوفیان که لشکر سفیانی بودند به کارزار می‌پردازند و تمامی آنها را به هلاکت می‌رسانند و بعد از به درک حاصل شدن ما بقی لشکریان سفیانی فرزند اسد اللهی [علیم رسالت] را باز می‌نماید. ملائکه جنگ بدر بر لشکر سفیانی چنان حمله کرده که همه فانی شوند «کافری در کوفه نگذارد و حضرت توسط لشکریان باد و ملائکه و جن و انس کوفه را پاک می‌سازد و گنج‌های زمینی آشکار شود و محل تردد ملائکه شود و برای مؤمنان آنچنان امنیت و برکت در آنجا مهیا گردد و تا قیام نماید قائم ما بر روایتی از پشت قبر امام حسین (علیه السلام) نهری نبوی نجف جاری شود که به دریای نجف ریزد و در میانش پل‌ها و آسیاب‌ها ساخته شود و حضرت فرمود که گویا می‌بینم که ضعیقه گندم را بر سر می‌برد به نهر کربلا»^۱

نقش رومیان (اروپائیان) قبل از ظهور حکومت

«امام صادق (علیه السلام) فرمودند: وقتی که در سرزمین شام بلوایی را مشاهده نمودید، پس از مرگ است و مُردن، تا آنکه غریبان به تحرک آمده و روانه سرزمین‌های عربی گردند که حوادثی بین آنان رخ خواهد داد.»^۲

«از این روایت متوجه می‌شویم این آشوب و فتنه شام مربوط به زمان ظهور می‌باشد. که حضرت علی (علیه السلام) فرموده‌اند:

۱- علامه مجلسی ص ۳۹۴ تا ۳۹۶ / بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۱ و ۱۲

۲- الملاحم و الفتن ص ۱۰۷

عصر ظهور

«در ماه رمضان به هنگام صبح از ناحیه مشرق ندا دهنده‌ای بانگ بر می‌آورد که: ای اهل ایمان گرد هم آید و از ناحیه مغرب پس از ناپدید شدن شفق، ندا کننده‌ای سر دهد: ای اهل باطل گرد هم جمع شوید... و رومیان به ساحل در نزدیک غار اصحاب کهف روی آورده و خداوند آن جوانان را با سنگ‌شان از غارشان بر می‌انگیزد، در بین آنان دو مرد به نام‌های «ملیخا» و «خُملاها» بوده که این دو تسلیم اوامر حضرت قائم (علیه السلام) خواهند بود.»^۱

«از این روایت متوجه می‌شویم که ندای شرق بوسیله جبرئیل و ندای مغرب ندای شیطان می‌باشد که در یک زمان از آسمان شنیده می‌شود و به دنبال این حوادثی پی در پی و به دنبال ندای آسمانی در ماه رمضان بوجود آمده و تا محرم ادامه می‌یابد، تا ظهور آن بزرگوار در شب دهم و روز دهم ماه محرم به وقوع می‌پیوندد و ظاهر نمودن اصحاب کهف علامت و نشانه‌ای است برای یاری حضرت قائم (علیه السلام) که بسوی او می‌شتابند و زنده شدن اصحاب کهف معجزه‌ای می‌باشد برای مسیحیان، زیرا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این لحظه نسخه‌های اصلی تورات و انجیل را از همان غار (انطاکیه) بیرون آورده و بوسیله آن با رومی‌ها و یهودیان به بحث و گفتگو می‌پردازند»^۲

«و بعد از این معجزه (زنده شدن اصحاب کهف) بسیاری از رومیان به اسلام روی می‌آورند و مسلمان می‌شوند که در روایات آمده: «با تکبیر، هفتاد هزار تن از مسلمانان روم را فتح می‌نمایند.»^۳

«و امام باقر در این زمینه روایت فرموده اند:

آن گاه اهل روم بدست حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اسلام آورده و حضرت برای آنان مسجدی را بنا می‌کند. سپس با جانشین قرار دادن یکی از یارانش در آنجا، خود باز می‌گردد.»^۴

«نقش ترکان (ملتهای اروپای شرقی و روسی و منطقه شرق آسیا - اروپا) و (ترکهای ایران - ترکیه و قبیله‌های تاتار و مغول و بلغارستان) اطلاق می‌گردد که اکثراً مسیحی هستند که علیه مسلمانان و سلطه ترکان بر سوریه و اردن که

۲- بشارة الاسلام ص ۱۰۲ روم

۴- همان ص ۲۵۱

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۴۷۵

۳- همان ص ۲۹۷

در زمان شورش (عِلج و اَصْهَب) که این دو رهبر مخالف سفیانی می‌باشند که نبردهایی بین آنها صورت می‌گیرد. در قرقیسیا، واقع در مرز سوریه - عراق - ترکیه می‌باشد، این نبرد از جنگ‌های بزرگی است که از پیش وعده داده شده و انگیزه آن درگیری و کشمکش بر سر گنجی است که در مجرای نهر فرات و یا نزدیک آن کشف می‌شود منظور از روایات هجوم ترکان و مغول به سرزمینهای اسلامی می‌باشد که در نخستین مرحله‌ای که به آذربایجان رسیده آن را ویران می‌سازند و سپس به فرات می‌رسند و مسلمانان بر آنان پیروز می‌گردند، احتمال دارد که منظور از ترکان روسی باشند که قبل از ظهور آذربایجان را اشغال می‌کنند و این اشاره‌ای به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) می‌باشد.^۱

«بطور کلی به نظر می‌رسد که این حادثه، در پی نبرد آنان با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) بوده و ویرانی در حد بسیار گسترده‌ای می‌باشد، آن گونه که به نابودی و محو قدرت و شوکت آنان می‌انجامد، که نابودی آنان توسط صاعقه ویران می‌گردد.»^۲

نقش یهودیان در دوران ظهور حضرت

«نقش یهودیان با توجه به آیات قرآنی که سخت‌ترین دشمنان اسلام و قرآن و حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشند که در بخش‌های قبل یاد آور شدیم، به خاطر داشتن غرور و کارشکنی و آوردن معجزه (تورات) به حضرت موسی باز هم قوم بنی اسرائیل (یهود) هدایت نشدند و دوباره در زمین فساد نمودند و نسل به نسل باعث اذیت و آزار مسلمانان شدند خصوصاً در عصر حاضر برای خودشان امتیازی قرار دادند - امتیاز نژاد (برتر) که یهودیان اسرائیلی مردم فلسطین را به آتش و خون کشانده و نسل کشی را پیش گرفته اند و چهره پلیدش برای جهانیان آشکار شده است.

در تفسیر نور الثقلین، از کتاب روضه کافی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: «خداوند قبل از خروج قائم، قومی را بر می‌انگیزد (مردم قم) که دشمنی

۱- الزام الناصب ج ۲ ص ۲۲۴ / غیبت نعمانی ص ۱۷۰

۲- عصر ظهور کورانی ص ۶۶

عصر ظهور

از دشمنان آل محمد (صلی الله علیه و آل و سلم) را رها ننموده، مگر اینکه آنان را به هلاکت می‌رسانند.» و در کتاب (بحار الأنوار) از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که ایشان سؤال می‌کنند، اینها چه کسانی هستند امام سه بار فرمود: آنان اهل قم می‌باشند.» از این روایت متوجه می‌شویم که بعضی از یاران حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) از مردم قم هستند، که زمینه ظهور آن بزرگوار را فراهم می‌سازند و در میان اینها از اصحاب خاص حضرت مهدی هم می‌باشند و برای نابودی یهودیان قیام می‌کنند^۱ و با توجه به آیات قرآنی خداوند می‌فرمایند:

«ما میان آنان (یهودیان) تا روز قیامت دشمنی و کینه توزی افکندیم و هر گاه آتش جنگی را برافزودند، خداوند آن را فرو می‌نشاند.»^۲

و اما برخی از روایات مربوط به نقش یهودیان در زمان ظهور مربوط به گرد آمدن آنها در فلسطیت قبل از جنگ نابودکننده آنها است که یا یک کارزار در عکا در هنگام ظهور وعده الهی سر می‌رسد که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این مورد روایت شده که فرمود: آیا شنیده‌اید نام شهری را که بخشی از آن درون دریاست؟ عرض کردند آری، فرمود: قیامت به پا نمی‌شود مگر آنکه هفتاد هزار تن از فرزندان اسحاق به شهر یورش می‌برند.

و امیر المؤمنین در این مورد فرموده در مصر منبعی را بنا می‌نمایم و دمشق را قطعاً تخریب خواهند کرد و یهودیان را از شهرهای عربی بیرون می‌رانم و با همین چوب اعراب را خواهم راند، راوی این حدیث (عبایه اسدی) گوید: پرسیدم ای علی، شما به گونه‌ای خبر می‌دهید که به یقین پس از مردن زنده خواهید شد؟ فرمود: ای عبایه، به روشی غیر از روش ما صحبت کردی، مردی از تبار من (حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) این کار را انجام می‌دهد.»

«این روایت دلالت دارد به درفش‌های سیاه که از خراسان خروج می‌کند و بیرون آوردن تورات اصلی از غار انطاکیه و کوهی در شام و در فلسطین و دریاچه طبریه که توسط حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) و

۱- بحار الأنوار ج ۶۰ ص ۲۱۶

۲- سوره اسرار آیه ۱۰۴ سوره اعراف آیه ۱۶۷ تا ۲۱۶

عصر ظهور

تسلط حضرت بر یهودیان، بوسیله تورات و انجیل که از کوه بیرون می‌آورد و صندوق مقدس (معبد سلیمان) که از (دریاچه طبریه) که توسط اصحاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) کشف می‌شود و آن صندوق را به بیت المقدس آورده و چون یهودیان آن را مشاهده می‌نمایند، به جز اندکی اکثر یهودیان ایمان می‌آورند و آنهایی که از یهودیان ایمان نمی‌آورند یا کشته می‌شوند و پا به فرار شهرهای دیگر (عربی) فرار می‌کنند.^۱

«بنابراین با توجه به آیات قرآنی و روایت‌ها متوجه می‌شویم که خداوند مسلمانان را به یهودیان مسلط خواهد کرد و در عصر حاضر می‌بینیم که ابر قدرت‌ها و یهودیان بخاطر ترسی که از اسلام دارند، چقدر روابطشان با یکدیگر خوب است مخصوصاً امریکای جهان‌خوار چقدر با دوست غاصب خود اسرائیل همکاری می‌کند و یهودیان چقدر در تلاشند که همه به بیت المقدس کوچ کنند. البته آن دسته از یهودیان که خود را نژاد برتر از دیگر می‌دانند زیرا اسلام را خطر بزرگی برای خود می‌شمارند و به هر قیمتی شده تلاش می‌کنند، با انداختن جنگ‌های نابرابر و کشتار مردم بی‌گناه فلسطین، بستن سر مرزهای فلسطینان و قطع رابطه با کشورهای همجوار، جلوگیری کردن از رساندن آذوقه و دارو برای مردم فلسطین، ویران نمودن خانه‌های آنها، ایجاد شهرک‌های صهیونیستی، آواره نمودن مردم فلسطین به کشورهای عربی، سلب امتیازات فلسطینیان، به فکر انداختن یهودیان برای تخریب بیت المقدس و جایگزین کردن (معبد سلیمان) در آنجا و...» اما با این همه باید گفت وعده الهی نزدیک است و خداوند بزودی وعده و نصرتش نزدیک را عملی خواهد نمود.^۲

نقش اعراب در زمان ظهور

«در زمان ظهور حضرت برخی از یاران و معاونان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یعنی پایگاه اندیشه و تبلیغات جهان اسلام خواهد بود، همانطور که جدش حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) مدینه را پایگاه حکومت اسلامی خود قرار داد، بنابراین مصریان در شمار حرکت‌های زمینه‌ساز

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۵ / همان ج ۵۲ ص ۲۷۳

۲- منتخب الاثر ص ۳۰۹ / الملاحم و الفتن ص ۵۷

عصر ظهور

ظهور حضرت می‌باشند و همچنین گروههایی از عراق (مؤمنان حقیقی) که در زمره یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود.

البته ناگفته نماند نیروهای ارتش مغرب در مصر و سوریه و اردن و عراق که به احتمال قوی این نیروها از سوی دشمنان اسلام، بر ضد زمینه‌سازان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ضد جنبش اسلامی در سرزمین‌های عربی به کار گرفته می‌شوند، که شباهت به نیروی میانجی‌گر بین المللی یا نیروهای دفاع از عربیت است. در منابع شیعه آمده: «وای بر اعراب [و یا وای بر طاغیان عرب] از شری که بزودی گریبان‌گیر آنان خواهد شد» نمونه اش پادشاه مصر در این عصر و سران دیگر کشورهای عرب.^۱

«امام صادق در این زمینه فرموده اند:

وای بر گردن‌کشان عرب از شری که نزدیک است آنها را فرا گیرد گفتم فدایت شوم، چه تعدادی از عرب با حضرت قائم (علیه السلام) خواهند بود؟ فرمود: تعدادی اندک، گفتم: به خدا سوگند کسانی که این امر را توصیف می‌کنند از آنان، بسیارند فرمود: البته مردم باید امتحان شوند و از یکدیگر جدا شده و غربال گردند و افراد زیادی از غربال امتحان خارج می‌شوند.^۲

«و دیگر اینکه اختلافاتی که میان اعراب و عجم پیش می‌آید، منجر به نبرد میان برخی از آنان می‌شود. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

حضرت قائم قیام نمی‌کند مگر در حالی که ترسی شدید و فتنه و بلائی بر مردم فرا رسد و قبل از آن گرفتار طاعون می‌شوند، آنگاه شمشیر برنده میان اعراب حاکم می‌شود و اختلاف میان مردم و پراکندگی در دین و دگرگونی در حال آنان بوجود می‌آید به گونه‌ای که هر کس در اثر مشاهده‌ی خوی درنده‌ای که در میان برخی از مردم نسبت به بعضی دیگر وجود دارد، صبح و شام آرزوی مرگ می‌کنند و این اختلافات بین ایرانیان یا بین فرمانروایان ایران و عرب است و این درگیری تا ظهور حضرت ادامه خواهد شد»^۳

«و دیگر اینکه فرو رفتن اعراب به زمین، زمین لرزه‌ها در جزیره العرب و در شام و در بغداد و بابل و بصره و پدیدار شدن آتش در حجاز یا در شرق حجاز

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۱ / مستدرک حاکم ج ۴ ص ۲۳۹

۲- ارشاد مفید ص ۳۶۴ / بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۴

۳- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۱

عصر ظهور

است که سه یا هفت روز ادامه دارد و از نشانه‌های ظهور حضرت می‌باشد.^۱
و در برخی روایات، پیامبر فرمود:

«دیری نمی‌یابد که مردم شام، دینار و پیمانهای نزدشان یافت نمی‌شود (قحطی خاص)، پرسیدم این امر از کجاست؟ فرمود: از جانب رومیان، آنگاه اندکی سکوت کرد سپس فرمود: در آخرالزمان خلیفه‌ای می‌آید که به مردم اموال کمی داده و آن را به شمارش نمی‌آورد»^۲
این فشار اقتصادی، غربی‌ها هستند.

«این فشار اقتصادی غربی‌ها بر مردم شام، گرسنگی عام و خاص را بوجود می‌آورند که قحطی خاص شامل مردم کوفه می‌شود و قحطی عام شامل تمامی ممالک می‌شود و خداوند با ایجاد قحطی قبل از ظهور حضرت مردم را در آزمایش الهی قرار می‌دهد. امام صادق در این زمینه می‌فرماید، پیش ظهور قائم، بطور حتم سالی فرا می‌رسد که مردم در آن دچار قحطی، گرفتار ترس شدیدی از کشته شدن و کمبود اموال و جان‌ها و ثمرات می‌گردند. خداوند در قرآن می‌فرماید: براستی ما شما را با چیزهایی همچون ترس، گرسنگی و کاهش مال و جان و ثمر مورد آزمایش قرار می‌دهیم و صبر پیشگان را بشارت بده»^۳

(بطور کلی این فتنه یا گرسنگی به مدت ۱۲-۱۸ سال طول می‌کشد. که طولانی‌ترین سال قحطی مربوط به مردمان شام می‌باشد و راه فراری ندارند که به (فتنه فلسطین) معروف است، که کارشان سامان نمی‌پذیرد تا آنکه نداکننده‌ای از آسمان فریاد سر دهد، بر شما باد، به مهدی روی آورید و در آنجا دستی از آسمان برآید و اشاره کند، که نشانه ظهور آمده است»^۴
و در روایتی دیگر از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رسیده است که فرمودند:

«فتنه چهارم ۱۸ سال طول می‌کشد و بهنگام خود پایان می‌پذیرد و نهر فرات از کوهی از طلا بیرون می‌آید و مردم به گونه‌ای بر آن هجوم می‌آورند که از هر نه نفر هفت نفر به هلاکت می‌رسند. (منظور درگیری قرقیسا بر سر گنج

۱- همان ص ۳۵۵

۲- نسخه خطی ابن حماد ص ۹۶

۳- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۹۲ تا ۲۲۹

۴- نسخه خطی ابن حماد ص ۹۲

عصر ظهور

فرات خواهد بود.»^۱

«علائم دیگر قبل از ظهور حضرت زلزله شدیدی در دمشق و اطراف آن بوجود می‌آید که خسارت‌های زیادی گریبان‌گیر مردم شام و سپاهیان غربی که بهنگام وقوع زلزله در دمشق بسر می‌برند، می‌شود. این زلزله بنام «الرجفه، والخسف، والزلزله» (تکان شدید، فرو رفتن، لرزش) می‌نامد. حضرت امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: وقتی در شام دو گروه نظامی اختلاف کنند، نشانه‌ای از نشانه‌های الهی آشکار می‌شود، پرسیدند آن نشانه چیست. فرمود زلزله شدیدی در شام رخ می‌دهد که صد هزار نفر در اثر آن هلاک می‌گردند و این را خداوند رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران قرار می‌دهد. وقتی آن هنگام فرا رسد، نظاره‌گر سوارانی دارای اسب‌های سفید و درفش‌های زرد رنگ، باشید که از مغرب روی می‌آورند تا وارد شام می‌شوند و در آن لحظات است که فریاد و بی‌تابی بزرگ و مرگ سرخ فرا می‌رسد. وقتی آن وضع پیش آمد پس بنگرید فرو رفتن آبادی از روستاهای دمشق را که به آن حرمشا یا مرمستا می‌گویند، در این هنگام فرزند هند جگرخوار (سفیانی) از بیابان خروج کرده و بر مقبر دمشق قرار می‌گیرد، در این بحبوحه در انتظار ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) باشید.»^۲

مقصود از پسر جگرخوار یعنی فرزند هند زن ابوسفیان، زیرا سفیانی از فرزندان معاویه است.

«و بعد از واقعه زلزله در شام سپاه ایران و مغرب (لیبی، تونس، الجزایر، مغرب مراکش کنونی) می‌باشد که لشکر سفیانی به عنوان کمک و یاری وارد دمشق می‌شوند، اما آنها فقط برای نابودی درفش‌های خراسانی (سپاه ایرانی) وارد دمشق می‌شوند، خداوند آنها را در زمین فرو می‌برد و بخشی از مسجد دمشق و آبادی به نام حَرَسْتا فرو می‌رود و درفش‌های سپاه خراسانی با یهودیان و سفیانی‌ها به نبرد می‌پردازند در محل قنطره تا اینکه وارد فلسطین می‌گردند. در این هنگام سفیانی بر اهل مشرق خروج می‌کند وقتی مردم مغرب زمین در اردن فرود می‌آیند، سرکرده آنان می‌میرد و آنها به سه گروه تبدیل می‌شوند.

۱- همان / رجوع شود به جلد اول همین کتاب

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۵۳

عده ای به جایگاه خود باز می گردند و دسته ای حج انجام می دهند و عده ای باقی می ماند. سفیانی با آنها به نبرد پرداخته و آنها را شکست می دهد و آنان به اطاعت او در می آیند»^۱

«و بعد از نابودی شام، میان سه لشکر اَصْهَب و اَبْقَع و سفیانی اختلاف ایجاد می شود بر اثر فرمانروایی که اَصْهَب (زرد چهره) و اَبْقَع (یعنی کسی که نقطه سیاه و سفید در چهره دارد) که آنها مخالف و دشمن اسلام و طرفدار و هواداران دشمنان اسلام و کفار می باشند و اَصْهَب هوادار روس (ترکان) می باشد. (درفش اموی همان درفش اَصْهَب و درفش قیس همان درفش اَبْقَع - درفش های حسنی یا حسینی، همان درفش های خراسانیان می باشد، و با اختلاف این سه لشکر ناگاه سفیانی خروج می کند. و آنها را همچون کشتزار درو می کنند و اَصْهَب و اَبْقَع به دست سفیانیان کشته می شوند و درفش های خراسانی با کمک قوای مغربی در شام خواهند ماند. در این هنگام مردی از بنی هاشم از (حجاز) بنی امیه را به قتل می رساند به گونه ای که جز اندکی از آنها باقی نمی گذارد و غیر ایشان را نمی کشد، آنگاه مردی از بنی امیه خروج می کند و در برابر هر مردی دو مرد را می کشد به طوری که جز زنان کسی را باقی نمی گذارد در این هنگام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) ظهور می کند.»^۲

«به طور کلی سفیانی که از نسل ابوسفیان می باشد، که خروج آنها با درفش های سرخ همراه است و فرماندهی آن مردی از قبیله بنی کلب است و رنگ سرخ پرچم آنها نشانه رمز برتری جوئی و سیاست خون آشامی آنها می باشد. سفیانی به خاطر نابودی درفش های خراسانی و یاران و اصحاب مهدی (عجل الله تعالی الشریف) قیام می کنند.

خروج سفیانی شش ماه قبل از ظهور حضرت مهدی می باشد. یعنی در همان شش ماه انقلاب حضرت مهدی بصورت مخفی که یاوران خود را توسط ابر جمع آوری می نماید. حضرت در این شش ماه در اضطراب بسر می برد و از تمامی نقاط جهان یاوران خود را جمع آوری می نماید و منتظر معجزه آسمانی

۱- نسخه خطی ابن حماد ص ۷۶ و ۷۷

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۷ / نسخه خطی ابن حماد ص ۷۵

می باشد»^۱

«و در نسخه خطی ابن حماد آمده: سفیانی از فرزندان خالد پسر یزید پسر ابوسفیان، مردی است با سری درشت و چهره ای آبله گون، در چشمش نقطه ای سفید پیدا است او از ناحیه ای از شهر دمشق که وادی یابس (دره خشک) که (زن ابوسفیان هند جگر خوار از همین ناحیه بوده) نامیده می شود با هفت نفر که یکی از آنها درفشی پیچیده با خود دارد خروج می کند.»^۲

«حسین بن ابی از امام صادق (علیه السلام) پرسید. وقتی سفیانی خروج کند ما شیعیان چه بکنیم؟ حضرت فرمود: مردان چهره خود را از آنها بپوشانند و به زن و فرزندان آسیبی نمی رسد و چون بر پنج شهر، یعنی شهرهای شام مسلط شدند، شما به سوی صاحب خود (حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) کوچ کنید.»^۳

«باهجوم سفیانی بر شیعیان، مردم شام از آنها اطاعت می کنند، بجز دسته ای از پویندگان حق که خداوند آنها را از شر خروج همراه وی حفظ می کند. و برخی از شیعیان لبنان هم از آنها اطاعت نمی کنند. از این رو سفیانیان عملیات درون مرزی، برون مرزی خود را آغاز می کنند و با سپاه بزرگ خود را جهت رویارویی با ایرانیان زمینه ساز، آماده می کند و با نبرد سختی در بیابان خشک و بی آب و گیاه (قرقیسا) که (جهت آزادی قدس) وارد نبرد می شوند. با یاری خداوند لشکریان سفیانی به درک حاصل شده و جسدهای آنها در بیابان می مانند و آنها قادر نیستند، اجساد کشتگان خود را دفن نمایند، از این رو خداوند سفره پرطعامی، با ندای آسمانی خبر می دهد ای پرندگان آسمان و ای درندگان زمین بشتابید برای سیر شدن از گوشت تن ستمگران، و در این درگیر صد هزار نفر از ستمگران کشته می شوند»^۴

«منظور از این بیابان خشک، خداوند در این هنگام جبرئیل را بر می انگیزد و می فرماید: جبرئیل برو و ایشان را نابود گردان، پس جبرئیل با پای خود ضربتی به آن زمین (بیابان) می زند و زمین آنها را در خود فرو می برد و هیچ کس از آنها نجات نمی یابد مگر دو مرد از جُهیینه»^۵

۱- بحار الانوار ج ۵۲ و ۲۷۳ و ۲۴۸ و ۲۴۹

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۷۲

۳- ج ۵۲ ص ۱۴۱ و ۲۵۲ و ۲۳۷ و ۲۴۶

۴- نسخه خطی ابن حماد ص ۷۵

۵- نسخه خطی ابن حماد ص ۷۷ / بحار الانوار

۶- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۸۶

«و در روایتی وقتی اوج حرکت مردمی و دوستاناران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) و مخالفان سفیانی را نشان می‌دهد، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) می‌گوید پسر عموی مرا نزد من آورید تا با وی سخن گویم پس او نزد حضرت آمده و پس از گفتگو با حضرت بیعت می‌کند و تسلیم حضرت می‌شود! و چون سفیانی نزد یاران خود باز می‌گردد، قبیله کلب او را نادم و پشیمان می‌کنند به همین جهت او بر می‌گردد و تقاضای فسخ بیعت می‌کند امام نیز بیعت وی را فسخ می‌کند. آنگاه سفیانی لشکریان خود را برای جنگ با امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بسیج می‌کند ولی امام (علیه السلام) او را شکست می‌دهد و خداوند رومیان را نیز بدست آن حضرت منهدم می‌سازد»^۱

نقش یمن در دوران ظهور

«چند ماه به ظهور حضرت ولیعصر می‌ماند، که حضرت ظهور نماید گروه یمنی با پرچمهای سفید قیام می‌کنند علیه سفیانی‌ها، خروج سفیانی، یمنی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می‌افتد و درفش یمنی از همه هدایت کننده تر است، زیرا که دعوت به حق می‌کند، این سه نوع خروج همانند رشته مهره‌ها پشت و سر هم خواهد بود، با خروج یمنی‌ها، فروش اسلحه به مردم حرام است و آنگاه مردم باید بسوی آنها بشتابند و اگر چنانچه مسلمانی سر پیچی نماید از اهل آتش خواهد بود.»^۲

«از این روایت مشخص می‌شود که نهضت و انقلاب، یمنی زمینه ساز انقلاب حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌گردد و اسلحه‌ها همه از کار می‌افتند و فقط نبردها بوسیله شمشیر، یا صاعقه آسمانی، بادهای شدید، زلزله‌ها و توسط یاران خود بقیه الله (جنیان - جبرئیل و...) صورت می‌گیرد و سپاه یمنی با ایرانیان (درفش خراسانی) وارد عراق شده و با سفیانی‌ها به نبرد پرداخته و کشورهای حوزه خلیج فارس در دست نیروهای یمن، پیرو حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار می‌گیرد و دین خدا

۱- نسخه خطی ابن حماد ص ۹۷

۲- بشاره الاسلام ص ۹۳ از غیبت نعمانی

عصر ظهور

توسط درفش‌های خراسانی و یمنی یاری و نصرت پیدا می‌کند و در روایت دیگر آمده انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را انقلاب جمهوری اسلامی ایران که توسط امام خمینی از قم شروع شد که سرآغاز قیام و نهضت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد که آغاز آن از مشرق است و فاصله بین شروع انقلاب آنها و بین خراسانی و شعیب بیست تا پنجاه سال و یا آنچه خدا اراده کند، به طول می‌انجامد و... و آغاز چنین انقلابی بر پایه اجتهاد فقها و نمایندگان سیاسی آنان قرار دارد»^۱

نقش عراق در دوران ظهور

«روایات زیادی وجود دارد که عراق، میدان کشمکشی آرام نشدنی میان نیروهای متعدد می‌باشد و این کشور در حقیقت چهار مرحله را پشت سر می‌گذارد:

مرحله اول: روزگار قبل از ظهور حضرت است که ستمکاران (ابر قدرتها) مدت طولانی به عراق مسلط می‌باشند، در آن سامان، کشتار و ترس و وحشتی فراگیر پیش می‌آید که مردم آرامش خود را از دست می‌دهند. تا زمانی که آن کشور (عراق) را زمینه سازان ظهور، یاران درفش‌های سپاه آزاد می‌کنند.

مرحله دوم: برپائی نظام اسلامی در آن کشور و وجود کشمکش برای نفوذ در آن، بین جناح طرفدار خراسانیهای زمینه ساز و جناح طرفدار سفیانی فرمانروای شامات.

مرحله سوم: اشغال عراق توسط سفیانی و آزار و اذیت مردم بوسیله آنها و شکست دادن سفیانی‌ها توسط یمنی‌ها و ایرانیان و خروج سفیانی از عراق بدست سپاه اسلام.

مرحله چهارم: آزاد شدن عراق توسط حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) و پاک نمودن آن از لوٹ و وجود سفیانیان و گروهک‌های شورشی و غیر آنان و قرار دادن عراق بعنوان محل استقرار و مرکز فرمانروائی، توسط آن حضرت»^۲

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰ / به نقل از غیبت طوس / همان ص ۲۴۵

۲- الملاحم و الفتن ص ۴۳

عصر ظهور

«در این مورد روایت شده، پیش از قیام قائم، مردم در اثر گناهانشان بوسیله آتشی که از آسمانها بر آنها آشکار می‌شود، در عذاب بوده و رنج می‌برند و نشانه سرخ خامی که آسمان را می‌پوشاند و فرو رفتن زمین در بغداد و بصره و خون‌هایی که در آنجا ریخته می‌شود و خانه‌هایی که خراب می‌گردد و هلاکتی که در بین اهالی آن سامان بوجود می‌آید و وجود چنان اضطرابی که اهل عراق را می‌گیرد به گونه‌ای که موجب سلب آرامش آنها می‌گردد.»^۱

«شکافته شدن نهر فرات و جاری شدن آن در شهر کوفه در همان سال ظهور، اتفاق می‌افتد.»^۲

«قبل از ظهور حضرت بین سران عرب و عجم دشمنی و اختلاف پیش می‌آید و این اختلافات همچنان ادامه داشته تا امارت و فرمانروایی به مردی از ذریه ابوسفیان می‌رسد.»^۳

در روایتی دیگر:

«آگاه باشید، وای بر بغداد از اهل ری، از مرگ و میر و کشتار و ترس و وحشتی که اهل عراق را فرا می‌گیرد زمانی که شمشیر در بین آنان گذارده شود، آنقدر که اراده خداست کشته می‌شود و در این هنگام عجم بر عرب خروج نموده و بصره را به تصرف خود در می‌آورند.»^۴

«امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: زمانی که دیوار عقب مسجد کوفه که به خانه عبدالله بن مسعود می‌رسد خراب می‌شود آن زمان پایان سلطنت «خاندان فلان» یا «شیصبانی» است که بعد از آن، حضرت قیام می‌کند.»^۵

«و حادثه بصره، که در موقع نزدیک ظهور حضرت زیر و رو می‌شود و در زمین فرو می‌رود در اثر عذاب الهی دگرگون می‌شود.»^۶

موقعی که با حضرت علی (علیه السلام) از جنگ با خوارج برمی‌گشتیم، وقت نماز عصر بود که به سرزمین بابل (بصره) رسیدیم، حضرت با مردم، در آن منطقه فرود آمد، سپس امام رو به مردم فرمود: ای مردم این زمین ملعون است (نفرین شده) و در طول زمان سه مرتبه گرفتار عذاب شده (زیر و رو شده) و یک مرتبه دیگر هم زیر و رو می‌شود. (زمان قائم) عجل الله تعالی فرجه

۳- الزام الناصب ج ۲ ص ۱۶۰

۲- همان ج ۵۲ ص ۲۱۷

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۹۲

۵- ارشاد مفید ص ۳۶۰ / غیبت طوس ص ۲۷۱ و ۲۷۲

۴- همان ص ۱۹۱

۶- نهج البلاغه، خطبه: ۱۲۸

جنگ جهانی در موقع نزدیک ظهور آن حضرت

«در موقع نزدیک ظهور آقا دو نوع جنگ اتفاق می افتد، که حضرت علی (علیه السلام) فرمایند: نزدیک زمان قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سه نوع مرگ وجود دارد مرگ سرخ و مرگ سفید و مرگ سیاه ملخهائی که به رنگ خون بوده و گاه و بیگاه آشکار می شوند امام مرگ سرخ یمنی شمشیر و مرگ سفید همان بیماری طاعون است.»^۲

و مرگ سیاه (منظور از این روایات ترس و وحشت، زلزله و آشوب و بلاهایی که مردم گرفتار آن می شوند و جنگ و خونریزی بین اعراب و ایجاد اختلاف بین مردم و پراکندگی در دین شان، که مردم روزی هزار بار آرزوی مرگ می کنند. (و اختلاف بین شرق و غرب، به خاطر، مراکز حکومت کشورهای بزرگ و پایگاه های نظامی آنان به خطر می افتد، سلاح ها از کار می افتد و ترس و وحشتی سخت در اثر کشتار آنان را فرا می گیرد، تا زمانی که آسمان ندا می دهد کوچ کنید (به مکه) که در این دو مرگ سرخ و سفید پنج هفتم جمعیت جهان از بین می رود. یعنی از هر ۷ نفر یک نفر باقی می ماند که این جنگ ها شامل کشورهای غیر مسلمان می شود و مسلمانان کمتر خسارت می بیند، که (این خسارتها مربوط به سلاحهای پیشرفته و پایگاههای نظامی کفار است.) و این واقعه تأویل این آیه شریفه است: پیوسته این ندا است تا اینکه آنان را (با شمشیر و یا زیر شمشیر) درو کردیم»^۳

ایرانیان و نقش آنان در موقع ظهور آن حضرت

«قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشور ایران در تصور غربیها (سه ابر قدرت امریکا) پایگاهی حیاتی، آنهم در مرز شوروی و در قلب جهان اسلام به حساب می آمد و از دیدگاه مسلمانانها کشوری اسلامی و اصیل به شمار می رفت که (شاه) سر سپرده غربی و هم پیمان اسرائیل بر آن حکومت می کرد و برای

۱- سوره حاقه آیه ۹ / سوره توبه آیه ۷۰ / سوره نجم آیه ۵۳ / عصر کورانی ص ۱۹۸ و ۱۹۹

۲- کمال الدین صدوق ص ۴۳۴

۳- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۸۲ و ۸۴ و ۲۰۷ / همان ج ۵۲ ص ۱۱۳ و ۲۲۹ و ۲۳۵

عصر ظهور

خوش خدمتی به اربابانش، کشورش را در بست در اختیار و خدمت آنان قرار داده بود. ولی از شیعه کشوری است که مرقد امام رضا (علیه السلام) و حوزه علمیه قم وجود داشته و کشوری دارای تاریخی اصیل و ریشه دار در تشیع و علماء و اندیشمندان شیعه و تألیفات گرانبها، اما بخاطر داشتن سرسپردگان و اربابان غربی و بودن طاغوتیان در کشور ایران برای اربابان غربی اش ایجاد چنین طرز فکری و تربیت مردم ایران، بر همین روش پافشاری می کردند، که منافع استکبار جهانی حفظ گردد، با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مسلمانان را در جهان غافلگیر کرد و قلبهای غمگین آنان را چنان خوشحال و شادی سرشار نمود، که دشمنان اسلام را به زانو در آورده و آسایش را از آنها سلب ساخته و در گذشته در مجله تونسی (شناخت) (پیامبر) (صلی الله علیه و آله وسلم) ایرانیان را جهت رهبری امت اسلامی برمی گزینند) این نوشته ها و خاطرات ما را درباره ایرانیان تجدید کرد و متوجه می شویم که به آینده (ظهور قائم) (عجل الله تعالی فرج الشریف)) هم ارتباط دارد، که خود همین ایرانیان و یمنی ها دارای سهم بسزائی در انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) دارند که از یاران ویژه (خاص) حضرت قرار می گیرند. از جمله از روایاتی در این زمینه الف) طرفداران سلمان فارسی، ب) اهل مشرق زمین، ج) اهل خراسان (درفش های سیاه) و ه) فارسیان و سرخ رویان، اهل قم، اهل طالقان»^۱

«در روایتی حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دست بر ران سلمان فارسی زد و فرمود.

بخدایی که جان من در دست قدرت اوست، اگر ایمان به کهکشانها بستگی داشته باشد مردانی از فارس به آن دست می یابند (ایرانیان)

و از امام باقر (علیه السلام) روایت شده. «ای اعراب، اگر روی برگردانید، خداوند گروه دیگری را جایگزین شما می گرداند، یعنی (ایرانیان)»^۲

از این روایت ها متوجه می شویم که عجم (فارسی) بیشتر مورد اعتماد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است. و ایرانیان زمینه ساز ظهور حضرت می باشند. «به گفته امام صادق (علیه السلام) می فرماید، هنگامیکه درفش حق برافراشته

۱- سوره محمد آیه ۳۸

۲- مجمع البیان از امام محمد باقر / کشف ج ۴ ص ۳۳۱

عصر ظهور

می گردد شرقی ها و غربی ها آن را لعن و نفرین می کنند! آیا می دانی برای چه؟
عرض کردم خیر. حضرت فرمود: برای آنچه را که مردم با آن روبرو می شوند
از اهل بیت و فرزندان آن حضرت پیش از ظهور وی^۱
«و اما زمینه سازی ایرانیان در دو مرحله انجام می گیرد:

مرحله اول، آغاز نهضت آنان بوسیله مردی از قم، کسی که حرکتش
سر آغاز امر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرج الشریف) است. (نهضت
مشرق زمین)

مرحله دوم، ظاهر شدن دو شخصیت مورد نظر، در بین آنان به نام سید
خراسانی و جوان گندم گویی، شعیب صالح که از خراسان قیام می کنند با
پرچم های سیاه که قبلاً گفته شد که کلاه سیاه و جامعه سفید بر تن دارند برای
نابودی لشکریان سفیانی و خودشان را به قدس برسانند، تا مقدمه ظهور حضرت
فراهم شود که این مدت ۷۲ ماه طول می کشد^۲

«حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند دارای حرم است که عبارت از
مکه مکرمه و پیامبر دارای حرمی است و آن مدینه منوره است و امیر المؤمنین
حرمی است که کوفه است و ما اهل بیت نیز دارای حرمی هستیم که آن شهر
قم است که مردمان آن زمینه ساز انقلاب قائم (علیه السلام) ما می باشند که
هیچ ستمگری درباره آنها نیت سوء نمی کند، مگر اینکه خداوند او را در هم
می شکند.» و امام رضا (علیه السلام) فرموده بهشت هشت در دارد یکی از آنها
مخصوص اهل قم می باشد، که بهترین پیروان ما از بین شیعیان جهان هستند.
خداوند سبحان محبت و دوستی ما را در سرشت آنان قرار داده است.»^۳

«منظور از این روایتها، قم معدن علم و دانش می گردد و با نزدیک شدن
ظهور قائم، به وقوع می پیوندد و دانش از این شهر (قم) به شرق و غرب جهان
منتشر می گردد، که قم و اهلس حجت بر مردم خواهند بود که صدای اسلام
از قم به جهانیان می رسد، (قم نقش جهانی) پیدا می کند که حتی غیر مسلمانان
را نیز در بر می گیرد.»^۴

«بنابراین دو حکومت زمینه ساز حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۶۳
۲- نسخه خطی ابن حماد ص ۸۴ / بحار الانوار ج ۵۲ ص
۳- بحار الانوار ج ۶۰ ص ۲۱۶ و ۲۱۱ و ۲۱۴
۴- همان ص ۲۱۳

فرج الشریف) یعنی یمن و ایران در حوادث جهان و شکوفایی ملت‌ها موقعیت سیاسی مهمی را بدست می‌آورند و و از نشانه دیگر ظهور زمانی که صیحه‌ای در ماه رمضان شنیده شود، آشوب‌هایی در ماه شوال پدید می‌آید و قبیله‌ها در ذی قعدة در مراسم حج با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند و در ذی الحجّه خون‌ریزی می‌شود و مردم به جان یکدیگر می‌افتند، همانند سگ به یکدیگر حمله ور می‌شوند و قبیله‌ها به جان هم می‌افتند و آنقدر خون ریخته می‌شود که چهره عقبه را خون فرا می‌گیرد.^۱

«امام صادق فرموده، قبل از ظهور آتش بزرگی از سوی مشرق در آسمان مشاهده گردد که در بعضی شبها بالا می‌آید. در آن هنگام گشایش کار مردم است. (ظهور آقا)»^۲

«آری به وسیله این آتش، سرخی تمام آسمان را فرا می‌گیرد، در این هنگام لشکر سفیانی به سوی مدینه حرکت نموده وعده‌ای از خاندان هاشمی (قریش) از دم شمشیر می‌گذرانند و با کشتن چهار صد تن از مردان انصار، شکم زنان را دریده و کودکان را به قتل می‌رسانند و خواهر و برادری به نام محمد و فاطمه را از قریش پس از کشتن بر دروازه مسجد مدینه می‌آویزد، در این هنگام اصحاب و یاران حضرت به سوی مکه روانه می‌شوند که سفیانی دستور تعقیب آنها را می‌دهد، اما قبل از اینکه سفیانی‌ها به آنها برسند، یاران حضرت به حرم امن خدا رسیده‌اند. (برای پاکسازی مدینه)»^۳

«ناگفته نماند که در جلد اول همین کتاب یادآور شدیم که انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به صورت تدریجی می‌باشد و اینکه حضرت در شش ماهه‌ی اول تمامی یاران و اصحاب خود را از تمامی جهان توسط ابر، بال گردان‌ها (بادهای سریع و...) جمع آوری می‌نماید و شهر به شهر به کارزار می‌پردازد با توجه به (معجزات آسمانی) و بعد از روز عاشورا از مکه ظهور خود را آشکار می‌سازد (قیام جهانی)»^۴

«و خروج آن حضرت را از مدینه به سوی مکه، پس از ندای آسمانی در ماه رمضان یعنی در موسم حج باشد، که حضرت وارد مکه می‌شود، در حالیکه

۱- نسخه خطی ابن حماد ص ۶۰ / بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۷ و ۲۷۳

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۴۰

۳- همان ص ۲۳۱ / نسخه خطی ابن حماد ص ۸۱

۴- نهج البلاغه خطبه ۶۶

عصر ظهور

عمامه‌ای زردفام بر سر نهاده و کفش مخصوص پیامبر (صلی الله و آله و سلم) را پوشیده و چوبدستی او را در دست گرفته و چندین بزغاله را پیشاپیش خود می‌برد تا آنها را به خانه خدا می‌رساند، اما هیچکس او را در آنجا نمی‌شناسد. چون در آن موسم حج بخاطر دستگاه امنیتی در مدینه و مکه (لشکریان سفیانی) حضرت منتظر معجزه می‌باشد که صورت بگیرد (ندای آسمانی و فرو رفتن شیطان بر زمین) و ملاقات با اصحاب خود که خودشان را به مکه رساندند با آنها حضرت ملاقات داشته باشند و بیعت کنند»^۱

«و در روز دهم محرم حضرت خروج می‌کند وارد مسجد الحرام می‌شود در حالیکه هشت رأس بزغاله لاغر را پیشاپیش خود می‌برد و خطیب آنان را به هلاکت می‌رساند و چون خطیب کشته شد آن حضرت از چشم مردم در کعبه غایب می‌شود و چون شب شنبه فرا رسد بر فراز بام کعبه می‌رود و سیصد و سیزده تن یاران خود را ندا می‌کند آنان از شرق و غرب زمین گرد او جمع می‌شوند (اصحاب خاص حضرت) و صبح شنبه مردم را به بیعت با خود فرا می‌خواند برای (نهضت جهانی خویش) و در روز شنبه که روز عاشورا است روزی که امام حسین (علیه السلام) در آن روز به شهادت رسیده ظهور می‌کند و نهضت جهانی خویش را اعلام می‌نماید.»^۲

«و تمام جهان پر از نور می‌شود، هیچ سرزمینی نیست که پرتو افشانی این نور به آنها نرسد و این نشانه‌ای برای آنان است سپس پرچم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را بر می‌افرازد و همین که پرچم را به اهتزاز در آورد، شرق و غرب جهان به نور آن روشن می‌گردد. (و امدادهای غیبی حضرت ولیعصر را یاری می‌نمایند.)^۳ یوم الاخلاص

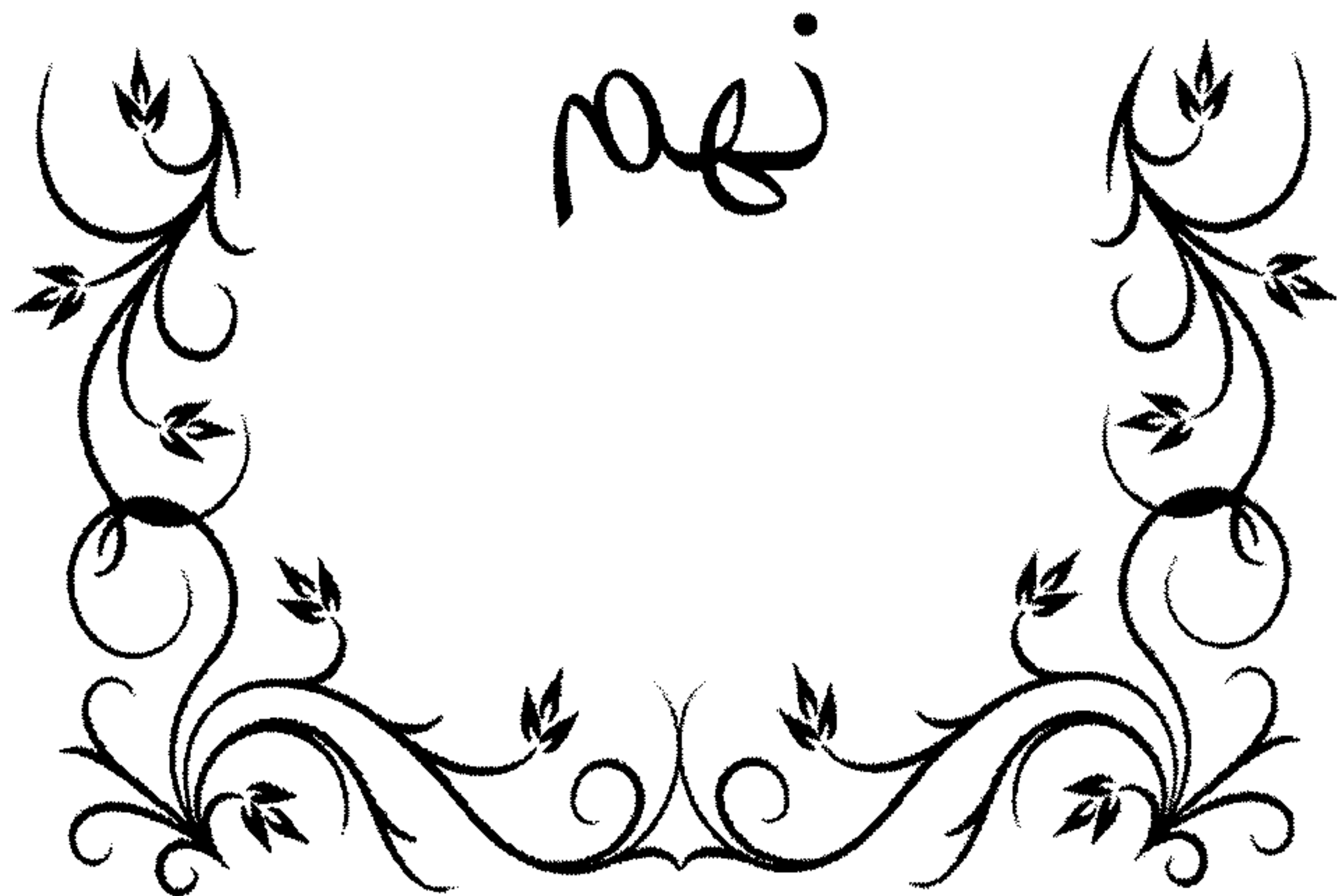
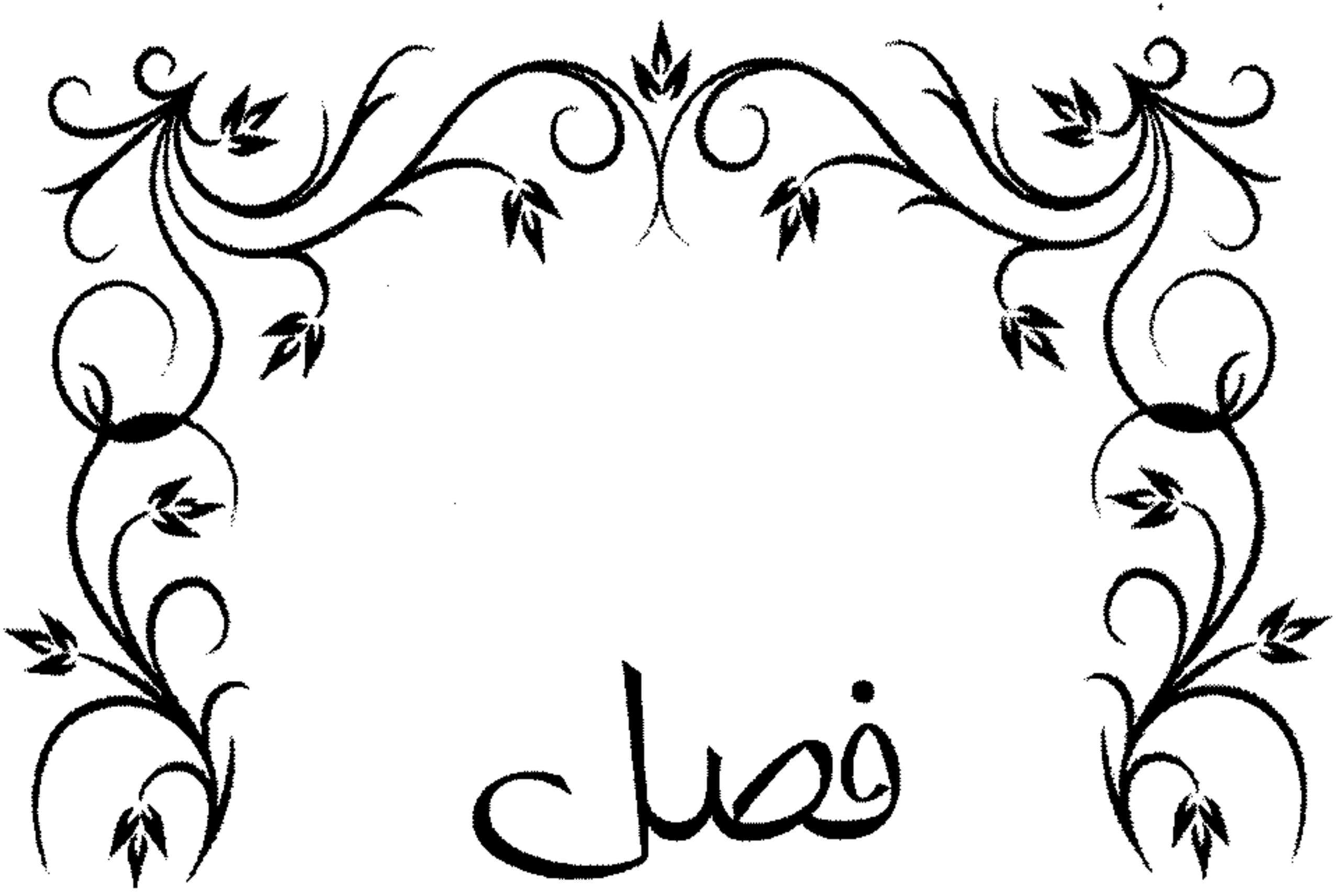
«بنابراین جهان قبل از ظهور، پاک‌سازی تمامی ممالک شرقی و غربی از لوث ستمکاران و ظالمان به دست حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرج الشریف) و امدادهای غیبی و اصحاب ایشان می‌باشد تا نهضت جهانی حضرت در روز عاشورا صورت می‌گیرد و جهان را پر از نور و داد و عدل می‌نماید که دیگر هیچ ستمگری باقی نمی‌ماند. به طور کلی همانطور که حضرت مهدی را دو

۱- بشارة الایلام ص ۲۶۷ / به نقل از بحار الانوار

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۵ و ۲۹۱
۳- اصول کافی ج ۱ ص ۲۳۷ / ج ۵ باب ۸۰

غیبت است، یکی کوتاه (صغری) و دیگری طولانی، غیبت کبری در غیبت اول، کسی جز شیعیان خاص (نواب خاص) از جای او خبر ندارند و دیگری غیبت (کبری) جز خدمتگزاران خاصش از جای او با اطلاع نیستند، انقلاب حضرت هم به دو صورت می‌باشد، انقلاب مخفی و سری (تدریجی) و انقلاب جهانی که توضیح داده شد.^۱

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۳۴۱ / ج ۲۴ باب ۲۳



جهان، و نهضت عدالت گسترده آن حضرت

«بعد از سپری شدن دوران اضطراب شش ماهه قبل از ظهور حضرت اقدامات قیام (صغری) حضرت و با پشت سر گذاشتن نبردهای طولانی با مخالفین اسلام و قرآن و اعلام نمودن قیام جهانی (قیام کبری) زمین به نور الهی روشن و درخشان می گردد به گونه ای که مردم از پرتو خورشید بی نیاز می شوند و عمر مردان در زمان حکومت حضرت ولیعصر (علیه السلام) چنان طولانی می شود که برای هر مرد هزار فرزند پسر متولد شود که در آنها دختر نباشد، وی در نجف مسجدی می سازد که دارای هزار در است و خانه های کوفه به نهر کربلا و به حیره متصل گردد، تا جایی که همه نماز جمعه را در ک نمایند. البته وقتی که در جمعه دوم ظهور حضرت فرا می رسد مردم می گویند ای فرزند رسول خدا، نماز جمعه به امامت شما برابر با نماز پشت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و این مسجد گنجایش ما را ندارد، آنگاه امام نقشه و طرح مسجدی در نجف را پی ریزی می نماید که دارای هزار در می باشد که مردم را در خود جای دهد و کربلا را به عنوان پایگاه جهانی قرار می دهند که محل رفت و آمد فرشتگان و مؤمنان خواهد گردید.»^۱

«احیاء دوباره اسلام و جهان مشمول آن. حضرت مهدی (علیه السلام) بر تمام ادعیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند کافران ناراضی و مخالف باشند و هیچ آبادی و بنایی پا برجا نمی ماند مگر اینکه هر صبح و شام در آن شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت محمدی (صلی الله علیه و آله) بدهند»^۲

و در آیه این است که انسان ها در هر جا را که سکنی کنند خانه خدا مشخص می شود و می توانند از دور خانه خدا را مشاهده نمایند و هیچ بنای طاغوتیان و ستمگران بر جا نمی ماند، اگر چنانچه کافر یا شرکی از قیام و ظهور وی ناراضی و نگران باشند و اگر در پشت صخره ای (سنگ) نهان شوند، آن صخره به صدا در می آید و گوید: ای مسلمان، در پناه من کافر و یا شرکی مخفی

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۰ و ۳۳۱

۲- محجه بحرانی ص ۸۶ و ۸۷

عصر ظهور

شده او را بقتل برسان وی اقدام کرده و او را به هلاکت می‌رساند، و گنج‌های زمینی برایش آشکار می‌گردد و فراوانی و سلطنت وی شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و خداوند دین خود را به وسیله او بر تمام مکاتب جهان پیروز می‌گرداند، ویرانی‌ها زمین آباد می‌گردد و عیسی روح الله (علیه السلام) به زمین فرود می‌آید و پشت سر آن حضرت نماز می‌گزارد»^۱

«از نظر اقتصادی و پیشرفت تکنولوژی، زندگی مادی بشر را در مراحل نوینی قراردادده که در بسیاری از پدیده‌های زندگی روزمره و زندگی اجتماعی اوضاع بین‌المللی نسبت به قبل تفاوت دارد. از جمله استخراج گنج‌های زمین و تقسیم آن به صورت مساوی در بین مردم و اجرای عدالت در اجتماع»^۲

«و دیگر گونی علوم طبیعی (آموختن علم) و وسائل زندگی. حضرت ولیعصر (علیه السلام) همچون پیامبران شغل‌های متنوع و پاره‌ای از علم‌ها و دانش‌ها به انسان‌ها می‌آموزد، قوانین الهی و نعمت‌های الهی است که به صورت مواد و عناصر در زمین و آسمان‌ها در دسترس انسان‌ها قرار می‌دهد، و بسیاری از امور غیر عادی را برای نسل‌های گذشته و معاصر بیان می‌کند از جمله وسائل ارتباط جمعی و ابزار بصری و پژوهشگری و جنگ افزارها و سیستم‌های اقتصادی و حکومت و قضاوت و چیزهای دیگر، که ظاهراً برخی از آنها کرامت و معجزه است که خداوند متعال آن را بدست حضرت و یارانش جامع عمل می‌پوشاند. مانند (ارتباط زمینی‌ها با عرشی‌ها و آسمان‌ها) و راه یافتن به جهان بالا که حضرت ولیعصر از وسیله‌های گوناگون و ابزارهای ویژه‌ای در بالا رفتن و حرکت بین ستارگان آسمان‌ها و جهان بالا استفاده می‌کند. ابری که دارای صاعقه و رعد و برق است و با این وسائل بالا می‌رود، وسیله‌های آسمان و زمین (هفتگانه) منظور از مرکب‌های آسمانی استفاده می‌کند، به گونه‌ای که سفر به کرات آسمانی و زمین دیگر، همچون در عصر ما مسافری از قاره‌ای به قاره دیگر. منظور کرات زیادی در آسمان‌ها وجود دارد که آباد و دارای جوامعی از مخلوقات خدا هستند (فرشتگان) که غیر از نوع انسان و فرشته و جن می‌باشند.»^۳

۱- همان ص ۷۸ تا ۸۶

۲- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶۸ و ۳۵۱

۳- همان ص ۶۸

«حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: چون قائم ما قیام نماید خداوند گوش و چشم شیعیان ما را چنان تقویت می کند که بین آنها و امام (علیه السلام) پست و پیک وجود نداشته باشد به گونه‌ای که وقتی امام با آنها سخن می گوید آنان می شنوند و او را می بینند و امام در جایگاه خود قرار دارد.»^۱

«و حضرت در جای دیگر می فرمایند، وقتی کارها در اختیار صاحب الامر قرار می گیرد خداوند متعالی پستی‌های زمین را مرتفع و برجستگی‌های آن را هموار می گرداند به گونه‌ای که دنیا در پیش او همچون کف دستش باشد و ستونی از نور، از زمین تا آسمان برای او نصب می گردد و اعمال بندگان خدا را در آن می بیند و در زیر صخره‌ای در اهرام مصر علومی برای مؤمنان در آن زمان پیدایش شک و تردید در دل‌هایشان از طولانی شدن غیبت قائم و برگشتن بیشتر آنان (مسلمانان) از دین و دست کشیدن از دیانت اسلام که خداوند سبحان می فرماید ما مقدرات و نتیجه‌ی کردار نیک و بد هر انسانی را به گردنش افکنیم مطالعه می کردم که دلم سوخت و غم و اندوه بر من چیره شد برای وی ذخیره گردیده است که دست قبل از او بدان نمی رسد.»^۲

حکومت ولیعصر بزرگتر از سلطنت سلیمان (ع) و ذوالقرنین خواهد بود.

«در عصر حضرت مهدی (علیه السلام) ابزار و سائلی در اختیار آن حضرت خواهد بود که در اختیار ذوالقرنین نبوده است و شناخت دنیا نزد او همچون شناخت کف دست او خواهد بود. منظور قلمرو حکومت حضرت سلیمان شامل یک قاره بیش نبود، اما فرمانروایی حضرت مهدی (علیه السلام) سراسر جهان را فرا می گیرد و حکومت جهانی حضرت تا پایان دنیا استمرار خواهد داشت و بعد از شهادت حضرت ولیعصر فرزندان وی که ادامه دهندگان راه آن حضرت می باشند به حکومت می رسند، آنگاه بعضی از پیامبران و امامان اهل بیت (علیه السلام) به دنیا رجعت می کنند و تا پایان جهان حکمرانی خواهند کرد تا (قیامت)»^۳

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۶ و ۳۳۶ و ۳۲۱ و ۳۵۱

۲- کمال الدین صدوق ص ۵۶۵ / نهج البلاغه خطبه ۱۸۲

۳- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱ / سوره رحمان آیه ۲۳ و ۲۴

«به طور کلی و در سطح جهانی، بدین جهت که بین ما و جهان گسترده غیبت که از دید ما پنهان است، وحدت و یکپارچگی به وجود می آید، آن را قیامت و رستاخیز یاد می کنند. قیامت و رستاخیز دارای مقدماتی می باشد از جمله حکومت مهدی (علیه السلام) از نشانه های قیامت است و آنچه جملگی بر آن اتفاق نظر دارند این است که علامت های رستاخیز پس از حکومت وی آغاز و آشکار می گردد، از جمله رجعت پیامبران و امامان (علیه السلام) به دنیا و حکمرانی آنان بعد از حضرت مهدی (علیه السلام) طبق برخی از روایات رجعت، پس از حکومت مهدی (علیه السلام) یازده مهدی دیگر پس از آن حضرت، آغاز می گردد و پیامبر شما به سوی تان رجعت نموده و باز می گردد.»^۱

«و نخستین کسی که به دنیا بازگشت می کند حسین بن علی (علیه السلام) است و آن قدر حکومت و فرمانروایی می کند که در (اثر پیری) موی ابروانش به روی چشمانش فرو می افتد.»^۲

«البته در قیام صغری، بعد قیام حضرت مهدی (علیه السلام) یک عده ویژه و افراد خاصی رجعت می کنند به (دنیا) که همان مومنان و یا کافران صد در صد مشرک»^۳

«امام صادق (علیه السلام) می فرماید: وای بر شما، صبح امروز در کتاب جعفر دیدم و آن کتابی است مشتمل بر آگاهی به مرگ ها و بلاها و مصیبت ها و دانش گذشته و آینده تا روز قیامت و خداوند این کتاب را به جدم محمد (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیه السلام) بعد از او اختصاص داده است، در این کتاب درباره ولایت قائم ما اهل بیت و غیبت او و طولانی شدن آن و طول عمر وی و گرفتاری مؤمنان در آن زمان پیدایش شک و تردید در دل های ایشان از طولانی شدن غیبت قائم و برگشتن بیشتر آنان از دین و در سوره الرحمان فرموده در مسجد کوفه بهم رسد، تا وقتی که خدا خواهد و ظاهر شوند، تمامی انبیاء و اصحاب آنها و یعد از از پیامبران دابه الارض (مرده ها) را زنده می گردند. در ماه جمادی بارانی آید که مثل آن دیده نشده باشد و بدان که گوشت های بدن

۱- غیبت طوسی ص ۲۲۹ / بحار الانوار ج ۵۳ ص ۵۶ تا ۴۰

۲- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۴۶

۳- همان ص ۳۹

مؤمنان بروید و بیرون آیند از خاک و عمرشان دو برابر گردد در دنیا.»^۱

در موقع حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

«امام صادق فرموده: وقتی کارها در اختیار صاحب الامر قرار گیرد خداوند متعال پستی‌های زمین را مرتفع و برجستگی‌های آن را هموار می‌گرداند به گون ای که دنیا در پیش او همچون کف دستش باشد.»^۲

«حضرت باقر (ع) فرموده: چون مهدی قیام کند در هر منطقه‌ای از مناطق زمین، مردی را به عنوان نماینده می‌فرستد و می‌گوید دستور العمل تو در کف دست توست، چنانچه امری برایت پیش آمد که آن را نفهمیدی و حکمش را ندانستی به کف دست خود نگاه کن و بر طبق آنچه در آن است عمل نما (منظور برای نمایندگان حضرت مهدی این جریان به صورت اعجاز و کرامت برای آنان اتفاق افتد و یا بر اساس قواعد علمی و وسائل و ابزار پیشرفته انجام پذیرد.»^۳

«امام باقر (ع) فرموده: بدانید که ذوالقرنین حضرت خضر در انتخاب دو ابر (رام و سرکش) مخیر گردید و او ابر رام را برگزید و ابر سرکش برای دوست و محبوب شما حضرت قائم ذخیره گردید. راوی گفت: سوال کردم ابر سرکش کدام است؟ فرمود: ابری که در آن غرش و رعد و صاعقه و یا برق وجود داشته باشد که حضرت مهدی بر آن سوار می‌گردد و توسط ابر بالا می‌رود، وسایل آسمان‌ها و زمین‌های هفت گانه که پنج طبقه آن آباد و دو تای آن ویران است.»^۴

«طبق همین روایات که در زمان حضرت مهدی (عج) آسمانی‌ها (فرشتگان و جنیان) با اهل زمینیان ارتباط برقرار می‌کنند و بدین صورت در زمان حضرت مهدی (عج) یک جامعه بدون فقر و بی‌نیاری خواهد بود، طوری که کسی پیدا نمی‌شود (صدقه قبول کند و جامعه‌ای بدون اختلاف و کشمکش که نیازی به حاکم قضائی ندارد و مردم به صورت (قربه‌الی الله) به یکدیگر خدمت می‌کنند و نیازها و مایحتاج خود را با هم و با اهدا صلوات و درود بر پیامبر گرامی (ص)

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص: ۲۳۶

۴- بحار الانوار ج ۵۲ ص: ۳۲۱

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۸۲

۳- غیبت نعمانی ص: ۳۱۹

عصر ظهور

بر طرف خواهند نمود (منظور معاملات بدون پول انجام می گیرد.)^۱

«امام باقر فرموده: بعضی از کافران و منافقان مخالف حضرت مهدی (عج) به طور ناگهانی به شکل میمون و خوک مسخ می شوند. منظور خداوند آنها را به صورت (بوزینه و خوک) به خودشان نشان می دهد و در آفاق، فرو ریختن آفاق آسمانها و اضطراب شهرهایشان را به آنها نشان می دهد و قدرت خداوند را در خودشان و در سراسر جهان احساس می کنند تا متوجه شوند که قیام حضرت مهدی (عج) از جانب خداوند حق است.»^۲

«ممکن است برخی افراد، مجازات و قتل و نابودی ستمگران را از سوی حضرت مهدی (عج) را سنگ دلی و افراط در کشتار تعبیر کنند اما در واقع آن کار مانند یک عمل جراحی است که برای پاکسازی جامعه اسلامی و سایر جوامع جهانی از لوٹ و جور سرکشان و ستم پیشگان ضرورت دارد و بدون آن هرگز بساط ظلم بر چیده نشده و عدالت حاکمیت پیدا نمی کند و اگر امام (ع) با سیاست، ملایمت و گذشت با آنان رفتار نماید، هرگز ترفندها و توطئه های جدید استکباری که ادامه حیاتشان به آنها بستگی دارد از بین نخواهد رفت. زیرا ستمگران در جامعه های کنونی همچون شاخه های خشکیده یک درخت، بلکه مانند غده سرطانی هستند که بایستی برای نجات بیماران آنها را ریشه کن کرد هر چند دشوار باشد و اما آنچه موجب آرامش خاطر تردید کنندگان در این سیاست می گردد این است که امام عهدنامه معروفی را از ناحیه پیامبر (ص) با خود دارد و خداوند متعال به آن حضرت دانش و آگاهی نسبت به مردم و شخصیت های آنان عنایت می فرماید و او را در پرتو نور الهی به اشخاص می نگرد و آنها را می شناسد و دوی دردشان را می داند، از این رو بیم اندکی می رود افرادی را که امید هدایت در آنها وجود داشته باشد، به دست حضرت ولیعصر (عج) کشته شوند چنانکه خداوند در داستان حضرت خضر و حضرت موسی (ع) راجع به کشته شدن آن جوان به دست حضرت خضر (ع) خبر داده که او به گونه ای عمل کرد که آن جوان، پدر و مادر خویش را به گردنکشی و کفر نکشاند، به طور کلی حضرت مهدی (عج) علم لدنی دارد و بر مردم حق

۱- سوره بقره آیه ۲۱۳ / کتاب کورانی ص ۲۶۴

۲- غیبت نعمانیص: ۱۴۳

ولایت و امامت دارد.»^۱

«امام باقر (ع) فرموده، پیامبر (ص) خود با ملایمت و نیکی در میان امت خود رفتار می کرد و با مردم انس می گرفت و قائم با کشتار (دشمنان) رفتار می کند و توبه کسی را نمی پذیرد، او با عهدنامه ای که همراه دارد به این کار مامور می گردد و ای بر کسی که با وی دشمنی کند.»^۲

رجعت ائمه (علیه السلام) و اصحاب خود

«و بعد از قیام قائم و قتل سفیانی حضرت امام حسین (علیه السلام) با هفتاد و دو تن شهداء کربلا و دوازده امام و دوازده صدیق و به روایتی هفتاد و پنج هزار و بعد از آن صدیق اکبر امیر المؤمنین (علیه السلام) بیرون آید و برای او قبه در نجف و یکی در بحرین و یکی در صنعای یمن و چهارم در مدینه و گویا می بینم که قنديل و چراغ هائی که روشنی دهد به آسمان و زمین مانند آفتاب و ماه و از همه آخر سید اکبر محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) با هر مؤمن از مهاجر و انصار و شهدای بدر واحد پس زنده می گرداند دشمنان آن حضرت، تا در دنیا هم به جزای خود برسند و همچنین برمی گرداند یک یک از ائمه تا صاحب الامر با یاوران ایشان تا خوش حال شوند و معاندان ایشان تا معذب و خوار شوند و در آن روز حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به یاد کربلا افتد که به خون خود آغشته چنان بگرید که اهل آسمانها و زمینها به گریه آن حضرت بگریند و حضرت فاطمه (سلام الله) و فریاد زند که زمین و آسمان از فریاد او بلرزد و بگریند بر او ملائکه آسمانهای هفت گانه و عرش الهی و هر که در دنیا تحت الثری باشد به خروش آید. پس نماز احدی از کشتگان و ظالمان ما و راضی نگردیم از آنها مگر آنکه آن روز هفتاد مرتبه کشته شوند و نازل شوند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکری از ملائکه و ائمه پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علم و شمشیر خود را به قائم دهد پس ما بعد از آن آنقدر در زمین بمانیم که خدا خواهد. آنگاه حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با شمشیر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)

۱- سوره کهف آیه ۶۵ / کتاب کورانی ص ۳۵۴ و ۳۵۵

۲- غیبت نعمانی ص: ۱۲۱ / بحار الانوار ج ۵۱ ص: ۱۵۷ و ۲۱۸

عصر ظهور

به مشرق و مغرب رود تا دشمنان خدا را بکشد و بت‌ها را بسوزاند و کل هند را فتح نماید و حضرت یوشع و دانیال زنده شوند به خدمت حضرت علی (علیه السلام) آیند و گویند راست گفت خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و آنچه شما را وعده داده بودند و حضرت ایشان را با لشکری به بصره فرستد که دشمنان را بکشد و تا معرفت امام حسین (علیه السلام) در دل‌ها مستقر گردد، آنگاه حضرت قائم رحلت فرماید و امام حسین (علیه السلام) او را غسل و کفن نماید و حضرت باقر (علیه السلام) فرموده: می بینم حسین (علیه السلام) بر تختی از نور و قبه از یاقوت سرخ مزین و با انواع دُر و جواهر بر دور آن نور هزار قبه سبز باشد. مؤمنان فوج فوج برای دیدن آن حضرت آیند و سلام گفته و از جانب خداوند به ایشان ندا رسد که ای دوستان من آنچه خواهید از حاجت دنیا و آخرت از من بطلبید تا روا کنم که ظلم و خواری بسیار کشیده‌اید و از طعام‌های بهشتی استفاده نمایید. به طور کلی حضرت اباعبدالله بعد از قیام حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سیصد و نه سال پادشاهی می کند و بعد از آن حضرت علی (علیه السلام)»^۱

«و بعد از رحلت ائمه و پیامبران، زنده شوند مردگان و فریاد کنند لبیک یا (داعی الله) یعنی اجابت کردیم و در خدمت شما ایستاده ایم و در کوچه و بازارها شمشیر بر تارک جباران اولین و آخرین بزنند به تحقیق که مرا است زنده شدن مکرر و منم صاحب رجعت‌های بسیار و منم صاحب انتقام‌های بیشمار و منم صاحب صولت‌های عجیب و منم صاحب دولتهای عجیب و منم بنده خدا و برادر حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) منم امین خدا و خازن علم سرخدا منم اسماء حسینی منم امثال علیا و آیات کبری منم صاحب بهشت و دوزخ، منم آنکه خدا مسخر من ساخته ابر و باد و برق و نور و رعد و کوه و صحرا و دریا و آفتاب و ماه و ستاره‌ها.

پس شیطان تا روز قیامت از خدا مهلت خواسته بود تا وقت معلوم، با جمیع لشکرهایش و توابعش از خلق آدم تا آن روز (گمراهان) در این روز که حضرت امیر المؤمنین در آخرین رجعت خود با اصحاب خود بر می گردد و

۱- علامه مجلسی ص ۴۰۰ و ۴۰۱ در رجعت ائمه

بعزم محاربه به همه را ملاقات فرماید. در روحا کنار فرات نزدیک کوفه پس جنگی کند که هرگز از اول آدم تا خاتم نشده باشد و گویا می بینم اصحاب خود را که شکست خورده و صد قدم پست نشیند و گویا می بینم که پاهای بعضی داخل فرات شود و آنگاه که خداوند قهار ابری فرستد پر از ملائکه و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پیشاپیش ابر با حربه از نور چون شهاب ثاقب و چون نظر شیطان بر آن افتد به عقب برگردد و گوید من می بینم چیزی را که شما نمی بینید و من می ترسم از عقاب پروردگار عالمیان که ناگاه رسول خدا چنان نیزه در کتفش زند که بهمان یک ضربه او و جمیع اصحابش هلاک شوند و بعد از آن عبادت الهی از شرک و کفر در زمین کرده شود و بعد از نابودی شیطان حضرت علی (علیه السلام) چهل هزار سال پادشاهی کند و از شیعه هزار پسر به هم رسد و در هر سالی یک پسر و دو باغ سبز وی ذخیره گردیده است. که دست قبل از او بدان نمی رسد.»^۱

خروج دابه الارض

«خروج دابه الارض، به گفته قرآن ناطق، خروج او در مسجد الاحرام با کوه صفا است. بعد از نزول حضرت عیسی (علیه السلام) و قتل دجال که قامت آن شصت ذرع است و به روایتی سر او برابر ابر و الوان مختلف در بدن او باشد و هر عضو از او به مثانه حیوانی باشد و چشم او چون برق درخشان و جبین او چون آفتاب تابان و پیکرش چون کوه راسخ و میان دو قرن او یک فرسخ و به حدیث علوی سه روز متصل بیرون آید که مردم ببینند هنوز ثلث او بیرون نیامده باشد و به روایتی سه روز اول سر و باقی بدنش چهار روز طول کشد تا از زمین بیرون آید و بدن او مانند طیور مو دارد و چهار دست و پا دارد و بعد از بیرون آمدن به هوا با خلقت مهیب تکلم کند.»^۲

بر پا شدن قیامت کبری

«و سپس قیامت پیا شود و وحشت تمام دنیا را فرا گیرد، کوهها از هم پاشند

۱- کمال الدین صدوق ص ۵۶۵

۲- حلیه المتقین علامه مجلسی ص ۴۰۲ تا ۴۰۴

عصر ظهور

و زمین به مثابه کشتی در طوفان موج و لرزان باشد و شیاطین هر دیار به عزم فرار در اقطار انتشار یافته به ضرب ملائکه در آفاق متفرق گردند و به همین نفخه تا نفخه دوم از صولت مهیب اسرافیل، آسمانها متلاشی شود و بریزند و کل خلایق راه عدم پیش گیرند که از عرش مجید تا فرش مهید زنده نماند و حضرت سجاد (علیه السلام) در کیفیت نفخ صور می فرماید که اول به امر الهی اسرافیل به زمین می آید با صور و آن دو شعبه دارد طرفی به آسمان و طرف دیگر به زمین چون ملائکه و اهل زمین بینند که اسرافیل به زمین می آید گویند که فرمان جبار شده که اهل زمین و آسمانها هر که باشد بمیرد، پس در بیت المقدس و یا کعبه یک مرتبه چنان می دمد که به صدای شعبه طرف آسمان اهل آسمان و از صدای شعبه زمین اهل زمین بمیرند. پس خدا به اسرافیل بفرماید که بمیرد. آنگاه فرماید آسمان را از هم پاشند و کوهها را فرو ریزند و... آنگاه از صدر بارگاه اله صدای لمن الملک الیوم صدور یابد. پس هیچکس نباشند که جواب گوید. پس خود (خدای یکتا) فرماید: **لله الواحد القهار منم خدای یگانه که جمیع خلایق را به قدرت خود آفریدم و به مشیت خود و قهر خود همه را معدوم گردانیدم و بقدرت خود زنده می گردانم.**

پس به اذن الهی صدائی از آن صور برآید که اهل آسمانها زنده شوند و اسرافیل میدمد تا اهل زمین بشوند و حاملان عرش، عرش را برداشته، ملائکه بهشت و دوزخ را حاضر سازند و خلایق محشور می شوند، برای حساب چون حضرت تا اینجا فرمود: شروع به گریه نموده و مشغول گریه شده، تا چهل روز باران رحمت بیارد، که از تموج آب اجزای متفرقه (مردها) و قوالب اموات از مشرق تا مغرب عالم حلیه التیام پوشنده و به روایت دیگر اول جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل را زنده نموده و به بهشت فرستد، تا از برای محمد و آله محمد (صلی الله علیه و آله) و شیعیان ایشان زینت و آرایش دهند (بهشت) را با هفتاد هزار ملائکه مقرب.^۱

«و بعد از خروج دابه الارض، خداوند به جبرئیل وحی نماید به مرقد منور خیرالبشر و شافع یوم عشر حاضر شود و بعد از عرض سلام ندای خروج زند

۱- علامه مجلسی ص ۴۰۴ تا ۴۰۶

عصر ظهور

برای حساب روز جزا و عرض فصل قضا که ناگاه قبر شکافته و آن جناب رسالت مآب جلوس جلال فرماید و طوطی ناطقه‌اش به این حمد سراید.

«الحمد لله الذی احيانى بعد ما اماتنى و اليه النشور» مکشوف شود دری برای آن حضرت بجانب تحت الثرى و دری به جانب بالا تا منازل ابرار و درجات اشرار ببیند پس خطاب فرماید، که یا جبرئیل، «ای یوم هذا» جبرئیل گوید. روز قیامت هنگام ندامت و حسرت است. فرماید، مرا بشارتی ده گوید: یا رسول الله لوای حمد را با تحفه و هدایا برای تو آورده ام، فرماید از این نمی‌پرسم گوید که درهای بهشت برای قدم میمنت لزوم حق پرست گشودم و ابواب، دوزخ بسته، باز همان جواب فرماید گوید ملائکه انتظار شرف حضور موفور السرور تو می‌کشند. زیرا شما اول کسی که شفیع و مقبول الشفاعه. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: ای جبرئیل خبر ده مرا از حال امت من که جواد و کریم (خداوند) با امت من چه کرد با امت گنهکار خود گوید هنوز نفخه صور آخری به صور ندیده و کسی محشور نگردیده، در این لحظه فرمان الهی در رسد که ای حبیب من تو سردار امتی و سالار عرصه قیامتی باید که به محشر بیشتر در آئی، پس خلقت الهی در تن نماید و تاج شاهنشاهی بر سر و بر براق سوار و به عرش مجید آورده در پای عرش سر به سجده گذارد پس منادی عزت ندا کند که یا محمد! امروز روز رکوع و سجود نیست. روز حساب است و ثواب نیکوکاران و جزای بدکاران و روز حسرت ندامت عاصیان (گناهکاران) فجار، سربردار از سجده و سؤال کن تا پروردگار عطا کند، آنچه خواهی عرض نماید که پروردگار وعده شفاعت به من و امت من داده بودی که خطاب آید، (لا عطینک ما ترضی) پس به فرمان جبار قاطبه ارواح را از اماکن بیاورند با اعمال نامه‌شان. پس خطاب به اسرافیل رسد که نفخه حشر در دمد که ناگاه ارواح به مانند زنبور عسل میان آسمان و زمین بر پا باشند رو به خاک نیاز آورند و از ممر خیاشیم به جسد در آیند به موجب آیه «ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم قيام ينظرون» یعنی مردگان از لحد‌های خود بیرون آیند و سراسیمه و عریان و مدهوش و حیران از شدت گرسنگی نالان و از

عصر ظهور

تشنگی زبان از دهان آویزان با صورت‌های خاک آلوده و بدن‌های به خاک لحد فرسوده میان زمین و آسمان از جزای اعمال خود بی پرده و رسوا گردند مگر کسی که در دنیا پرده محارم پروردگار خود را چون عرض ندیده باشد که مستور و با خوشحالی و مسرور وارد محشر می‌شود (پرهیزکاران) و اعمال صالحش مجسم شده و ملائکه خاک صورت مؤمنان را پاک کنند مگر پیشانی آنها را پاک نشود و ندا رسد که این خاک قبر نیست بلکه از تراب محراب و اثر سجود معبود است بگذارید بندگان مخلص و با تقوایم از پل صراط بگذرند و داخل بهشت شوند و زیر پل صراط هم جهنم می‌باشد که ندارند گناهکاران وارد جهنم شوند و التماس و یاری جویند ولی کسی به فریادشان نمی‌رسد و توبه آنها روز جزا مورد قبول پروردگار قرار نمی‌گیرد و آن روز (قیامت) برابر با پنجاه هزار سال می‌باشد که همه بسوی حساب پروردگار خود بشتابند و گویند به خیال اینکه از خوابگاه ما را بیدار کرده‌اند، ملائکه که موکلند برایشان جواب دهند این است که خداوند وعده فرموده بود در معاد و راست گفتند پیامبران و امتاز و الیوم «ایها المجرمون الم اعهد الیکم یا بنی ادم» سپس خطاب شود به گناهکاران که امروز جدا شوید از مؤمنان و صالحان، آیا من عهد نکردم در دنیا به شما که اطاعت نکنید شیطان را که دشمن شماست.»

در پایان این دفتر باید گفت، قلب انسان، مخزن تقوا و ایمان، پاکی، احسان و... می‌باشد. وقتی انسان چنین قلبی پاک و شفاف داشت در موقعی که غرور به سراغ قلبش راه پیدا کند، در، قلب انسان با تقوا بسته می‌شود، وقتی مادیات دنیوی، می‌خواهد لباس تقوا را از او سلب سازد و لباس شیطانی را بر او بپوشاند قلب با تقوایش اجازه نمی‌دهد و تقلیدهای کورکورانه را از خود دور ساخته و در مجلس‌هایی که مورد رضایت پروردگارش نمی‌باشد شرکت نمی‌کند و در تمام لحظات زندگیش در تمامی انجام کارهای دنیوی خود، خدا را حاضر و ناظر می‌داند، و به پیامبران الهی خود افتخار می‌کند و ادامه‌دهنده تمامی خون شهدای اسلام و قرآن می‌باشد و مطیع فرمان پروردگارش می‌باشد و امید است که این کتاب خدمتی برای اسلام و دوستدارانی که تشنه شناخت رهبر

عصر ظهور

موعودشان (حضرت بقیه الله) آنچنان که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده باشد و خداوند متعال آن را در زمره خدمات زمینه‌سازی ظهور حجت و ولی خود ارواحنا فداء قبول فرماید.»^۱

محرم ۸۷/۱۱/۱۴

ثریا نقرات از استان خراسان رضوی

شهرستان قوچان

سرود هنرمندان قوجانی

نسیم باران

ابر رحمت معنی باران بیا خشک شود گل‌های گلزاران بیا
لاله‌های سرخ و بی روحیم ما ای نسیم مزده یاران بیا
مرغ خواب از چشم مشتاقان پرید ای همای چشم بیداران بیا
چشم در راهیم و هر شب اشکبار نور چشم، چشم خونباران بیا
عاشقانت زهر هجران می خورند بُرده ای صبر از دل یاران بیا
موج دریا را تو تنها ساحلی ساحل دریای دلداران بیا
درد بی درمان ما را چاره کن ای دوی درد بیماران بیا
بی تو «حجت» سینه چاک عشق شد قافله سالار عیاران بیا
ما منتظر و چشم به راهیم بیا بی روی تو همخانه ی آهیم بیا
ای نور خدا چشمه ی عشق ازلی سر تا به قدم غرق گناهیم بیا
حجت الله بیات

ماه شب یلدا

بی تو دریای دلم طوفانی است خنده در ساحل لب زندانی است
چشم در راه توام باز آبی آسمان دل من بارانی است
بی تو در خلوت شبهای فراق سنگ بر شیشه ی دل مهمانی است
به سرم تیر بلا می بارد روبه من پنجره ی ویرانی است
آه! ای ماه شب یلدا ایم روز دیدار تو بس طولانی است
اشک در دیده ی من خون آلود عشق در آینه ام عرفانی است
ناله هایم غزل شیدایی خاطراتم همه سرگردانی است
شمع دل سوخته «حجت» گوید مرگ عاشق غزل پایانی است
حجت الله بیات

۱- برگرفته از کتاب علامه مجلسی از قسمت رجعت ائمه و در خروج دابه الارض و در رجعت پیامبران و ائمه هدی و از قسمت در نفخه ی صور اسرافیل و صفحه ی های ۴۰۸ و ۴۰۹ در ماجرای پنجاه عقبه و در احوال روز قیامت

ماه من

یکشب در آور خواب من، ای ماه من ای ماه من
تا دل بگیرد دامت ای شاه من، ای شاه من
از هجر تو دل خونم، آواره و مجنون منم
باز آ که حیرانت شود. هم گاه و هم بیگانه من
در سینه می نالد دلم، تا گریه می آید به چشم
باشد رسد بر گوش تو، این ناله ها وین آه من
ای شمع جان، سوزی کجا، دور از پر پروانه ها
یکدم خدا را آتشی، در شام بس کوتاه من
امشب پرم از یاد تو، تا کجاها می روم
سیلاب اشکم هر قدم، آری نشان راه من
نامهربانی از چه رو، با چون منی محتاج تو
یکشب در آور خواب من، ای ماه من، ای ماه من

حسین میری ۸۷

چشم انتظار

هنوز مانده به این جاده چشم ما درها
بیاورند خبر از کسی که می آید
کسی که از دم او تازه شد نفس هامان
گذشت جمعه به جمعه هزار و یک شعبان
و جمعه جاده ی وسیع است تا تو برگردی
و باز مانده دهان تمام درها
به راه مانده بیایند تا کبوترها
خلاصه ی همه ی حرفها و باورها
و شعر ریخته شد در سطور دفترها
و بافتند هزاران گلیم دفترها
و باز مانده دهان تمام درها
مریم مروج

شمیم صبح ظهور

باز هم پیدا شود رد تو یار
از هزاران واری گم در غبار

عصر ظهور

های های و گریه های انتظار
تا بماند آن نگاهت یادگار
زاده ی این شانه های بیقرار
ای همیشه جاودانه ماندگار
باز هم پیدا شود رد تویار
حسین میری

باز هم دست دعایم نیمه شب
می شود در دل شبی مهمان شوی
در نبودت گریه بی پایان شده است
چون مسافر رفتی و تنها شدیم
از هزاران وادی گن در غبار

سخنی با مولا

چند صباحی بود که می خواستم که با قلم صبر بر دفتر اعتقاد حرفهایم را بنگارم و آنرا با جلدی سبز و با طراحی گل نرگس. درون پاکت خواهش بگذارم، بر رویش تمبر ایمان بزنم و آن را درون صندوق اخلاص بیندازم تا پستیچی انتظار آن را به دست شما برساند.

ای خورشید آفرینش! سالهاست که سرود عدالت آمدنت را در ترنم باران و فریاد سایه ابرهای آسمان و نمای چشمساران می شنوم و صدای دلنوازی را از میان کوههای استوار سر به فلک کشیده که همچون نسیم بهاری، هر لحظه صورتم را به نوازش در می آورد. و به امید دیدنت یأس را بر کوهها سر می برم. مولا جان سالهاست که از هشر خاموش ویران افکارمان بر قلعه های رهایی گام می نهیم تا لحظه ای نسیم بهاریت را احساس کنیم.

ای گل سرسبد آفرینش! از کتاب عهدنامه الهی (قرآن) آموخته ام: وقتی تو بیایی عدالت بر کرسی می نشیند. ما منتظریم تا با آمدنت سلطه ستم واژگون شود و قافلان زمانه از خواب غفلت بیدار شوند.

از کتاب توحید به ما آموخته اند: که ظهور شما بی تردید، بزرگترین جشن عالم و عرشیان و قدسیان خواهد بود و عاقبت جهان را ختم به خیر خواهد کرد و ما بی صبرانه به انتظار جشن ظهورت نشسته ایم.

امروز می خواهم از خودت بپرسم؛ ای مهتاب آسمان خلقت، ای ستاره (النجم الثاقب) تا سپیده دم فرج چند نافله باقی است؟

تا کی در آدینه های عمر با دست های بلند (ندبه) تو را التماس کنیم؟ تا کی کوهسارها بی تکیه گاه باشد؟ تا کی همچون گل های آفتابگردان در پی آفتاب باشیم؟

ای اجابت کننده هر دعا! پنجره قلب منتظران رو به آسمان بی کرانت گشوده است تا با یک اشارت تو، غبار اندوه غیبت از دلها برخیزد و چشمها به تماشای باران ظهور بنشینند و اکنون ای پیام همه رنگ های روشن؛ از گل زیبای باغ

عصر ظهور

عدالت که ما با تمام وجودمان در انتظار دیدارت هستیم، ای سکوت و وقار زیبای شب‌ها! ای درخشش ماه و ستاره‌ها که خود وعده داده‌ای، می‌آیی، بیا و عهدی را که با ما بسته‌ای به جا آور، ما هنوز سر همان کوچه سبز که به انتظار ختم می‌شود ایستاده‌ایم و بی‌قرارتر از همیشه ندای انتظار سر داده‌ایم. خدایا شب یلدای هجران را به یمن ظهور ماه کاملش کوتاه کن و به ما توفیق ده تا طلوع جمالش را از نزدیک ببینیم. انشالله.

جهاد تو در راه خدا، عین اراده‌ی خداست و ضربه‌های تو در راه خدا بر دشمنان، عین انتقام حق متعال است. فضای ثابت و پابرجا همان است که در مورد مشیت و خواست شما قرار گیرد و آنچه محو می‌شود آن است که مورد گزینش شما واقع نشده باشد. ای حفظ خدایی؛ ای پوشش پروردگار؛ ای خیر و برکت ربوبی، مرا بی‌نیازی بخش، مرا دریاب و به فریادم رس زیرا تنها فریادرس ما شما هستید، ای مولا.

به امید دیدارت مهدی جان

و در خاتمه

با استعانت از درگاه احدیت و با یاری حضرت بقیه الله ارواحنا فداء توانستم جلد دوم کتاب عصر ظهور را به منظور استفاده بهینه جهت عاشقان و مشتاقان وصل ربوبی تهیه نمایم. امید است پاداش معنوی این کتاب پر ارزش نثار ارواح و رفتگان گذشته، و حال و آینده و باعث پاداش معنوی اخروی و دنیوی پدر و مادر دلسوزم گردد و امیدوارم، پروردگارم! همه ما را مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی آن ذخیره الهی حضرت ولیعصر (علیه السلام) قرار بده و من بنده حقیر نهایت تقدیر و تشکر از حضرت قائم آل محمد (صلوات الله) را دارم که مرا یاری نمود تا این گنجینه گهربار را به قلم در آورم و از همسر بسیار مؤمن و فداکارم نهایت تقدیر و سپاسگزارم که نهایت همکاری را داشته و دارد و از مریدان و دوستان مخلص و عاشقان حضرت ولی عصر (علیه السلام) خواستارم که دقیقاً در مطالعه این کتاب نهایت تلاش و دقت داشته باشند و برای فرج و ظهور حضرت دست به دعا برداشته و توجهات و توسلات آن بزرگوار را جلب

نمایند. انشاءالله

در خاتمه از تمامی عزیزانی که بنده‌ی حقیر را یاری نمودند، از جمله مسئولین سازمان، جناب آقای شفیع و جناب آقای ظریف، ریاست جدید جناب آقای حسین‌زاده و جناب آقای سلیمانی و تمامی هنرمندان قوچانی، جناب آقای بیات، جناب آقای مردانی، مسئول تعاون، و دیگر عزیزانی که در این امر یاری‌گر اینجانب بوده‌اند، نهایت تقدیر و تشکر را دارم. از همه خوانندگان عزیز التماس دعا دارم.

مرداد ۸۸ مصادف نیمه شعبان ۱۴۲۹ قمری

منابع:

قرآن

نیج البلاغہ سید رضی

چهار جلد اصول کافی - محمد بن یعقوب کلینی

بحار الانوار - علامہ مجلسی

تفسیر تبیان

تفسیر قمی

تفسیر روح الجنان

تفسیر مجمع البیان امام باقر (علیه السلام)

دیوان جوهری

دیوان حافظ - شمس تبریزی

دیوان شیخ بهائی

دیوان منظومہ شمس اصطهباناتی

غیبت شیخ طوسی

غیبت نعمانی

کفایہ الاثر

کمال الدین شیخ صدوق

حدیث قبل از میلاد - سید مجتبیٰ بحرینی

حدیث قبل از میلاد - سید مجتبیٰ بحرینی

فلاح السائل

اثبات الهداء - (۸ جلد) تالیف محمد بن حسن الحر العاملی به ترجمہ به

فارسی

به قلم آقای احمد

مهدی منتظر در اندیشه اسلامی - سید ثامر ہاشم العمیدی

حدیث سرداب - نوشته سید مجتبی بحرینی

غزل دیوان مفتخر

حدیث شمس دیدار - سید مجتبی بحرینی

تمہ المنتہی

الاحتجاج

سفینہ حافظ

دیوان حزن لاهیجی - محمد علی بن ابی طالب لاهیجی

حدیث سفیران - سید مجتبی بحرینی

سفینہ البحار - محدث قمی

معجم البدان - شہاب الدین یاقوت بن عبد اللہ جموی

حدیث دیدارها - سید مجتبی بحرینی

حدیث پسر مہزیار - سید مجتبی بحرینی

مفاتیح الجنان

سوگند نامہ آل محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ) اشتہاردی

احوال و اشعار نوقانی

مصباح الزائر ص : ۴۲۰-۴۲۱

بحار الانوار مجلسی ۸۵/۱۰۲

ثواب الاعمال شیخ صدوق

حدیث سفیران - سید مجتبی بحرینی

عیون اخبار الرضا (علیه السلام) شیخ صدوق

العقربى الحسان - علی اکبر نعمانی

کفایه الاثر فی النص - علی بن محمد بن علی خزاز قمی

المنجد - الویس معلوف

حدیث سفیران - سومین سفیر - سید مجتبی بحرینی

تفسیر نمونه جلد - ۲۱-۴۲ - مکارم شیرازی

مکیال المکارم - جلد ۱ - سید مهدی حائری قزوینی

از مشارق انوار الیقین

مثنوی مولوی

کشف الغمه جلد ۲

اقبال الایمان

هدیه الزائرین

کلیات سعدی

دیوان الهی قمشه ای

صحیفه نور از ۱۲ جلد امام خمینی

مصباح الزائر

بصائر الدرجات

قرآن معجزه جاوید

کتاب در محضر علامه محمد حسین طباطبائی رخ شاد ۶۵۵

پرشش ها و

پاسخ های اعتقادی، اخلاقی، سیاسی

عصر غیبت

دیوان بخارائی

بشاره الاسلام - از عقدر الدرر سلمی

نسخه خطی ابن حماد

تفسیر عیاشی - جلد ۱

مفاتیح الجنان

عصر ظهور، مولف کورانی

دعای فرج

این دعای حضرت صاحب الامر «عج» است که تعلیم فرمود آنرا به شخصی که محبوس بود پس خلاص شد.

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخُفَاءُ وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَأَنْقَطَعَ

خدایا بلا و مصایب ما بزرگ شده و بیچارگی ما بسی روشن و پرده از روی کار برداشته شد و امید

الرَّجَاءُ وَضَافَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ وَأَنْتَ مُسْتَعَانٌ وَ

تو امید شد و زمین بر ما تنگ آمد و آسمان رحمتش از ما منع گردید و تنها تویی باور و معین ما

إِلَيْكَ الْيُسْتَكْنَى وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدِّ وَالرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و مرجع شکایت ما و یگانه اعتماد ما در هر سختی و آسانی بر لطف توست خدایا درود فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَوْلِي الْأُمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَعَرَفْنَا

بر محمد و آل محمد که صاحب امر الهی هستند و بر ما اطاعتشان را واجب کردی و بواسطه

بِذَلِكَ مَنَزَلْتَهُمْ فَفَتِّحْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا جَلِيلًا يَا كَلِمَةَ لَبَّيْكَ

این مطاع بودن مظلومان را به ما شناسندی پس به حق منزلت و قدر آنها که به ما خرج و کشید زود و نریز چو چشم بود

أَوْ هَوَّاقِبٍ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ كَيْفَانِي فَإِنَّكَ كَافِيَانِي

زین یا زودتر عطا فرما ای محمد و ای علی ای علی و ای محمد شما مرا کفایت کنید که شما کافی هستید

وَأَنْصُرُنِي فَإِنَّكَ نَاصِرِي يَا مُؤَلَانِي يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ لِقَوْتِ

و مرا یاری کنید که شما یاران مفید ای مولای ما ای صاحب الزمان فریادرس

الْقَوْتِ لِقَوْتِ أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ

فریادرس فریادرس مرا درباب مرا درباب مرا درباب همین ساعت همین ساعت

السَّاعَةَ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا حَقَّ

همین ساعت زود زود زود ای مهربانترین مهربانان به حق

مُحَمَّدٍ وَالِإِلَاطَاهِ بِرَبِّهِ إِنَّ شَاءَ اللَّهُ مَشْكَلاتُ رَفَعَتْ خَوَابِشَ